

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# پیکار

۸۳

۲۸ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۵۹ بهار ۳۰ ریال

## در صفحات دیگر این شماره:

- احسان طبری مرتد علیه هنرمندار کیستی رهنمود میدهد صفحه ۲۶
- بازمیم تفتیش عقاید، بازمیم اخراج و... بازمیم مبارزه صفحه ۲۱
- آوارگان جنگ: از دیروز تا امروز چه فرقی کرده اند؟ صفحه ۱۶
- رساتر چون شود، فریاد میگردد!! صفحه ۲۱
- افشارگری: روحانیون بزرگ مورد تأیید آیت الله خمینی چه کسانی بودند؟ صفحه ۱۸

### رهنمود درباره شعارهای تبلیغی در میان آوارگان جنگ

مدها هزار آواره جنگی بعنوان تشنه مستقیم این جنگ ارتجاعی مشکلات فراوانی را برای رژیم جمهوری اسلامی سوار کرده اند. رژیم در ابتدا کوشش با سهمت و ناروا، تهدید و ارباب، اذیت و کتک زدن، آوارگان را محسوسه با زکشت به مناطق جنگ زده بنما بد. اما موفق بقیه در صفحه ۲۲

### بمباران ۹۲ دهگده توسط رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر اشنویه



### گزارشی از جنگ لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در کارخانه مینو

### رزمندگان و راه کارگر از حرف تا عمل

صفحه ۹

### چین: رویز نویسنهها کمونیستهارا محاکمه می کنند

### گرانی بنزین و اعتصاب رانندگان تاکسی

صفحه ۸

### گرانی: فقر و فلاکت برای توده ها و درماندگی برای رژیم

### گرانی بنزین و اعتصاب رانندگان تاکسی

صفحه ۷

## اسلام

### جنگ ایران و عراق و چشم انداز آن

هفتاد و دو روز از جنگ آشکار و پنهان عیار ایران و عراق میگذرد. این جنگ بنا بر ماهیت غیرعادلانه و ارتجاعی اش، همانطور که انتظار میرفت جز بدبختی و فلاکت برای کارگران و زحمتکشان دو کشور بسیار نیاورد و از همین رو هر روز که از آغاز جنگ میگذرد از زده منتهویم نوده ها نسبت به رژیمهای حاکم هر دو کشور و روحیه دفاع طلبی و شوونیستی آنها کاسته شده و کمتر به تبلیغات سراپا دروغ بورژوازی و اعوان و انصارش گوش فرا میدهند اما مساله بهمین جا ختم نمیشود و این تنها نوده ها نیستند که این جنگ آنها را دچار مشکل ساخته است. رژیمهای ایران و عراق یعنی همانهایی که در ادامه سیاستهای خود جنگ را باعث شده اند، نتوانستند و نخواهند توانست گریبان خود را از دست عوارض و نتایج این جنگ خلاص کنند و هرگاه این روند ادامه یابد بدون تردید ناخوشی و مرگ سیاسی این رژیمها را با خود بیاورد و درخواهد آورد. ایران را در نظر بگیریم: بقیه در صفحه ۲

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ...

جنگ بربحران اقتصادی و سیاسی ای که رژیم زهمان فردای قیام با آن روبرو بود در ابعاد وسیعتری اشکذاشته و آن را افزایش داده است. بنا بر روی قسمت اعظم تا سیات نفتی کاهش بسیار وسیع صدور نفت به خارج، کاهش درآمد ارزی، پایین آمدن سطح تولیدات داخلی عدم امکان تامین کالاهای وارداتی، بیگساری کارگران، نگرانی و کمبود ما بحتاج عمومی، افزایش سرسام آور تورم، بنیازهای تسلیمانی رژیم و ناسیر مغرب آن بر روی تورم و زندگی زحمتکش آن، آوارگی و مشکلات ناشی از آن و ... اینها همه نتایج اولیه و ابتدائی این جنگ در زمینه اقتصادی بوده است. که اگر آن را در کنار ابعاد دوتایج سیاسی این جنگ، یعنی افزایش نارضایتی عمومی مردم، فروریختن توهم آنها نسبت به رژیم، رشد حرکات اعتراضی و شکل گیری جنبش اعتراضی علیه رژیم، تا شرمناک و بیگانه شدن پائین در بالا و اجگیری جنگ قدرت در بالا تا توانی رژیم در تثبیت و تمرکز قدرت سیاسی خود، شکست در جبهه جنگ با عراق و عدم امکان جبران این شکست و عوارض سیاسی آن و ... قرار دهیم، خواهیم دید که رژیم جمهوری اسلامی در متن چه بحران اقتصادی و سیاسی عمیق و وحشتناکی بسر میرود. و البته این چه چیزی نیست که خود رژیم، بویژه جناح بورژوازی لیبرال آن، از آن بی اطلاع باشد. بنی صدر نامه خصوصی خود به آیت الله خمینی در تاریخ نهم آبان مینویسد:

«هند بار بار بهانه بدتر شدن وضع اقتصاد کشور عرض مطلب کرده ام، خود نیز نمیدانم امروز دولت دیناری ندارد و دارد از بانک مرکزی میگیرد، خرج میکند، با وجود جنگ، تورم چه سیر سرازیر خواهد آورد؟ خدا خود رحم کند ...»

... مردم دارند میگویند، در شهرهای خوزستان اضطراب به آنها یت است. در شهرهای دیگر هیچ چیز نیست و مظاهر روزگاران ترمیشوند. حرفهای بنی صدر بد حکما فی گویا هستند و نیازی به تفسیر ندارد. بنی صدر با شامه تیز لیبیرالی اش، خطر بحران را که در کمین رژیم جمهوری اسلامی نشسته است، بخوبی احساس می کند و میداند که ادامه جنگ، این بحران را تشدید و ترو عمیق تر خواهد کرد تا آنجا که بقول خود او، نه از تاک نشان ماندونه از تاک نشان ...

خطر آنچنان جدی است که نه تنها بنی صدر، بلکه جناح بورژوازی حزب جمهوری نیز علیه رژیم تمام می هدفها و استفا دهائی که در این جنگ و بر راه نداختن آن داشته و هنوز هم دارد علیه رژیم تمام می دشنامها یش که نشا ر لیبرالها میکند. همانند لیبرالها طلب است که بنحو "برو - مندانهای" این جنگ با یان پذیرد، چرا که می - داند و بهتر است بگوئیم فهمیده است که اینبار خطر جدی است و مساله بودن و نبودن کمیته قدرت سیاسی و البته کل قدرت سیاسی در میان است و

دیگر نمیتوان همچون گذشته به شعار صدور انقلاب اسلامی و بنا بر روی حکومت بعث عراق دلخوش بود و هرگونه بلند پروازی را بنمورد میتوانند به قیمت نابودی خود اوکل رژیم تمام شود.

وضع درباره عراق نیز تفاوت کیفی با آنچه در مورد ایران گفتیم ندارد. رژیم عراق که در ابتدا با هدف برهم زدن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و کسب موضع برتر در دهان خلیج و شط العرب و جلوگیری از فعالیت تبلیغاتی ایران علیه عراق و کمکهای ایران به سازمانهای اسلامی موجود در عراق مثل "الدعوة" و "بیکار اسلامی" حمله را آغاز کرد، در شرایط فعلی در برابر گسترش این جنگ قرار گرفته و تا کنون نیز بهای گزافی را با مت آن پرداخته و این کشور را اگر نه در حد ایران، دچار بحران و وسیع اقتصادی و سیاسی نموده است.

از اینرو آنچه که برای رژیمهای غفلتی ایران و عراق، علی رغم تمامی اختلافات سیاسی و ارضی موجود مطرح است، حفظ قدرت سیاسی و جلوگیری از اجگیری بحران و در همین رابطه جنبش توده ای رشدیابنده است که بنا بر روی آنها راه هدف گرفته است. بورژوازی هما نظیر که در تاریخ نیز بارها اتفاق افتاده حاضر است برای حفظ خود و سرکوب انقلاب در کشور خودی در کنار بورژوازی کشور دیگر که تا آن زمان برای کسب سود بیشتر با او در حال جنگ بود، قرار گیرند و لوسو

**بخاطر يك لقمه نان!**  
**رشت :**  
روز شنبه ۱۲ آبان ماه گروهی از رانندگان شخصی که شکم خا نوده خود را از راه مسافر کشی سیر میکنند جهت دریافت کوبین بنزین به استان داری کیلان میروند، اما استاندار رضا نقلایی در پاسخ خواست بحق آنها جنگ ارتجاعی ایران و عراق را چاقی کرده و سر آنها میکوبد که "ما در حال جنگ هستیم و شما نباید به ما ایستادگاری کنید" یکی از رانندگان زحمتکش پاسخ میدهد که "شما روزی سی تومان به زن و بچه های ما میدهید ما همین حالا به جنگ میرویم" استاندار مرتجع رو - به پاسداران سر ما به کرده و میگوید "این شخص را بگیرد او آمریکایی است!! پاسداران بلافاصله شروع به تیراندازی هوائی کرده و سپس بر روی راننده ها آتش گشودند. در این حادثه چند نفر مجروح شد که یکی از آنان در بیمارستان جان سپرد.

این منطبق رژیمهای ارتجاعی است که پاسخ بیکاران را با گلوله و سرب مذا بدهد. اما این سرکوبها با رای مقابل با او جگیری مبارزات زحمتکشان نخواهد داشت و رشد آگاهی توده ها راه سرخ پیروزی آنان را هموار تر خواهد ساخت با استفاده از اعلامیه کمیته کیلان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

آنکه این سازش بقیمت از دست رفتن بخش مهمی از خاک کشور خود باشد. ایران و عراق نیز از این قاعده عمومی مستثنی نبوده و نخواهند بود. و اما موضع امپریالیستها درقبال جنگ و خاتمه آن: بدون آنکه بخوانیم به توضیح مواضع امپریالیستها، اما از آمریکا و شوروی و کشور - های اروپائی درقبال جنگ و آغاز آن بپردازیم بطور مختصر با اشاره کنیم که هر دو کشور ایران و عراق برای امپریالیستها و بویژه آمریکا و شوروی چه از نظر اقتصادی (و بویژه نفت) و چه از نظر سیاسی و سوق الحیثی اهمیت تعیین کننده - ای دارند و از اینرو در برابر هر گونه تغییر و تحولی که بنحوی موقعیت آنها را در این منطقه حساس تضعیف نماید حساسیت فوق العاده نشان میکنند. اما معنای بحران ایران و عراق که نه تنها موجب کند شدن صدور نفت به این کشورها، بلکه از آن مهمتر به حدت سیاسی بحران در ایران و عراق انجام میدهد است که در ادامه خود میتوانند به تضعیف و حتی سقوط رژیمهای این دو کشور بنام مذا و این چیزی است که در شرایط فعلی بهیچوجه با منافع امپریالیستها در این کشورها و در منطقه سازگاری ندارد.

موضع حمایت آمیز آمریکا و آلمان از ایران بویژه پس از تصمیم مجلس به آزادی گروگانها، موضع سوسیال امپریالیسم شوروی و دولت فرانسه در حمایت از هر دو کشور ایران و عراق کوشش سازمان ملل و مسافرت اولاف پالامه به ایران و عراق جهت بررسی پیشنهادات دو کشور و راهبایی به صلح و پاسخ در مجموع مساعدی که هر دو کشور نسبت به این مساله ابراز داشته اند، تماما بیابانگرانی امپریالیستها و رژیمهای این دو کشور از ادامه جنگ و مشکلاتی است که در این رابطه برای آنها بوجود خواهد آمد.

نگاتی را که بر شمرده ایم این مساله را مسلم میباشد که جنگ میان ایران و عراق بهیچوجه نمیتواند در دراز مدت ادامه یابد و طرفین نه میخواهند و نه توان آن را دارند که این جنگ را در دراز مدت ادامه دهند، اما نکته مهمی که باید در اینجا به آن اشاره شود این است که این مساله بهیچوجه بمعنای آن نیست که رژیمهای ایران و عراق قادرند در قباله کوتاهی مثلا چند هفته به این جنگ خاتمه دهند. این امر بهیچوجه امکان پذیر نیست. مثلا رژیم ایران که ما ههاتو ده ها را برای جنگ با عراق و سرنگونی "صدام کافر" تشویق و ترغیب کرده و وعده پیروزی و ملاقات در کیلان و بغداد را به آنها داده است و در این راه جان هزاران نفر از هموطنان ما را میگذرانده و خاتمه خرابی صدها هزار نفر از مردم زحمتکش را باعث شده است و هم اکنون نه تنها کوچکترین پیروزی ای بدست نیامده، بلکه قسمتی از خاک کشور را نیز از دست داده است.

بقیه در صفحه ۱۶

**برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق**

# جنبش کارگری



## جنگ، بهانه‌ای برای تشدید استثمار کارگران معدن کرمان

جنگ بین ایران عراق، جنگی است غیر- عادلانه و به ضرر کارگران و زحمتکشان دو کشور که فقط بدفع سرمایه‌داران است. شروع جنگ "فتارکار"، "افزایش تولید"، "گراتی"، "اخراج کارگران" و... را به دنبال داشته و همواره فلاتک و بدبختی را برای آنها به ارمغان آورده است. قبلا در معدن همدک کرمان کارگران ۴۶ ساعت در هفته به کار طاقت فرسا مشغول بوده‌اند و علاوه بر ۴۶ ساعت کار ۴ ساعت اضافه کار داشته‌اند، کهم اکنون بطور متوسط در حدود ۱۰ حقوق کارگران قطع شده است. علاوه بر فشار کار رئیس معدن گفته است که: "برای هفته‌های آینده ساعت کاری ما را افزایش می‌یابد".

کارگران معادن از "خیرات جنگ بی بهره نمانده‌اند، حقوق آنها کاهش یافته، کمبود و گرانی سوخت و ارزاق زندگی را بیشتر بر آنها تنگ میکند و هر چه میگذرد، آنها بیشتر به ما هیت جنگ و تبلیغات مسمومانه رژیم پهلوی میبندند و توهم آنها نسبت به رژیم پهلوی در حال فرو ریختن است.

## گزارشی از: جنگ لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در کارخانه مینو

کارخانه مینو به سبب مبارزات با نسووه بعد از قیام و جریان گروه‌گامگیری یک هفته‌ای "حاج علی خسرواھی"، یکی از بزرگترین سرمایه‌داران ایران و پیروزی نسبی کارگران در این جریان، شهرت خاصی دارد. ما در شماره‌های گذشته "پیکار" شمارا در جریان مبارزات کارگران مینو و نتایج و درسیها آن قرار داده‌ایم و اینک به بررسی تحولاتی می‌پردازیم که بخموش بعد از جنگ ما عادلانه‌کنونی در کارخانه رخ داده‌اند:

بعد از انحلال "دفترهماهنگی" که تمام تشکیلات رهبری کننده مبارزه کارگران در جریان گروه‌گامگیری بود، بعلمت نسوودیک تشکیل کارگری قدرت بدست هیئت مدیره موقت که توسط شورای کارگری انتخاب شده بود، افتاد که بعدا دونفسر از طرف وزارت صنایع و معادن بعنوان مدیران دولتی به آنها اضافه شده هیئت مدیره جدید در مجموع متعادل به لیبرالها بود و سیاست نسبی لیبرالی را دنبال میکرد و یک نفر از آنها نیز

مزدور مستقیم کار فرما بود. آنها در طی مدتی که بر سر کار بودند تنها هیچ کاری به نفع کارگران انجام ندادند، بلکه برعکس جلوی رشد مبارزات کارگران را گرفته و در نتیجه موجب نارضایتی کارگران شدند بعد از آن کارگران نیز بعلمت نداشتن اتحاد موقف به ایجاد تشکیلات خودنگردیدند.

در یک مرحله از انتخابات برای "شورا"، بین هیئت مدیره از طرفی و مزدوران کار فرما و فلاترها از طرف دیگر، اختلاف و درگیری پیش می‌آید که در واقع انعکاسی بود از اختلاف بین دو جناح هیئت حاکمه (لیبرالها و سنی مدراریک - طرف و حزب جمهوری اسلامی از طرف دیگر) در جریان این درگیری هیئت مدیره موقف میشود که سه تن از عناصر رقیب را اخراج کند (علی موسی - زاده رئیس کارگری - ضیعی رئیس انظامات و خوشبخت متعدی انبار). در نتیجه کارگران بطور نسبی از این عمل پشتیبانی میکنند، اما از بقیه در صفحه ۱۲

## با تعطیل شدن کارخانه دباغی کلیه کارگران کارخانه بیکار مانده‌اند

چندی پیش کارخانه دباغی واقع در جاده فدایشان اسلام (شهری) به علت نرسیدن مواد اولیه تعطیل و کارگران آن بیکار میشوند. صاحب این کارخانه فردی است به نام مهندس خالقیان که قبلا از طرفداران سرخشت شاه بود و امروز طرفدار حزب جمهوری شده است. خالقیان مدتی پیش به کارگران کارخانه گفته است: من دیگر بوجود شما احتیاج ندارم، پول با خریدتان را بگیرید و بروید و هر کسی اعتراضی دارد بروید و هر کاری که دلش میخواهد بکند. کارگران دباغی در سخت ترین شرایط کار میکنند، آنها از هیچ امکانات بهداشتی برخوردار نیستند و خیلی از آنها به دلیل مرطوب بودن محیط کار دچار مسموم شده‌اند. اکنون در شرایط گرانی و سردی هوا، بیکاری زندگی آنها و خانواده‌شان را بدبختی تهدید میکند.

## کارگران کارخانه ناسیونال اصفهان خواهان جلوگیری از خروج کالا شدند

چندی پیش کارگران کارخانه ناسیونال واقع در جاده اصفهان، یکی از نمایندگان خود را برای پیگیری درخواستهاشان به تهران فرستاده بودند. بعد از چند روز کارگران پیشنهاد میکنند که آقای هاشمی (نماینده‌ای که به تهران فرستاده بودند) نتایج اقدامات خود را در حضور کارگران بازگو کند.

آقای هاشمی میگوید: "من برای زیاد کردن حقوق پیش صاحب کارخانه و مقامات دولتی (از جمله آقای اسدی) رفتم، ولی آنها به خواست ما کارگران پاسخ منفی دادند". حتی میگویند: "به علت بیماریان آنها رتا سونال تهران و سوختن کالاها و خساراتی که به این خاطر به کارخانه وارد آمده نمی‌توانند حقوق

کارگران را زیاد کنند".

کارگران وقتی این جواب را شنیدند، مصمم تر از پیش خواهان ادامه مبارزه شدند و یکی از کارگران پشت میکروفن رفته و گفت: ما نتحقق خواستهای خود جلوی خروج کالا از کارخانه را میگیریم". تمام کارگران با صدای بلند گفتند: او را تا شنید کردند.

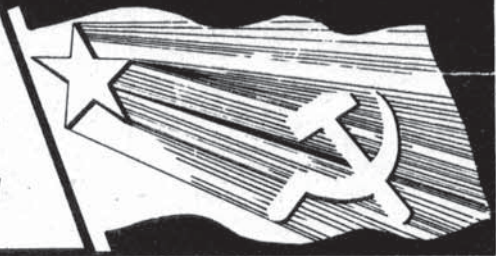
خواستهای این کارگران بشرح زیر است:

- ۱- اضافه حقوق
- ۲- استفاده از خدمات عمومی کارخانه (مثل نعلن و غیره).
- ۳- بهتر شدن کیفیت غذای و...

کارگران این کارخانه قبلا توانسته‌اند ۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا بگذارند.

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

## وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



### تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۷)

#### اصل چهارم: بیان حقایق (اتکاء به منافع تاریخی توده‌ها)

اصل اساسی اخبارنگارگری و رزیدو برای اثبات اصولیت نظریش متذکر میشود که:

"طبیعتا ما به هر چیزی که توده‌ها میگویند تسلیم نخواهیم شد. چرا که توده‌ها سیر بعضی اوقات، بویژه در ازم فرسودگی و خستگی استثنائی حاصل از سختیها و رنجهای بیش از حد به احساساتی تسلیم میشوند که بهیچوجه بیرون نیست" (۱)

یک اصل کمونیستی همواره تعیین کننده حرکت کمونیستهاست و آن در نظر گرفتن منافع تاریخی طبقاتی توده‌هاست. اتکاء به منافع تاریخی توده‌ها در امر تبلیغ بصورت بیان حقایق جلوه‌گر میشود این اصل در حقیقت اساسی‌ترین برنسیب تبلیغ محسوب میشود. درست است که نباید احساسات توده‌ها را در نظر داشت و نیز باید به اساسی‌ترین نیازهای توده‌ها پاسخ گفت و همچنین با توده‌ها در آمیختن و از آنها جدا نمود. اما این سه اصل تبلیغ در زیر پرچم اصل چهارم بایستی اجرا میگردد. کمونیستها در تبلیغ نه به عوا مفریبی و تشبیه به هر شیوه‌ای برای نفوذ در توده‌ها و یا ناشی‌دست‌ترین عواطف عقب مانده - ترین توده‌ها، بلکه به منافع استراتژیک و تاریخی توده‌ها می‌اندیشند و به اصول جاودانه مارکسیسم-لنینیسم وفا دارند. منافع تاریخی توده‌ها ایجاب میکند که حقایق را به توده‌ها بگوئیم به آنها دروغ نگوئیم و به این گفته جاودانه ما رکن پایبندها شیم که "حقیقت همیشه انقلابی است". اتکاء به منافع توده‌ها بالاتر از هر برنسیب اصلی است و اگر هر برنسیب دیگری بجای این اصل اساسی در تضاد افتد، باید از جلوی راه استقرار این اصل کنار رود. لنین در ۱۹۱۷ تأکید بی‌شائبی برای این مطلب دارد:

"ما و تنها ما هستیم که تغییر خلق و خوی توده‌ها و به علاوه چیزی بسیار مهمتر و عمیق‌تر از آن، یعنی منافع اساسی توده‌ها را بحساب می‌آوریم! و ادا می‌دهد:

"بیشویکجا بخاطر ما منافع توده‌ها و سوق دادنشان به عمل انقلابی، شوینیسم را رد کردند و در این راه تغییر خلق و خوی آنها را نه برای تمکین غیر اصولی در مقابل آن بلکه بمنظور دست‌بازیدن به مبارزه‌ای اصولی برای کسب کامل از شوینیسم اجتماعی مورد استفاده قرار دادند."

همانگونه که ما همده می‌شود، لنین هنگامیکه اصل توجه به روحیات توده‌ها با اصل اتکاء به منافع توده‌ها در تضاد می‌افتد، بر اصولیت

اسلحه‌تیزی بدل میشود که دل حقیقت را می‌شکافد و با هشاری و دلآوری تضادهای موجود در بطن جامعه را بران می‌کند و برای زخم‌کشیدن واقعیات جامعه را بدرستی و با صداقت منعکس میکند. تا یکید کمونیستها بر این اصل اساسی از دید "اخلاق گرایانه" آنها ناشی نمیشود، بلکه بخاطر اینست که کمونیستها معتقدند تنها اصل جامعه و محوطیقات، امری احتساب‌ناپذیر است انقلاب یک حقیقت است و بیروزی بیرولتا را بر بورژوازی نیز انعکاس دقیق واقعیت مبارزه طبقاتی است. بیان این حقایق از آنروست که توده‌هاست که این حقایق بنا بر اصل ماتریالیسم دیالکتیک جبراً بسود زخم‌کشیدن عمل میکنند بخاطر همین است که رفیق ما شومعتداست:

"ما باید در دفاع از حقیقت استوار باشیم و حقیقت ایجاب میکند که موضعی صریح اختیار کنیم، ما کمونیستها یونانستند نظریات خود را پیوسته شرم آور و شرمده ایم. روزنامه‌های تحت رهبری حزب ما و مجموعه کار تبلیغاتی ما با بد جا شیدا را بشد. موضع صریح داشته باشند، نیز ویرا با شند و هرگز نبا بد در آنها بما نند." (۲)

● ما کمونیستها معتقدیم "حقیقت، جاندار است". بیان آن هر چند بطور موقتی و تاکتیکی، نتیجه بخش نباشد، بطور استراتژیک در جهت منافع توده‌هاست.

● باید حقیقت را گفت، اما چگونه، کجا و چه موقع و به چه کسانی. آثار شیبها انعطافی را در بیان حقایق نمی‌پذیرند و رویزونیستها اساساً با بیان حقایق دشمنند.

### انحرافات رویزونیستی و آثار شیبستی در ارتباط با تبلیغ حقایق

رویزونیستها که با هیچ اصل مارکسیستی نمی‌توانند خود را منطبق کنند، دیگر بطور کامل با این برنسیب دشمنی می‌ورزند. آنها به منافع تاریخی بورژوازی منکی هستند نه به منافع توده‌ها و چنین است که حقایق را بسود بورژوازی وارونه میکنند. رژیمهای فدخلقی را انقلابی جا میزنند، جنگهای ارتجاعی را عادلانه قلمداد میکنند، دوست را دشمن، و دشمن را دوست طبقه کارگر معرفی میکنند. آنها دشمن حقیقتند، چرا که "حقیقت، همیشه انقلابی است". و آنها دشمن انقلابند. آنها پیوسته دروغ را تبلیغ میکنند مثلاً به دروغهای حزب توده در این مورد میتوان استناد کرد که روزی، آیت‌الله خمینی را مرتجع مینامید و روز دیگر انقلابی، روزی لیبرالها را بورژوازی ملی و انقلابی و دموکرات می‌نامد و روز دیگر آنها را لیبرال و... هر با رکه او مسئله - ای را تبلیغ میکرد از منافع بورژوازی حرکت میکرد و تلون مزاحی رویزونیستها نیز در همین - جاست که کمونیستها دروغ نمیگویند، دچار شائبه

بدین ترتیب فواین دیگر تبلیغ تحت - الشعاع این اصل اساسی قرار میگیرند و این توجه عظیم به این اصل، تبلیغ کمونیستها را از تبلیغات نمابندگان دیگر طبقات جدا میسازد. بورژوازی و حتی خرده بورژوازی بخاطر پیروزیهای آتی خود منافع آتی توده‌ها را الگد مال میکنند. آنها از شیوه‌های شکوف تبلیغاتی برای نفوذ در توده‌ها استفاده میکنند. احساساتشان را به بازی میگیرند و عوا مفریبی میکنند... تا در آنها نفوذ کنند. ما کمونیستها همواره از اتخاذ شیوه‌های غیر اصولی، جنجال، هیاهو، دروغ، مظلوم‌نمایی و... بخاطر موقتیست در تبلیغات احتساب میکنند، حتی اگر در کوتاه مدت شکستهای را نیز محتمل شوند. تبلیغات کمونیستی، ما کما و لیستی و با براکما نیستی نیست. ما کمونیستها معتقدیم "حقیقت، جاندار است". بیان آن هر چند بطور موقتی و تاکتیکی نتیجه بخش نباشد، بطور استراتژیک در جهت منافع توده‌هاست. بدین ترتیب تبلیغ به

(۱) - نقل قولهای لنین از کتاب علم انقلاب در روانشناسی اجتماعی اثر نیورشف آورده شده است.

(۲) - ما شوم - منتخب آثار، جلد ۴، گفتگوی هشتم تحریریه روزنامه چین سری ژینا شو

بقیه در صفحه ۱۲

# خلق ها و مسئله ملی



## درود...!

د رود برا انقلابيون شهيد كاك ماس هي كمن  
پيشمرگه كومه و كاك شوان فرما ننده  
نظامي يك دسته از پيشمرگان كومه ود پگر  
شهيداي جنش مقاومت خلق كرد .

## غارت روستای قم قلعه بندست پاسداران

مهاباد ۵۹/۸/۱۹

در این روزیک ستون مرکب از ارتش و پاسداران از محمدبا رنقده بمقصد مهاباد حرکت کردند. این ستون در سر راه خود بغداد در کبری کوتا هی با پیشمرگان دمکرات وارد روستای "قم قلعه" گردید. نیروهای ضد خلق، بمجن ورود، شروع به آتش زدن خانه ها و علوفه و غلات روستا - شیان و بیارت دکا سها نمودند. آنها ۱۲ خانه را به آتش کشیده و ۴ دکان را غارت کردند. سپس مزدوران رژیم پس از کشتن یکی دو نفر ارا ها لی روستا ضمن خروج از روستا مورد حمله پیشمرگان دمکرات قرار گرفتند. و در نتیجه این درگیری ۸ نفر از نیروهای ضد خلق بهلاکت رسیدند. همچنین یک پیشمرگه شهیدند که پاسداران بطور وحشیانه چشان او را از حقه در آورده اند.

## فائتومه های جمهوری اسلامی اسباب بازی محتوی مواد منفجره بزمین ریختند

مربوان

کریم از روستای "خا و" به قصد بردن اسباب بازی برای فرزندانش یکی از آنها را برداشت که منفجر شد و او را به شهادت رساند. بصرجه ای نیز با برداشتن یکی دیگر از آن اسباب بازیها شدت زخمی شد.  
این جنایت رژیم جمهوری اسلامی، بارها توسط امیرالایم آمریکا در ویستنا م تکرار رسید ولی خلق قهرمان و بیستام اردشوار بیها سید و اشغالگران را از خاک خود بیرون راند. خلق قهرمان کردنیز با تحمل سختی ها و ادا مه مبارزه همراه خلقهای دیگر ایران، سرکوبگران را به زانو در خوا هندا آورد.  
(بستقل از خبرنامه ۸۸ کومه)

رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق بنوعی کشتار زحمتکشان هردو کشور از هیچ جنایت و وحشیگری رویگردان نیستند. در حالیکه ستون ارتشی عراق در روستای مرزی گاشی میسران دهات اطراف را به تیوپ می بندد، فائتومهای رژیم جمهوری اسلامی در روز ۵۹/۸/۷ بعد از بمباران شهر بستنجون (کردستان عراق) که باعث کشته و زخمی شدن عده زیادی از مردم بی دفاع آنجا گردید، هنگام مبارزات در اطراف روستای "خا و ساجی" مقدار زیادی اسباب بازی مانند عروسک، ماشین کوکی، کیف و... در شعاع چند مدمتری به زمین ریخت. یک نفر سنا م ملاح حاجی

## غارت و آتش زدن روستاها توسط مزدوران رژیم

نقده ۵۹/۸/۱۰

عده زیادی پاسدار وحاش مستقر در شهر نقده همراه با چندین تانک و خودروا از طریق روستای قارنا به روستای "کلوان" حمله کردند. آنها ضمن غارت دکا سها و اموال مردم، اهالی زحمتکش را با وحشیگری هرچه شما متربا تسروجا قوو چماق و سرنیزه مورد حمله قرار داده و حدود ۴ نفر از آنها را کوزور زخمی نمودند. پاسداران و جاشها بعد از غارت روستای "کلوان" به روستای "نازآباد" (نازآوه) حمله کردند. در این روستا، مزدوران رژیم طی درگیری کوتا هی، یک پیشمرگه را شهید و پیشمرگه دیگری را دستگیر نمودند. پاسداران و جاشها پس از مجروح کردن عده زیادی از اهالی، روستا را به آتش کشیدند در نتیجه این وحشیگریها، تعداد زیادی از خانه ها مزارع، و علوفه دامها و جویهای سوختنی یکی در آتش سوخته و نابود شدند. اخبار رسیده حاکی است که تا چند روز پس از حمله، روستای "نازآباد" در آتش می سوخته است. مزدوران رژیم پس از انجام جنایات خود در دور روستای مذکور، به طرف

راکت بسته و شنها با خمپاره و توپهای مستقر در بادگان زاندا رمزی جلدیان آنها را زیر آتش قرار میدادند. در این حملات لشکر ۶۴ ارومیه، گروهان ۱۹۸ تیپ یک پیرا شهر، توپخانه ترافه مستقر در بادگان جلدیان و گردان ۱۰۹ سلما س شرکت داشتند. هدف رژیم جمهوری اسلامی از برنا مریزی این حملات گسترده این بود که ابتدا با اسبادهات از کمکهای روستائیان - پیشمرگان مستقر در اشنویه جلوگیری نموده و سپس به اشنویه حمله کند. اما با وجود این، مردم شهر و پیشمرگان قهرمان در مقابل حملات ارتش سختی مقاومت کرده و نیروهای ضد خلق را وادار به عقب نشینی نمودند

## بمباران ۹۲ دهکده توسط رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر اشنویه

رژیم جمهوری اسلامی برای خارج کردن شهر اشنویه از دست پیشمرگان جنش مقاومت خلق کرد، با بسیج بخش اعظم مزدوران خود در منطقه در تدارک حملهای وسیع به اشنویه بود. اما این توطئه جنا يتكارانه رژیم در اثر مقاومت قهرمانانه پیشمرگان و اهالی مبارز اشنویه نقش بر آب شد جریان واقع بقرا رزیر بود:  
ابتدا جاشهای جنا يتكار ملاحسنی مرتجع به روستای "جیرائیل" حمله کرده و ضمن غارت و آتش زدن روستا به یک پسر ۱۳ ساله و یک دختر ۱۴ ساله تاجا وز کردند. پیشمرگان جنش مقاومت به محض اطلاع از این وحشیگریها به مزدوران رژیم جمهوری اسلامی حمله کرده و تلفاتی بر آنها وارد کردند. حمله پیشمرگان سپاه به دست ارتش ضد خلقی داده و فرمانده عملیات نظامیان مستقر در "تیه جیرائیل" سنا سروان "مختار مددرک" معروف به "مدرک خونخوار" فرمان انهدام ۹۲ روستای منطقه اشنویه را م در کرد.  
ارتش روزها با هلیکوپتر روستاها را به



## حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست

## گرامی باد خاطره رفقای شهید



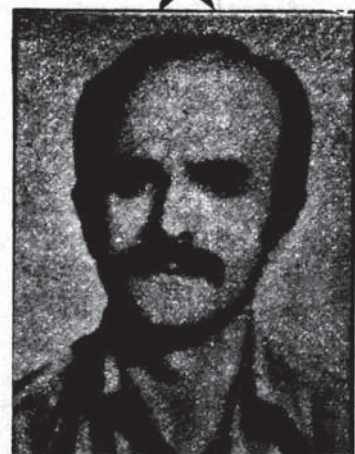
**رفیق شهید  
حسن سبحان الهی**

عضو بخش منشعب ازس م خ ۱  
انضباط انقلابی و تشکیلاتی او و حساسیت  
در قبال نظرات نادرست و ناسازد  
همرزمانش بود .  
شهادت در زیر شکنجه در تارستان  
۵۴/۹/۲۶



**رفیق شهید محبوبه افراز**

عضو بخش منشعب ازس م خ ۱  
علاوه بر فعالیتهای تشکیلاتی در داخل  
کشور و بیرون آن در جنبه های سیاسی به  
عنوان پزشک در جبهه جنگ خدمت کرد .  
رفیق همچنین در اداره بخش فارسی  
رادیو جبهه خلق برای آزادی عمان  
فعالیت داشت .  
شهادت در نیمه آذرماه ۵۷



**رفیق شهید هاشم وثیق پور  
(لطیف)**

عضو بخش منشعب ازس م خ افعال در  
بخش کارگری . رفیق سهم عمده ای در  
انتشار نشریه "قیام کارگر" داشت .  
شهادت در ۳ آذرماه ۵۴

و جنایات خود در کردستان به استخدام "مزدور"  
دست زده است . آنچه که در زیر می بینید اطلاعیه  
لشکر ۲۸ سنج برای استخدام "مزدور" میباشد:  
زحمتکشان ما می پرسند: برآستی خلق  
زحمتکش کرده میخواهد که رژیم جمهوری اسلامی  
علاوه بر استقرار آن همه دستگای های سرکوبگر خود  
در کردستان به استخدام "مزدور" نیز دست زده  
است ؟

البته استخدام مزدور برای سرکوب جنبه های  
انقلابی خلقها و زحمتکشان امر تازه ای نیست .  
امیرالیستها ، بویژه آمریکا ، انگلیسها  
با رها در کشورهای رودزیا ، کنگو ، عمان ، زبیر  
و . . برای کشتار خلقهای این مناطق آدمکشان  
و جنایتکاران حرفه ای را با دادن پول ، استخدام  
کرده و میکنند اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی  
برای کشتار خلق کردها ، شیوا ، میرالیستها  
را کار گرفته است

کارگران و زحمتکشان !

صدای اعتراض خود را بر علیه این همه  
جنایات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان بلند  
کنید و ضمن حمایت از خلق کرد ، توطئه های  
جنایتکارانه رژیم در کردستان را افشا کنید .  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۹/۵

### استخدام مزدور برای کشتار خلق کرد!

دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۵۹ کیهان

#### لشکر ۲۸ سنج سرباز استخدام می کند

یافت ترحم زیر میباشد:  
بسمه تعالی - لشکر ۲۸ سنج  
برای تکمیل کادر سربازی  
احتیاج به تعدادی سرباز دارد  
کسانی که تمایل به استخدام  
بطور قراردادی به مدت یکسال  
در لشکر مزبور را دارند میتوانند  
همه روزه از ساعت ۷ الی ۱۴  
غیر از روزهای تعطیل به مرکز  
صفر یک کادرواقع در خیابان  
پیروزی ( فرج آباد سابق )  
مراجعه وقت نام کنند .  
شرایط استخدام عبارت است  
از: حداکثر سن ۲۵ سال ، دارای  
بودن برگ خانه خدمت .  
دارا بودن سلامت جسمی به  
بایستاد و بهمداری ارتش -  
همراه داشتن شناسنامه عسکری .

اگر برای سرکوب خلق کرد ، برای کشتار  
اهالی شهرهای کردستان و روستا ثیان بیدفاع  
و برای قتل عامهای نظیر "قارنا" ها و "قلاتان" ها ،  
"کاشی مام سید" ها و "ابندرقاش" ها ، ارتش ،  
پاسداران ، جاسهای آدمکش و اعزام افراد متقاضی  
خدمت ۵۶ به کردستان کافی نیست ، رژیم  
جمهوری اسلامی اکنون برای گسترش آدمکشها

روستای "شاواله" راه افتادند . بعلمت نبودن  
بیشمرگان در این مسیر (در حقیقت پیشمرگان  
حزب دمکرات در این منطقه خیال جنگیدن  
نداشتند) ، مزدوران رژیم بر احتی و اردو روستای  
شاواله گردیدند . آنها در این روستا نیز مانند  
روستا های قبلی به قتل و غارت روستا ثیان  
زحمتکش پرداختند . مزدوران خدخلق ، وحشیانه  
بیرمردی را بقتل رسانده و عده زیادی از اهالی  
روستا را زخمی و ناقص العضمودند . سپس  
پاسداران و جاسها ، خانه ها و علوفه دامی  
روستا ثیان را به آتش کشیدند .

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از غارت  
به روستای یاد شده با خمپاره ۱۲۰ میلی متری  
به روستای "دشت قور" شلیک کردند و دولی خمپاره  
به روستا اما با بخت نکردند . قتل و غارت در روستاهای  
کردستان توسط ارتش و پاسداران و جاسها ،  
همچنان ادامه دارد .

#### توضیح:

به علت تراکم مطالب روز ، از آوردن متن  
مباحثه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس  
در این شماره معذوریم .

## گرانی: فقر و فلاکت برای توده‌ها و درماندگی برای رژیم

بحران عمیق اقتصادی ایران که در مقطعی از رشد خود منجر به سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه گردید، بعد از زوی کارآمدن رژیم جمهوری اسلامی نیز کماکان عمیق‌تر و گسترده‌تر گردید. سطح زندگی توده‌ها و بخصوص کارگران و زحمتکشان با سرعت بی سابقه‌ای، دائماً تنزل کرده و می‌کند. این امر در بالا رفتن سرمایه و رفیقت مواد مورد نیاز توده‌ها از طرفی و ثابت ماندن (و یا حداکثر افزایش ناچیز) دستمزدها، خود را بخوبی نشان می‌دهد. علاوه بر آن بیگاری نیز چون بیماری همه‌گیر، گسترش و حشمتاکی یافته است.

بعد از همه‌جا نهب شدن جنگ ارتجاعی کنونی قحطی و گرانی ناشی از جنگ نیز "قوز بالا قوز" گشته و گلوی زحمتکشان در چنگال هیولای گرانی بیشتر فرسوده می‌شود. بیهوده نیست که بحث راجع به گرانی اجناس، امروزه بحث روز توده‌ها و موجب اعتراضات گسترده (هر چند هنوز کم‌دانه) شده است. این اعتراضات و همه‌گیر شدن آنها خوبیات و حشمت رژیم جمهوری اسلامی را فراهم کرده است. بطوریکه مسئولان رژیم از ترس تنگنا مل این ناراضی‌ها به مبارزات گسترده توده‌ها و برای جلوگیری از تکرار هر آنچه دو سال قبل بوقوع پیوست. و منجر به سقوط رژیم شاه گردید، به دست و پا افتاده و مذبح‌خانه تلاشها شمی همچون جیره بندی مواد سوختی و قند و شکر (که مقدمه جیره بندی سایر مواد است) برداشته است. برای آنکه به ابعاد دو حشمتاکی افزایش قیمت‌ها در سایر کشورهای بیبریم، با استفاده از آمار دولتی (۳) (که طبقاً ارقام بسیار پایینتر از واقعیت نشان می‌دهند)، میزان افزایش قیمت مواد ضروری و مورد نیاز توده‌ها را نسبت به سال گذشته مورد بررسی قرار می‌دهیم:

به جدول شماره ۱ رجوع شود

بطور کلی میزان متوسط قیمت‌ها در مرداد ماه ۵۹ نسبت به مرداد ماه ۵۸ برابر ۲۲/۶٪ افزایش داشته است. در مقابل این افزایش سرکجه‌آور قیمت‌ها، دستمزدها غالباً ثابت مانده اند و افزایش ناچیزی داشته‌اند. مثلاً افزایش مزد کارگران که حداکثر آن از ۵۶۷ ریال در روز به ۶۲۵ ریال در روز افزایش یافت. حدوداً ۱۳٪ می‌باشد. در صورتیکه با کسر شدن قسمت‌های از مزد کارگران مانده سود ویژه (که قیمت قابل ملاحظه‌ای از مزد کارگران بود) همین ۱۳٪ هم

(۳) - کلیه آمارهای این مقاله از گزارش مرداد ماه ۱۳۵۹ اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی ایران است.

جدول شماره ۱

نام محصول	درصد افزایش قیمت از مرداد ۵۸ تا مرداد ۵۹
نخم مرغ	۳۵/۵٪
لبنیات	۲۷/۲٪
نان	۱۲/۵٪
برنج	۴۹/۹٪
آرد و فرآورده‌های آن	۲۷/۶٪
گوشت قرمز	۶۵/۲٪
مرغ	۱۶٪
ماهی	۵۶/۳٪
روغن حیوانی	۵۷/۸٪
روغن نباتی مایع	۷/۶٪
روغن نباتی جامد	۷٪
دخانیت	۲۹۲/۳٪
پوشاک	۲۵/۲٪
معالجات ساختمانی	۲۸/۶٪
اثاثیه خانه	۲۸/۴٪
حمل و نقل و ارتباطات	۳۵/۱٪



عمل خنثی می‌شود. بنا بر این در طی یکسال دستمزدها تعبیر چندانی نمی‌کنند ولی افزایش قیمت‌ها چنان است که طبق آمار دولتی قدرت خرید مردم (و در واقع درآمد آنها) به میزان ۲۲/۶٪ کم می‌شود.

این میزان افزایش قیمت مربوط به قبل از گسترش جنگ نا عا دلانه کنونی است و حال

جدول شماره ۲

آنکه صفهای طولی برای خرید ما بحتاً اولیه، نایابی بسیاری از این ما بحتاً و جیره بندی برخی از مواد، خود بهترین گواه افزایش فوق العاده و با زهم بیشتر قیمت‌ها نسبت به مرداد ماه است. یک نمونه آن سه برابر شدن قیمت بنزین است (علاوه بر جیره بندی آن) که خود موجب افزایش قیمت حمل و نقل گردیده و افزایش قیمت سایر کالاها را موجب می‌شود.

رژیم با کمک دستگا‌های تبلیغاتی سعی دارد اینطور وانمود کند که گویا صرفاً این جنگ است که قیمت‌ها را تا بدین حد بالا برده و گرنه می‌توانست آنها را مهار کند. در صورتیکه بررسی افزایش قیمت‌ها بعد از قیام مهمن ماه و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، بخوبی نشان می‌دهد که روند افزایش قیمت مربوط به جنگ نبوده و جنگ فقط آن را تشدید نموده است. با زهم آمار خود رژیم را تا حد می‌گیریم (هر چند که این آمار تعدیل شده و صرفاً بیابانگر گوشه‌ای از واقعیت هستند): به جدول شماره ۲ رجوع شود

کلاً ما بحتاً عمومی توده‌ها در مرداد ۵۹ نسبت به سال ۵۷ (سال روی کار آمدن رژیم کنونی)، به میزان ۳۱/۵٪ افزایش قیمت داشته است و درآمد‌ها کماکان تغییر قابل توجهی نکرده‌اند.

این افزایش بی رویه، قیمت‌ها، از طرفی موجب فقر و فلاکت توده‌ها می‌گردد و از طرف دیگر بیابانگر و درماندگی رژیم جمهوری اسلامی در برخورد به بحران اقتصادی است که نه تنها نتوانسته است آنرا مهار کرده و یا تخفیف دهد، بلکه عملاً در مقابل آن سنگ انداخته است. چرا که بحران اقتصادی موجود که ناشی از گندیدگی سیستم سرمایه‌داری وابسته است، چنان عمیق و ریشه دار است که رژیم‌های فرتوتی چون جمهوری اسلامی را برای مقابله با آن نیست. افزایش فقر و فلاکت، ناراضی‌ها توده‌ها را بیشتر و موج اعتراضی آنان را گسترده‌تر می‌نماید. و سر نوشتی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان می‌آورد که برای سلفش، رژیم شاه به همراه آورد.

حل بحران کنونی به نفع توده‌ها و فاش شدن آمدن بر مشکلاتی چون گرانی، تنها آن زمان امکان پذیر می‌گردد که حکومت جمهوری دمکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر بر فرا شود و با راه بسوی سوسیالیسم، تنها راه نجات انسانها از فقر و ستم و استعمار رهمنون گردد!

مایحتاج مردم	خوراکیها و دخانیات	پوشاک	اثاثیه خانه	حمل و نقل و ارتباطات	درمان و بهداشت	تحمیل و مطالعه خدمات متفرقه	کالاها و خدمات متفرقه
درصد افزایش قیمت از سال ۵۷ تا مرداد ۵۹	۴۸/۲٪	۳۷/۴٪	۳۸/۲٪	۴۶/۷٪	۱۳/۴٪	۲۵٪	۵۹/۶٪

## جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

**تهران -** روز چهارشنبه ۵۹/۸/۲۱ پس از اینکه دولت اعلام نمود که رانندگان تاکسی و تاکسی بار با بدبختی رانندگی ۳۰ روزه را سپری خواهند کرد، حدود ۲۵۰ نفر از رانندگان تاکسی در یکی از پمپ بنزینهای خیابان جمهوری جمع شده و دست به اعتصاب زدند. آنها سر راه تاکسی های دیگر را که در حال حرکت بودند گرفته و آنها را هم دعوت به اعتصاب نمودند و اعلام کردند تا وقتی که بنزین لیتری ۱۰ ریال به آنها داده نشود کار نخواهند کرد. در همین حین نمایندگان سندیکا که از وابستگی به رژیم مینبای شدیده دادگاه انقلاب مراجع نمیکند و برای به سازش کشاندن رانندگان قول دولت مبنی بر پرداخت ما به التفاوت بنزین را تکرار کرده و از آنها می خواهد به اعتصاب پایان دهند. اما نمایندگان قبول نمی نمایند، زیرا، ما هیئت نمایندگان سندیکا فرمایشی بر اینان روشن بود. این سندیکا یک سندیکا زرد می باشد و با اینکه رانندگان تاکسی هر ساله مبلغی بعنوان حق عضویت پرداخت میکنند، اما تاکنون نتوانسته قدمی در جهت منافع رانندگان برداشته بلکه انجمن اسلامی و اتحادیه آنان با گشاده بازی ها و ولخرجیهای خود، پولی را که باید صرف بیمه رانندگان بشود، حیف و میل میکنند. رانندگان تاکسی بدلیل مختلف و از جمله شرایط ویژه صنعتی آنان، فاقد تشکیلات مستقل و منسجم میباشند و آخرین نماینده واقعی آنها بنام "علی پور" در رابطه با اعتراض به طرح ترافیک، از طرف رژیم دستگیر شده است. در مقابل سازشکاری های نمایندگان، رانندگان سخت ایستادگی نموده و حاضر به زدن بنزین نبودند. آنها میگفتند: "اینها همه نقشه دولت است اگر میخواهد بقیه پول را به ما پس بدهد پس چرا حالا دارد آنرا میگیرد؟" این ها وعده سرخرمن است چون تا حالا ما به التفاوت ۸ ماه پیش را سپرداخته است.

با مقاومت رانندگان روز اول اعتصاب به پایان میرسد. در روز دوم وقتی نمایندگان اتحادیه مقاومت رانندگان را میبینند از درت دیگر وارد میشوند و به رانندگان پیشنهاد میکنند که بنزین را لیتری ۳۰ ریال بزنند و آنها بقیه پول را از بودجه اتحادیه که حدود ۴۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان میباشد، میپردازند و بعد از دولت میگیرند. اکثر رانندگان حاضر میشوند که با این شرط بنزین بزنند، اما با زهم عده ای مخالفت میکردند و میگفتند این پول هم مال خودمان است، اگر فردا این پول تمام شود به ما و ما شل بدگی و روغن نمیدهیم. اما نمایندگان با گرفتن جواب مثبت از رانندگان به دادستانی رفته و با نماینده دادستان به محل اعتصاب بر میگرددند و دادستان انقلاب به آنها قول میدهد که ظرف ۱۰ روز بقیه پول بنزین را به آنها تحویل

**گرانی بنزین و اعتصاب رانندگان تاکسی**

برگرداند. اما پس از این موافقت رژیم ما هیئت خود را نشان داده و ۶۴ نفر از رانندگان مبارز تاکسی را بعنوان ضداقلاب از رادیو معرفی کرده و به آنها بنزین نمیدهد.

**همدان**

رانندگان تاکسی این شهر هم در روز چهارشنبه ۵۹/۸/۲۱ در یکی از پمپ بنزین ها دست به اعتصاب زدند. نمایندگان فرمایشی و مسئولین رژیم به تکیا پوافتا دو با علم کردن مسئله جنگ سعی در تفرقه اندازی مابین رانندگان داشتند، ولی با اینهمه تا روز شنبه اعتصاب ادامه پیدا نمود و در این روز با قول دادستانی مبنی بر دادن بقیه پول تا آخر ماه اعتصاب پایان میگیرد. مسئله مشترکی که در هر دو اعتصاب تهران و همدان رانندگان تاکسی وجود داشت وجود نمایندگان فرمایشی و سازشکاران و فقدان یک رهبری واقعی و منسجم بوده است.

**زنجان**

روز ۲۱ آبان ماه همزمان با تهران و شهرهای دیگر رانندگان تاکسی زنجان نیز برای اعتراض به گرانی بنزین دست از کار کشیدند. از ۲۲۵ تاکسی زنجان فقط کمتر از ۲۰ تاکسی که رانندگان نشان از فالانتهای حزب جمهوری اسلامی هستند کار میکنند که با اعتراض قاطع رانندگان دیگر مواجه شدند. رانندگان با وعده مسئولین مبنی بر رسیدگی به خواستهها - نشان از روز بعد حاضر به کار میگردند.

**مشهد**

ساعت ۸/۳۰ صبح ۲۱ آبانماه رانندگان تاکسی و مسافرکش مشهد در اعتراض به گرانی بنزین دست از کار کشیدند و در مقابل شرکت تعاونی تاکسیرانان جمع شدند. رئیس شرکت سعی بسیار کرد تا اعتصاب آنها را بشکند، ولی رانندگان فریب توطئه ها را نخوردند و میگفتند: "آره همه نظور که با رسال ۴ ریال ما به التفاوت پول بنزین را ما دادند، اما سال هم ۲ تومن را خواهند داد!" و این ترتیب عدم باور خود را به وعده های ارتجاع نشان میدادند. راننده ها میگفتند اگر دولت نمیخواهد کلک بزند بما در همان پمپ بنزین مخصوص تاکسی ها که همیشه بنزین می گرفتیم، بنزین بدهند و لیتری ۱۰ ریال بگیرند.

در این اعتصاب کلیه رانندگان تاکسی شرکت کرده بودند و با سازمان چند راننده را که مسافر سوار راننده بودند دستگیر کرده بودند و در نتیجه همکاران نشان برای آزادی آنها جلوی کمیته مرکزی جمع شدند.

جریان گرانی بنزین و عقب نشینی رژیم در ادامه مبارزه رانندگان تاکسی این واقعبیت را با ردیگری بنیوت میرساند که این توده ها هستند که در مبارزه شان خواسته های خود را از حلقوم ارتجاع بیرون میکنند و رژیم ارتجاعی را که میخواست با سوء استفاده از "موقعیت جنگی" بنزین را برای رانندگان تاکسی هم گران نماید در مقابل اعتصاب سرتاسری رانندگان تاکسی و اداریه عقب نشینی کردند.

**کرج**

روز ۸/۲۱ رانندگان تاکسی بخاطر گران شدن قیمت بنزین (لیتری ۳۰ ریال) دست از کار کشیدند و خواستار برگشتن قیمت ها به لیتری ۱۰ ریال شدند. با آنکه رژیم قبول داده است که ما به التفاوت قیمت را پس از مدتی بپردازد، رانندگان این شرط را نپذیرفته و میگویند این وعده است چون در دوره بعد از قیام همه آنها قول داده بودند که ما به التفاوت قیمت بنزین که ما هیات به ۴۰۰ ریال میرسد به آنها پرداخت گردد.

هم چنین موتورسواران حمارک کرج هم بعنوان اعتراض به گران شدن بنزین در جلوی فرمانداری اجتماع کرده و دو نما ینده را برای مذاکره پیش فرماندار میفرستند. فرماندار فریبکار پیشنها دادن بنزین (به قیمت قبل) به دو نما ینده را می کند و از آنها می خواهد که بقیه را دست به سرشما بدهد که آنها قبول نکرده و جریان را برای بقیه افشا مینمایند.

**تصحیح و پوشش**

متاسفانه پیکار شماره ۸۲، اغلاط چاپسی زیادی دارد ما ضمن پوشش از خوانندگان پیکار اغلاط مهم را تصحیح میکنیم.

- ۱ - در صفحه ۹ سطر اول مقاله تلاش رژیم برای آزادی گروگانها... سوال شوی نیستی ای وقیم فدائی (اکثریت) صحیح است. اشتباه خجبول چاپ شده بود.
- ۲ - در صفحه ۱۲ سطر اول، مقاله بهیام به توده های جنگ زده... غم از دست دادن والدین و فرزندان وهستی خود صحیح است. اشتباه حتی چاپ شده بود.
- ۳ - ادامه مقاله جنگ و رادیوهای ضداقلابی در صفحه ۱۸، ستون سوم، سطر ششم است. اشتباه عنوان آن در اول ستون دوم زده شده است.
- ۴ - ادامه ملاحظات (ما شاء الله تعالی) در صفحه ۱۸ اول ستون دوم است. عنوان آن اشتباه زده شده است. (البته متاسفانه ادامه ملاحظات در صفحه ۱۴ نیز تکرار شده است.)
- ۵ - در صفحه ۲۱ ستون دوم، سطر دوم از آخر (با ورق) مقاله نندیدن سوال امیرالینیم... با دیدی امیربستی صحیح است. اشتباه امیربالیستی چاپ شده بود.

**بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!**



## رزمندگان و راهکارگر: از حرف تا عمل سوسیال شوئیستهای خجول در حرف رژیم را ارتجاعی می نامند ولی در عمل خلاف آنرا تبلیغ می کنند

"برای اینکه بتوان به ما هیت مبارزه حزبی بی برد، نباید گفتار را ورداشت بلکه باید تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود، این بررسی نباید آنقدرها پیرامون آنجیزی باشد که خود احزاب در باره خود میگویند، بلکه باید در احوال آنجیزی باشد که این احزاب بدان عمل می نمایند و نیز در احوال این احزاب که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل میکنند و در اموریکه سیاسی منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی، ملاکین سرمایه داران، دهقانان، کارگران و غیره میمانند می آید. چگونه رفتار می نمایند." (لنین، احزاب سیاسی در روسیه، تاکید از خود لنین است.)

آنچه لنین میگوید یک معیار اساسی است. باید به اعمال سازمانهای سیاسی توجه داشت، نه به آنچه که ادعا میکنند. بورژوازی نیز بسیاری سخنان فریبنده دارد، رویزیونیستها هم از انقلاب و سوسیالیسم میزنند... ولی آنچه که کمونیستها را از نمایندگان سیاسی طبقات غیر پرولتری متمایز میسازد، اینست که تنها در حرف خواهان رهایی زحمتکشان نیستند، بلکه پیوسته آنچه میگویند، تا پای جان وفا دارند. بورژوازی در هر لحاظی که باشد (و از جمله در هیت رویزیونیستها) با سخنان ظاهری فریبش میخاهد توده ها را بفریبید، بسوی خویش جذب کند و آنها را به بند بکشد و غارت و استعمار و سرکوب نماید. سخنان نشان به آرایش فاشیستی میمانند که برای پوشیدن ماهیت زشتش، خود را آراسته است. آزادی، استقلال، رفاه و زحمتکشان، سوسیالیسم... دکانهائی برای فریفتن توده ها است. یکی از مهمترین مفاصل تبلیغ و ترویج ما کمونیستها نیز همین خواهد بود که دروغ بودن مواعد بورژوازی را برای توده ها آشکار کنیم و توده ها را آنچنان مجهز کنیم که در پس همه حرفها، منافع طبقاتی جریانهای سیاسی را بشناسند و به آسانی میزان وفاداری آنها را به اعمالشان، درک کنند. ما باید توده ها را آنچنان آموزش دهیم که به شعارهای بورژوازی (در هر لحاظی) اعتقاد نکنند و او را تعبت طبقات دیگر را از اعمالشان و نه از حرفهایشان دریابند. طبقا حرف و عمل اپورتونیستها نیز...

یکدیگر در نفاذ قرار میگیرند، چرا که آنان نیز از رویزیونیسم منشا میگیرند. رویزیونیسم چیزی جز بورژوازی در پوشش مارکسیسم نیست. یکی از وظایف ما کمونیستها آشکار کردن شعارهای دروغین اپورتونیستها و نشان دادن دورویی شعار و عمل آنان به توده ها است. لنین در مورد عدم اعتماد به شعارهای اپورتونیستها هشدار میدهد:

یکی آنکه بورژوازی را انقلابی نامید و از مبارزه توده ها بر علیه آن جلوگیری کرد و دیگر آنکه نام بورژوازی را ارتجاع گذاشت، منتها آنقدر صفات نیک و موقی برای آن تراشید و آنقدر آن را رنگ آمیزی کرد که مبارزه برای سرنگونی آن همدستی با امپریالیسم تلقی شود! طبیعی است بورژوازی در صفوف طبقه کارگر به روش شکل فوق عمل میکند. احزاب غاش توده و رنجبران و رویزیونیستهای مرتد فاشی (اکثریت) وظیفه اولی را بر عهده دارند و راه کارگر و رزمندگان در قالب دومی به ارتجاع ایران خدمت میکنند. با این وصف که هنوز رزمندگان و راه کارگر از التماس نظریات انقلابی و ضد انقلابی، رویزیونیسم - نیستی و مارکسیستی کاملاً بدریاضه و دچار تناقض هستند.

اگر رزمندگان و راه کارگر التماس خود را بسودن اخت واقعی ما هیت ارتجاع بشکنند،

● اما پس از قیام دیگر به چه چه سخنی هم از مبارزه طبقه امپریالیسم نمی توان بهمان آورد. چرا که خرده بورژوازی مرفه سنتی و جناحهای متفاوت بورژوازی متوسط که قدرت را بکسب گرفته، به نگهدارنده سیستم سرمایه داری وابسته بدل شده، دیگر به چه چه سخنی از مبارزه با ارتش، سیستم بوروکراسی وابسته (دولت) و سرمایه داری وابسته نبود. اکنون حاکمان در قدرت خود کمره حفظ و حراست آن بسته بودند و بدین ترتیب سخنی هم از استقلال نمی توانست در میان باشد.

میتوانند در صفوف مارکسیسم هم چنان جای داشته باشند، در غیر این صورت در منجلیسی که پیش از این اکثریت فدائیان در غلبیدند، خواهد افتاد ما اینک تناقض رزمندگان و راه کارگر را در برخوردشان به قدرت سیاسی آشکار میکنیم.

### ارتجاع حاکم "مستقل و ضد امپریالیست" است

رزمندگان معتقد است رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است مستقل:  
"رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اختلافات درونی آن سیاسی مستقل از امپریالیسم - البته بیرون از محدوده اقتصاد دوساثل تولیدی و جنگی - (فعلا با تزویزیونیستی جدائی سیاست از اقتصاد کاری نداریم - بیکار چه در داخل و چه در خارج از کشور دنبال می نمود، و در مجموع از نظر سیاسی حکومتی غیر وابسته و مستقل از امپریالیسم را اداره میکند، که چنین حکومتی با سیاست "نه شرقی، نه غربی" آن برای امپریالیسم و ارتجاع منطقه تحمل ناپذیر بود. ویا "این حکومت غیر وابسته که در نتیجه... وضعیت مستقل و غیر وابسته آن برای امپریالیسم تحمل ناپذیر و مطلوب بود" و از همه مهمترین رزمندگان معتقد است: "رژیم جمهوری اسلامی گرچه بدفاع از استقلال سیاسی ایران پرداخته... و نیز

"کائوتسکی از سیاست خرده بورژوا ما با نه و فیلستر منشا نمونه واری پیروی مینماید و خیال میکند (و این خیال بوج را به توده ها تلقین مینماید...) که گویا با شعار دادن موضوع تغییر میکند. تمام تاریخ دموکراسی بورژوازی این توهم افاش میسازد: دموکراسیهای بورژوازیای فریب خلق همواره هرگونه "شماره" را که خواسته باشد، داده - اند و همواره هم خواهند داد. ولی مطلب در اینست که ما در آن نبودن آنان تحقیق گردد گفتار را کردار ما قبله شود و به عیسایرت پردازد ایده آل نیستی با شاید آنه تناعت نکرده، بلکه واقعیت طبقاتی مورد تفحص قرار گیرد." (لنین، انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد، تاکید از خود لنین است.)  
ما با همین ملاک مارکسیستی که لنین معین میکند، میخواستیم گفتار رزمندگان و راه کارگر را با کردارشان بر سراسری ترین مسئله مارکسیستی یعنی قدرت سیاسی مورد تحقیق قرار دهیم و ثابت کنیم که چگونه رهبری این سازمانها، خاک به چشم هواداران نشان میباشند و تحلیلها نشان را که در خدمت بورژوازی است با شعارهای دروغینشان می پوشانند.

رزمندگان و راهکارگر  
بزرگ پرچمی دروغین  
بدوشیوه میتوان به بورژوازی خدمت کرد.

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

بهلوی) ما نند سابق کا رگزارا میریالیسم آمریکا نبود. اما این سرمایه داری بعنصوان عملکرد سرمایه جهانی امیرالیستی در کشورهای تحت سلطه وابسته به امیرالیسم جهانی تلقی میشود. استقلال از امیرالیسم تنها به معنای مبارزه با ارتجاع داخلی میتواند باشد. در حالیکه سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی تابع ارتجاع داخلی یعنی بنا بر مقتضیات سرمایه - داری وابسته انجام میگردد، دولت یک ارگان طبقه ای است و سیاستهای این دولت و بخصوص اینکه این دولت چه طبقه ای را بخاطرکدام طبقه تضرکوب میکند، ارتباط لاینفکی با این مسئله دارد که این دولت ارگان استعمارگر است.

● **اپورتونیستهای چون راه کارگروزمندگان که نمی توانند واقعیت مسلم سرکوبی رژیم جمهوری اسلامی را نفی کنند.** این نکته مهم را از قلم می اندازند که این سرکوب سود کدام طبقات انجام میگردد. آیا سیاست سرکوب انقلاب سیاست امیرالیسم جهانی نیست. آیا درست در زمانی که اساسی ترین سیاست رژیم جمهوری اسلامی بر اساسی ترین سیاست امیرالیسم جهانی منطبق است میتوان سخنی هم از استقلال گفت. آیا زمانیکه بازسازی نهادها و ارگانهای وابسته به امیرالیسم چون سرمایه داری وابسته و ارتش و دولت با تمام قوا از سوی جمهوری اسلامی ادامه دارد، میتوان رژیم جمهوری اسلامی را مستقل نامید؟

طبقات متمکن سودگرا م طبقات استعمارگر است. اپورتونیستهای چون راه کارگر - رزمندگان که نمی توانند واقعیت مسلم سرکوب - گری رژیم جمهوری اسلامی را نفی کنند، این نکته مهم را از قلم می اندازند که این سرکوب سودگرا م طبقات انجام میگردد. آیا سیاست سرکوب انقلاب، سیاست امیرالیسم جهانی نیست. آیا درست در زمانی که اساسی ترین سیاست رژیم جمهوری اسلامی بر اساسی ترین سیاست امیرالیسم جهانی منطبق است میتوان سخنی هم از استقلال گفت. آیا زمانیکه بازسازی نهادها و ارگانهای وابسته به امیرالیسم چون سرمایه داری وابسته، ارتش و دولت با تمام قوا از سوی جمهوری اسلامی ادامه دارد، میتوان رژیم جمهوری اسلامی را مستقل نامید؟ اساسی ترین سیاستهای جمهوری اسلامی منطبق بر خواستها، نیازها و اهداف امیرالیسم جهانی است و بدین ترتیب سیاستهای جمهوری اسلامی نیز وابسته به امیرالیسم جهانی است. رژیم شاه ساا وابسته به یک امیرالیسم بود و یک سفارتخانه سیاسی بنا بر این واقعیت میگردد. بهمین خاطر ما اورا یک زنجیری امیرالیسم می نامیم. اکنون هنوز هیچ سفارتخانه ای سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی، بعث عراق و سوریه و... را به آنها دیکته نمی کند. اما سیاستهای این دول، از سوی ارتجاع داخلی دیکته میشود، این سیاستها در جهت حفظ و ترسیم و استحکام سرمایه داری وابسته است و از این جهت سیاسی وابسته به امیرالیسم تلقی میشود. جهان به دو اردوگاه متخاصم امیرالیسم و سوسیالیسم (پرولتاریا) کشورهای امیرالیستی،

بقیه در صفحه ۲۵

به مبارزه علیه امیرالیسم بزند و حتی در مقاطعی تا حدودی دارای استقلال سیاسی (البته ناقص و ناپیگیر) نباشد. اما چگونه؟ مبارزات خلق الجزایر تا بیرون راندن امیرالیسم فرانسه در ۱۹۶۲ تحت رهبری خرده - بورژوازی انجام گرفت و الجزایر در سالهای اول انقلاب تا حدودی استقلال نیز داشت اگرچه هم اکنون بورژوازی بوروکرات وابسته به سیستم امیرالیسم جهانی بر الجزایر حکومت میکند) اما چه تفاوتی میان الجزایر آن زمان و رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد؟ مبارزه خلق الجزایر ضد امیرالیستی بود. نه بخاطر دشنام دادن به امیرالیسم و یا قطع روابط دیپلماتیک

امیرالیسم (که رژیم بعث، عیدی امین و بسیاری دیگر از مرتجعین سالها به قطع موری روابط خود با امیرالیسم پرداخته بودند). بلکه بخاطر مبارزه با پاهای امیرالیسم در الجزایر بجز مبارزه مستقیم با ارتش اشغالگر امیرالیسم فرانسه. کشور نوین الجزایر، پاهای امیرالیسم، یعنی فئودالیسم را مورد حمله قرار میداد و بدین ترتیب سیاست این کشور نوین با سیاست امیرالیسم فرانسه در تضاد قرار میگرفت. در ایران پیش از سقوط شاه خاش، خرده بورژوازی مرفه سنتی هرچند ناقص و ناپیگیر، رژیم وابسته شاه خاش را هدف قرار میداد. فرمان اعتصاب عمومی او بر خسی نهادها و ارگانهای ارتجاعی را فله میکرد و هر چند قریباً ارتش برادرم است و... ارتجاع داخلی بطور کامل مورد هجوم قرار نمیگرفت. اما بهر صورت در مجموع مبارزه ناپیگیر محدود و ناقص ضد امیرالیستی از سوی رهبری خرده - بورژوازی مرفه انجام میگرفت. "ما پس از قیام دیگر بهیچوجه سخنی هم از مبارزه علیه امیرالیسم نمیتوانیم بیان آورد. چرا که خرده بورژوازی مرفه سنتی و جناحهای متفاوت بورژوازی متوسط که قدرت را بکف گرفتند، به نگهبانان سیستم سرمایه داری وابسته بدل شدند. دیگر بهیچوجه سخنی از مبارزه با ارتش، سیستم بوروکراسی وابسته (دولت) و سرمایه - داری وابسته نبود. اکنون خاکمان در قدرت فود کمربند حفظ و حراست آن بسته بودند و بدین ترتیب سخن هم از استقلال نمی توانست در میان باشد. رژیم ایران که در زمان شاه خاش بطور کامل تحت سلطه امیرالیسم فاشه آمریکا قرار داشت اینک با ضربه دیدن کارگزارانش (سلطنت

مبارزه در راه استقلال سیاسی و جلوگیری از بازگشت سلطه سیاسی امیرالیسم، نقش موثری در پیشبرد روند مبارزه طبقاتی ایران داشته و با مبارزه جهانی در جهت نابودی امیرالیسم همسو است" و از آنجا که بدون خدا، امیرالیسم بودن نمی توان از امیرالیسم استقلال داشته رزمندگان با آرایش ارتجاع حاکم را میگردانند که گویا خرده بورژوازی حاکم با سیاستهای راه امیرالیسم بوده است. "ولی سیاستهای خاص خرده بورژوازی از قبیل "اشغال سفارت"، "برخورد به گروگانها"، "املاجات ارضی" و... در داخل و سیاست پان اسلامیت و حمایت از جنبشهای اسلامی ضد رژیمهای ارتجاعی غرب و مخالفت با حکومتهای سرسپرده و مزدور امیرالیسم در خارج از ایران، سبب استوار شدن این منافع سرمایه انحصاری و امیرالیسم بود و دقیقاً همین سیاستهای خرده بورژوازی... در جهت ضدیت با منافع امیرالیسم و ارتجاع منطقه عمل کرده است." (نقل قولهای فوق از ضمیمه رزمندگان ۳۵، درباره جنگ ۲۰۰۰ آورده شده است. ضمناً همه تا کیدات از ما است) راه کارگر نیز در همین زمینه می گوید:

"حکومت اسلامی یک حکومت وابسته به امیرالیسم بود و نشانده آن نیست، بلکه حکومتی است مستقل. جنگ عراق با حکومت اسلامی بیش از آنکه با حکومت اسلامی باشد، با خلق ما است. زیرا اگر در نتیجه این جنگ و از طریق این جنگ حکومت اسلامی سرنگون شود، ایران استقلال سیاسی خود را از دست خواهد داد" (راه کارگر ۴۳، برای دفاع از میهن، تا کیدات از ما است.)

گرایش نیرومند و تشدید یافته رویزیونیستی رزمندگان و راه کارگر در کجاست؟ شکار میشود و التقاط و دوروشی شعاعی در عمل آنان در کجاست؟ ما در پیکار رتوریک شماره ۱، در مورد تئوری تروتسکیستی - رویزیونیستی خرده بورژوازی فدخلق - ضد امیرالیسم سخن گفته ایم و اکنون بی آنکه دوباره به این بحث بپردازیم مختصراً میگوئیم که استقلال از دیدگاه کمونیستها دارای چه مفهومی است و رویزیونیستها چگونه استقلالی را تبلیغ میکنند.

مبارزه با امیرالیسم و استقلال از ما - با لیسیم، امری بوج و بی معنایست برخلاف ترهات رویزیونیستی، امیرالیسم در آسمان نیست و با دشنام دادن نیز نمیتوان ضد امیرالیسم بود امیرالیسم همواره از طریق ارتجاع داخلی مستقر میشود و بدون مبارزه با ارتجاع داخلی سخنی هم از استقلال و مبارزه علیه امیرالیسم نمی توانند در میان باشد. مبارزه علیه امیرالیسم جزئی از انقلاب پرولتاریا است و جنبه جهانی سوسیالیسم است و اگرچه استقلال واقعی از امیرالیسم تنها و تنها تحت رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است، اما بدون معنای نیست که خرده بورژوازی نیز نمی تواند دست

بمناسبت سی و هفتمین سال انقلاب آلبانی

# آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم (۲)

ما در شماره گذشته درباره انقلاب آلبانی و دستاوردهای سوسیالیسم در این کشور توضیح دادیم و مطرح نمودیم که چگونه کشوری کوچک، ما تحت هدایت ما رکیسم لنینیسم و حزب پرولتاریا علیه رژیم محاصره همه جانبه امپریالیست و سوسیال امپریالیسم میتواند در راه ساختن سوسیالیسم پیروزمانده به پیش رود. در اینجا می گوئیم تا بخش دیگری از دستاوردهای حزب کارآلبانی را توضیح دهیم.

## مبارزه علیه نیتویسم

هما نظر که میدانیم ما رکیسم لنینیسم در مبارزه بیکری علیه اپورتونیزم و رویویونیزم رشد یافته و انسجام پیدا کرد. بدون مبارزه ضد رویویونیزم، پرولتاریای جهانی هرگز نمیتوانست مبارزه برای کسب قدرت سیاسی را به پیش ببرد و به ساختمان سوسیالیسم بپردازد. نیتویسم هرگز نمی تواند در روسیه بقدرت برسد، اگرچنانچه مبارزه سترک لنین علیه اپورتونیزم انترناسیونال دوم صورت نگرفته بود. مبارزه علیه اپورتونیزم و رویویونیزم وظیفه تخطی ناپذیری بود که انجام آن مشخصه اساسی هر حزب کمونیست بشمار می آمد. حزب کارآلبانی جزو پیشتر و لانی بود که پرچم مبارزه علیه رویویونیزم مدرن را در اهتزاز نگاه داشت.

پس از پیروزی یوگسلاوی در مبارزه علیه اشغالگران فاشیسم تیتو به قدرت رسید. اما نیتویسم به سرعت به خیانت و ارتداد در غلتید و در نزدیکی همکاری با امپریالیستهای غرب به حمله علیه شوروی سوسیالیستی و رفیق استالین دست زد. حزب کارآلبانی در مقابل سوسیالیسم رویویونیزم تخطی خبیانتکار یوگسلاوی به مبارزه قاطعی اقدام نمود، بنحوی که خروشچف مرتد در آوریل ۱۹۵۷ خطاب به رفقا انور خوجه و محمد شیخو گفت: شما در تقابل رویویونیزم تخطی یوگسلاوی "روش غیر عینی" اتخاذ کرده و "به بزرگ کردن نقاط اختلاف با آنها" برآمده اید و خواهان آن شدنا "بناحق به آنها حمله نمود."

## مبارزه علیه خروشچینیسیم

اما حزب کارآلبانی با آنکه به ما رکیسم لنینیسم تنها به مبارزه علیه نیتویسم ادا می داد، بلکه مبارزه ضد رویویونیزم خود را علیه خروشچینیسیم گسترش بخشید. رویویونیزم تخطی خروشچینی با پرچم دروغین و ننگین "تکامل خلاق" ما رکیسم لنینیسم، "مبارزه علیه دوگماتیسیم"، "مبارزه علیه کیش شخصیت استالین" و... به

تعرض علیه دیکتاتور پرولتاریا و ما رکیسم لنینیسم بپردازد. خروشچینیسیم خروشچینی جزو حاکمیت طبقه بورژوازی نوین در شوروی چیز دیگری نبود و به همین لحاظ مبارزه ای گسترده جهت افشای چهره گریه آن امر ضروری و حیاتی بود. حزب کارآلبانی در کنار حزب کمونیست چین پرچمداران این مبارزه انقلابی بودند. در ابتدا رویویونیزم تخطی شوروی میگوئیدند تا به نریش حزب کارآلبانی را به راه خود بکشند. آنان با پرداخت ۴۲۲ میلیون روبل قدیم که شوروی برادرانه تا ۱۹۵۵ به آلبانی داده بود مورد "بخشش" قرار دادند. اما هدف آنان "رام کردن" کمونیستهای آلبانی بود. لیکن کمونیستهای آلبانی که به ما رکیسم لنینیسم وفادار بودند مبارزه خود را ادا می دادند. خروشچف در آوریل ۱۹۵۷ خطاب به هیئت نمایندگان آلبانی در مسکو گفت:

"شما آلبانی ها طبیعتاً تندوختن و سگاریت هستید، ما نمیتوانیم شما به توافق برسیم، بحث را متوقف کنیم." پرواض است برای رویویونیزم تخطی که ما ش با امپریالیسم را در دستور قرار داده بودند، با بیداری برآرمان کمونیسم عملی "خن و سگاریستی" بود، اما کمونیستهای آلبانی از این اتهامات نهرا سیدند و به افشاکاری رویویونیزم همچنان ادا می دادند، زیرا بد رستی معتقد بودند که "دفاع از پانگیزی ما رکیسم لنینیسم مبارزه بر علیه رویویونیزم و تقویت هشاری در زمزه و غاشف اساسی حزب کارآلبانی است."

رویویونیزم تخطی شوروی و یوگسلاوی به تعرض بپردازد، آنها از یک سو سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا را به پیش برده و مطرح کردند که یکسری از سردمداران ورثین جمهور آمریکا "انسانهای معقولی هستند" و "ممیانه خواهند ملح و همکاری با اتحاد شوروی اند" و از سوی دیگر آنها حمله علیه حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی را گسترش بخشیدند. در کنگره حزب کارگری رومانی در بوخارست در ژوئن ۱۹۶۰، هیاتهای نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری شرکت نمودند. خروشچف کوشید تا حزب کمونیست چین را به معنا به نیروی اصلی جبهه کمونیستهای پیگیر از اردوگاه احزاب کمونیستی اخراج نماید. او میدانست که پیشرفت خط ضد انقلابی اش و حاکم کردن مشی کنگره بیستم احزاب دیگر در گرو انفراد و طرفدار کمونیستهای پیگیر و از جمله حزب کمونیست چین است. به این

لحاظ حزب کارآلبانی بطور قاطع به دفاع از حزب کمونیست چین بپرداخته و به افشای توطئه های خروشچینی دست یازید. خروشچینی ها از سال ۱۹۶۰ به بعد فشارهای همه جانبه خود را علیه آلبانی سوسیالیستی گسترش بخشیدند. آنها ارسال کالا، تجهیزات صنعتی و نظامی به آلبانی را متوقف ساخته و از دادن گندم خودداری کردند تا ما رکیسم لنینیسم را خفه سازند. اما کمونیستهای آلبانی می کوشیدند تا هر چه بیشتر رویویونیزم تخطی را افشا کرده و احزاب کمونیستی را به مرز بندی علیه خروشچینیسیم بکشانند. در نوامبر ۱۹۶۰ کنفرانس ۸۱ حزب کمونیستی و کارگری در مسکو تشکیل شد. در این کنفرانس هیات نمایندگان آلبانی به رهبری رفیق انور خوجه به رده تخریب رویویونیزم تخطی خروشچف بپردازد و مطرح نمود که "رویویونیزم تخطی ما معرجه انشعابگران جنبش کمونیستی و اردوگاه سوسیالیستی، جاکران وفادار امپریالیسم و دشمنان سرخست سوسیالیسم و طبقه کارگر چیز دیگری نیستند"

## دستاوردهای نوین

بدین ترتیب در عرصه جنبش بین المللی کمونیستی و خط مشی متضاد یکی خط مشی رویویونیزم تخطی و دیگری خط مشی کمونیستی پیدا رگشت. مبارزه کمونیستها و از جمله حزب کارآلبانی نقش ارزنده ای در روشن شدن ماهیت خط مشی رویویونیزم تخطی ایفا نمود، این مبارزه ما رکیسم لنینیسم را زنده نگاه داشت و داغ ننگی بریشانی رویویونیزم تخطی خروشچینی کوبید. هنگامی که رویویونیزم خروشچینی در شوروی به حاکمیت رسید، بورژوازی و ارتجاع بین المللی با پان سوسیالیسم و پان جنبش کمونیستی را اعلام کردند، اما ما رکیسم لنینیسم و احزاب کمونیستی از جمله حزب کارآلبانی در برابر دشمنانک ترین توفان فدا انقلابی بورژوازی جهانی رویویونیزم ایستادگی کردند. رویویونیزم خروشچینی - برژنفی ضربه مهلکی بر پیگیر جنبش جهانی کمونیستی وارد آورد، به نحوی که یک سلسله از کشورهای سوسیالیستی به اردوگاه سرمایه پیوسته، یک سلسله احزاب و سازمانها به مراد رویویونیزم و اپورتونیزم در غلتید و انحلال طلبان پرچم سفید تسلیم را بلند کردند، اما همچنان نگه لنین پس از انشعاب انترناسیونال دوم، جنبش جهانی پرولتاریا را به پیش راند، پس از خیانته رویویونیزم تخطی خروشچینی، کمونیستهای کسب پرواز جمله حزب کار آلبانی پرچم پرچم کمونیسم را در اهتزاز نگاه داشتند و پرولتاریا و خلقهای جهان را به گسرد خود متحد ساختند.

در تداوم این مبارزه بود که کمونیستهای آلبانی به همراه حزب کمونیست چین علیه سوسیالیسم امپریالیسم شوروی مبارزه درخشانی را به پیش بردند. اگرچه این مبارزه از عمق همه جانبه ای برخوردار نبود، اما جهره مبارکی

## بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

نمی‌شوند، چرا که حقیقت را تبلیغ میکنند و حقیقت همیشه یکی است. اما رویزیونیست‌ها حقیقت را تبلیغ نمی‌کنند و چنین است که هر روز بیک رنگ و لباس درمی‌آیند. رویزیونیست‌ها به سوسا لیسیم، به انقلاب و به منافع توده‌ها خیانت میکنند و منافع بورژوازی و ضدیت با انقلاب را مدنظر دارند. آن نیروهای که در تبلیغات، دست به دروغ‌گویی، عوام‌فریبی، مصلحت‌جویی و... می‌زنند و با عدم بیان حقایق به منافع توده‌ها پشت میکنند، آنها بخاطر موفقیت‌های تاکتیکی، استراتژی را کدمال میکنند. رویزیونیست‌ها همواره به بهانه‌ها شرایط مشخص انعطاف تاکتیکی و... از بیان حقایق اجتناب می‌ورزند.

**آنا ریشیست‌ها** خود را سینه‌چاک این اهل قلمداد میکنند و در نظر گرفتن روحیات و نیازهای توده‌ها و جدا کردن خویش از توده‌ها را بخاطر با بیند بودن به اصول و منافع دراز مدت توده‌ها توجیه میکنند، آنها نیز نمی‌توانند حقیقت را تبلیغ کنند، آنها آنچنان خشک مغزند که در نمی‌یابند بیان حقایق، خود منطبق بر قاننومندی خاص است و میان اهل اخیر (بیان حقایق) و سه‌امل پیشین (توجه به روحیات و نیازهای توده‌ها و درآمیختن با توده‌ها) را باطن‌های دیا لکتیکی وجود دارند، درست است که این اصل برترین پرنسیپ است، اما با توجه به سه اصل دیگر، کیفیات و چگونگی خاصی می‌یابد. **بیاید حقیقت را گفت، اما چگونه، کجا و چه موقع و به چه کسانی.** آنا ریشیست‌ها انعطافی را در بیان حقایق نمی‌پذیرند و رویزیونیست‌ها اما با بیان حقایق دشمنند.

آنا ریشیست‌ها که خود را عاشق بیان حقایق جا می‌زنند، نمی‌دانند و نمی‌توانند، بدرستی آنرا بیان کنند. آنها در بیان حقایق یک چیز را از قلم می‌اندازند و آن شرایط مشخص است و بدین ترتیب بیان حقایق از سر، ناریشیست‌ها با بصورت مضحکه درمی‌آید و با بصورت تراژدی، بدین ترتیب آنچه آنها می‌گویند، دیگر حقیقت نیست! چرا که حقیقت در ارتباط با شرایط مشخص معنا پیدا میکند، حقیقت خشک و جامدن نیست، آنها می‌کشند در تبلیغ حقیقت، فرمولهای خشکی ابداع کنند که از واقعیت‌ها جدا افتاده‌اند. مثلا حقیقت سرنگونی ارتجاع در مناسب‌ترین شرایط نیز به لحاظ انقلاب الحیل از سوی رویزیونیست‌ها - تبلیغ نمی‌گردد و در عوض آنا ریشیست‌ها در هر شرایطی بدون توجه با انطباق این شعارها - شرایط مشخص، آنرا تکرار میکنند و با تبلیغ این شعار در شرایط نامناسب آنرا به ضد خود بدل میکنند. در حقیقت هر دو به تبلیغ حقیقت دست نمی‌زنند، یکی آنرا می‌پوشاند و دیگری آنرا منطبق با شرایط مشخص در نظر نمی‌گیرد و هر دو به منافع تاریخی توده‌ها پشت میکنند.



لیستی ارائه دهند و خط فاصل روشنی میان مشی کمونیستی و مارکسیست لنینیست‌ها و مشی رویزیونیستی و رویزیونیست‌ها درجین نکنند. برخورد: نحرافی رفقای آلبانی به رویدادهای چین نه تنها کمونیست‌های جهان را به یکدیگر نزدیک ننمود، بلکه موجب پراکندگی بیشتر آنان نیز شد.

رفقای آلبانی اگر چه بدرستی با مقوله - های رویزیونیستی مانند "دنیای سوم"، "کشور - های غیر متعهد" و "در حال رشد" مرزبندی نمودند، اما خود در برخورد به برخی از کشورهای تحت سلطه به نحراف استروا نه گرفتار شدند. حمایت کمونی آلبانی از رژیم ارتجاعی ایران و "مدا میریالیست" دانستن جمهوری اسلامی و هیات حاکمه ایران بیان مشخص این انحراف استروا نه و غیر پرولتری میباشد. روشن است که ما مخالف مناسبات دیپلماتیک بین یک کشور سوسیالیستی با دیگر کشورهای جهان نیستیم و از این زاویه نیست که آلبانی را مورد انتقاد قرار میدهیم. انتقاد دیه حزب کار آلبانی در آنجا - است که ما هیئت طبقاتی رژیم ایران را تحریف نموده، آنرا "مدا میریالیستی" و نامودسا خسته و بدین ترتیب پشتیبانی از مبارزه انقلابی خلقهای ایران علیه رژیم حاکم را مورد تفتی قرار داده است.

انتقاد دیگری رفقای آلبانی به مناسباتی بر میگردد که حزب کار را برخی از جریانیهای اپورتونیستی برقرار نموده است ما در این حال که از حمایت حزب کار از یکسری احزاب و سازمانهای کمونیستی در عرصه بین المللی پشتیبانی مینمائیم، اما حمایت حزب کار از برخی گروهها و جریانات را با اپورتونیستی را عمیقاً انحرافی ارزیابی مینمائیم. انترنا سیونا - لیسیم پرولتری یعنی پشتیبانی همه جانبه تبلیغاتی، سیاسی و مادی از احزاب کمونیستی جهان، اما زمانی که این پشتیبانی بقای اپورتونیسم را تضمین نماید، جزیره به آلمان پرولتاریا چیز دیگری نمی‌باشد.

مبارزه علیه این انحرافات و وظیفه تمام کمونیست‌های جهان و از جمله کمونیست‌های آلبانی میباشد، زیرا اگر با این انحرافات و ریشه‌های ایدئولوژیک آن مبارزه رقیقانه‌ای صورت نگیرد، انحراف تعمیق یافته و درمان بیماری را مشکل خواهد ساخت. اما در برابر کمونیست‌های جهان فقط مبارزه علیه انحرافات حزب کار قرار ندارد، مهمترین آن وظیفه انترنا سیونا - لیستی همه مارکسیست - لنینیست‌های جهان است که به حمایت از آلبانی سوسیالیستی و حزب کار پیگیرانه ادامه دهند. امروز آلبانی پایگاه انقلاب سوسیالیسم است، آلبانی میهن پرولتاریای جهان است و دستاورد های درخشان آن، دستاورد های جنبش بین المللی کمونیستی است، به این لحاظ پشتیبانی از آلبانی - سوسیالیستی وظیفه تخطی ناپذیر کمونیست‌های سراسر جهان است.

از دشمنان انقلاب و آزادی را به خلقهای جهان نشان داد. بر اساس چنین مبارزه‌ای بود که تز مارکسیستی سوسیالیسم را لیسیم شوروی تدوین گشته و مارکسیسم لنینیسم از عمق بیشتری برخوردار گردید. مرز بندی علیه رویزیونیسم خروشچفسکی سوسیالیسم شوروی به مثابه معیارهای اساسی جنبش کمونیستی بین المللی از جمله دستاورد های بود که حزب کار آلبانی سهم بسزایی در آن داشت

## مبارزه علیه رویزیونیسم سه جهانی

مبارزه پرولتاریا در راه استقرار سوسیالیسم کمونیسم امر ساده‌ای نیست. پیشرفت این مبارزه سترک مستلزم همپیکاری سخت و عزمی بولادین است. بر اساس قانون مبارزه طبقاتی شکست و پیروزی جزوقا موس این مبارزه تاریخی است. اگر چه به حکم ما تریالیسم تاریخی استقرار را محتمل کمونیستی امری حتمی بشمارمی‌آید، لیکن در راه پیروزی نهائی دشوارها و مشقات بسیار و بسیار است. بورژوازی با دیدرگوشود و خواهد شد، اما او با شما مقابله‌ها را نکند خود ادامه خواهد داد. دویطور همه جا نیه می‌گوشد تا از بیرون و درون جنبش کمونیستی به آلمان پرولتاریا ضربه بزند. در دوران اخیر پس از ضربه‌ها نشانده خروشچفسیم، رویزیونیسم سه جهانی ضربه دیگری بود که بر پیکر جنبش وارد آمد و رویزیونیست‌های خاش چینی به سردمداری تنگ سیا شوپینگ و هوا کوفنگ در حزب و دولت چین قدرت را تصرف کرده و در عرصه بین المللی بر اساس تزارتجاعی "سه جهان" سیاستی سراپا مرتجعانه را در پیش گرفتند. می‌بایست به مقابله فعال پرداخت. حزب کار آلبانی جزو پیشقراولانی بود که علیه رویزیونیسم سه جهانی و تز رویزیونیستی "سه - جهان" فعالانه مبارزه پرداخت. اگر مبارزه علیه این تز فدا نقلی جزو دستاورد های حزب کار آلبانی میباشد، اما حزب کار به سبب انحرافات خود، نتوانست مبارزه علیه رویزیونیسم جهانی را به پرچم وحدت کمونیست‌های جهان تبدیل نماید.

## انحرافات حزب کار آلبانی

رفقای آلبانی اگر چه به مرز بندی طبقاتی علیه رویزیونیسم خاش نه چینی و تز "سه جهان" دست زدند، اما متاسفانه نتوانستند تحلیلی درستی از رویدادهای طبقاتی در چین ارائه دهند. انحراف استروا نه حزب کار آلبانی منجر به آن شد تا حاکمیت سوسیالیسم دستاورد های سوسیالیستی چین را در زمان رفیق ما تونفسی کرده و مرز میان خاشین به سوسیالیسم مانند هوا - تنگ و کمونیست‌های ما تونفسی ما تورا مخدوش نماید. رفقای آلبانی به دلیل انحراف خود نتوانستند از رفیق ما تورا و حزب کمونیست و دستاورد های و انحرافات آنان تحلیلی ما تریا

### کارگران تولید اروازپرداخت پول برای جنگ ارتجاعی کنونی خودداری کردند!

چندی پیش در کارخانه تولید اروا اطلاعاتی به تابلو اعلانات زده مشود که در آن از کارگران میخاوند، هرکس حاضر است، تا آخر سال ۵۹ هر ماه یک روز از حقوق خود را به "جنگ زدگان" بدهد اسم خود را بنویسد. این کار مورد مخالفت اکثر کارگران قرار میگیرد و حاضر به انجام این کار نمیشوند. کارگران همگی می گفتند که "هزینه و خرج این جنگ را ما باید بدهیم"، "خنکی که به نفع سرمایه داران است"، "در ضمن قنلاب یک روز از حقوق را کم کرده اند، بدون اینکه ما بدانیم". آن را به چه مصرفی رسانده اند.

### قطع ناهار در کارخانه ها، تحمیل فشار جنگ بردوش کارگران

چندی پیش در کارخانه نادانسیور (جاده کرج) که تنها روضخانه ۱۰ الی ۲۰ ریال فروخته میشد قرار شده که قطع شود و جای نهار سب زمینی داده شود. این امر نیز در کارخانجات دیگر از جمله کارخانه تولید پلاستی از چند هفته پیش به اجراء آمده است. رژیم فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ را بیش از همه به کارگران و زحمت کشان وارد میکند و آن ها میخاوند که تولید را افزایش دهند و در همان زمان از حقوق و خوراک و پوشاکشان میزنند. مخارج جنگ ارتجاعی کنونی را تا مین کنند. کارگران باید علیه جنگ ارتجاعی کنونی و فشارهای ناشی از آن که سرآتان تحمیل میشود مبارزه کنند.

### اضافه کاری کارگران تراکتور سازی تبریز

چندی پیش وزارت کار طی بخشنامه ای اضافه کاری را برای کارگران فدنغ کرده است. ولی هیات مدیره کارخانه تراکتور سازی تبریز کارگران را (بدون اضافه دستمزد) به کار بیشتر وادار میکند. بطوریکه روزهای پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیل کارگران باید کار کنند. و هر کارگری نسبت به این موضوع اعتراض نماید تهدید به اخراج میشود. این موضوع کارگران را شدت نگران کرده است.

### اخراج ۳۰ کارگر در کارخانه سپاهان اصفهان

چندی پیش ۳۰ نفر از کارگران کارخانه سپاهان اصفهان، اخراج میشوند. این عمل بوسیله کمیته باکسازی و مدیر عامل صورت میگیرد. این کارگران را بحکم کمکاری اخراج میکنند. وقتی کارگران (۳۰ نفر اخراجی) از این امر باخبر میشوند، به دور یکدیگر جمع شده و سیاست کمیته باکسازی و دیگر عناصر را بستند. برای کارگران افساء میکنند. مدیر عامل کارخانه از اینکار وحشتزده میشود و ۲ نفر از کمیته باکسازی نیز که در آن حوالی بودند بایه فرار میگذارند. روز بعد همان ۳۰ نفر به دفتر مدیر عامل هجوم برده و خواهان بازگشت بکار میشوند. با لاجرم قرار میشود که در سالن آمفی تئاتر کارخانه جلسه ای با شرکت مدیر عامل برگزار شود تا به کار آنها رسیدگی شود. مدیر عامل سعی

داشت از شرکت با سرکار کارگران در این جلسه خودداری کنند، ولی حدود ۴۰۰ نفر از کارگران در آمفی تئاتر جمع شده و به سخنان افسانگرا نه کارگران اخراجی کوش دادند. (فرا راست که ۱۸۴ نفر دیگر را در فرصت بعدی اخراج کنید) مدیر عامل در این جلسه از طرف کارکنان و کارگران به زیر سوال کشیده میشود و جوع و اوضاع را وخیم می بیند با پیش کشیدن اینکه با بدتر جلسه "ایمنی کارخانه" شرکت کند تا لن را ترک میگوید، که این عمل مورد اعتراض قرار میگیرد. ظهر همین روز کارگران اطلاع پیدا میکنند که دو نفر از کمیته باکسازی، نما بیده اند و از دیگران را با بدتر از آن زمین شهر مشغول نوشتن حکم اخراج بودند. کارگران اخراجی برای بازگشت سرکار به مناره خود ادامه میدهند.



در مقابل توطئه اخراج کارگران متحداً مبارزه کنیم!

### تبعید و اخراج در کمربند شهریاری و مبارزه کارگران

حدود دو ماه قبل از زمانیکه کارگران کمربند شهریاری متوجه شدند که علی رغم تبلیغی که هر ماه از حقوقشان برای اتحاد شرکت تعاونی کسیر میشود، هنوز خبری از آن نیست و ساقای کارگران برای نهار نمانده گرفته میشود و راه مدیر عامل شرکت (علیخانی) فمداد در سوسپای آنها راه شرکت واحد میدهد. دست بکم کاری زدند. اما مدیر عامل و انجمن اسلامی، بجای رسیدگی به خواست های سرحق کارگران، تسعد جفا رفتار را بر آنها به جریه کشن و اخراج ۴ نفر از افراد مبارز بود که روز ۵۹/۷/۳۰ حکم آن را به درود میخواستند. شرکت جفا ندهند. این عمل با اعتراض و خشم کارگران مواجه گردید. آنها به تشکیل مجمع عمومی میسر دادند ولی علیخانی که از اتحاد و همبستگی کارگران به وحشت افتاده بود، در این جلسه شرکت نمیکنند. کارگران رئیس و اعضای

انجمن اسلامی را مورد بازخواست قرار میدهند و میگویند: "اگر ما با یکوشند شما را چه کسی انتخاب کرده است؟" حال است بدانیم که "اللهیاری" رئیس انجمن اسلامی در گذشته هنگامی که کارگران بر علیه رژیم جفا بیگانه مبارزه میکردند، میگفت: "شما نمیتوانید با رژیم پهلوی در سفتند!" و حالا "انقلابی دو آتش" شده است. اللهیاری زمانیکه متوجه خشم و نفرت کارگران میشود سعی میکند تا با شوه همبستگی این نوکران سرمایه داران، بدتر قه افکنی در سن کارگران ببرد. اما با هوشیاری کارگران تشریح به سنگ میخورد. مدیر عامل و انجمن اسلامی که گویا قرار بود ۵۴ نفر را اخراج کنند، در مقابل اتحاد کارگران تسلیم میشوند. کارگران به مناره خود برای بازگرداندن کارگران اخراجی ادامه میدهند.

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

## رویزونیستهای فدائی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی برمیخیزند! (۲)

### مروری بر مبارزات کارگران چیت ری و موضعگیری فدائیان (اکثریت)

است که همیشه متکی بر گروهی از سرمایه داران و استثمارگران هستند. آنها از آنجا شبکه نه‌بسته توده‌ها ایمن دارند و نه مدافع منافع توده‌ها هستند، در میان سرمایه داران بدبختی سرمایه داران "خوب" هستند تا نوکری آنان را بکنند. در صورتیکه کمونیستها همواره آنجسه برایشان اهمیت دارد منافع طبقه کارگر و سرمایه توده‌هاست. کمونیستها، دفاع از منافع طبقه کارگر و خلق را وظیفه خود میدانند، نه ما ننسند رویزونیستها، دفاع از منافع گروهی از استثمارگران! بنا بر این در کارخانه چیت ری ما مبنای حرکت خود را نه دفاع از "شورا" قلابی و نه حمایت منافع کارگران قرار دادیم که در شرایط فوق، لازم است خارج کردن کارگران از سرگروهانی بین دنیوی ارتجاعی و هدایت آنها به مسیر درست مبارزاتشان، با ایجا دشواری واقعی بود. ما رویزونیستهای "اکثریت" به دفاع از استثمارگران "بنیاد"، در مقابل استثمارگران و میگویند که بین استثمارگران "بنیاد" و "گورسها" فرقی نمیگذارد و خود تحت پوشش حمله به منافع "گورسها" و اینکه این سرمایه داران وابسته و حامیان رژیم شاه بوده‌اند، در واقع حمایت خود را از استثمارگران "بنیاد" توجیه میکنند. در صورتیکه اولاً، تا زمانیکه اکثر کارگران نسبت به شورای قلابی توهما شدند،

در شرایط گذشته بررسی روند مبارزات کارگران چیت ری در بعد از قیام، برداشتم و دیدیم که چگونه دنیوی ارتجاعی، یکی "شورا" در میان آن شخصی بنا مساواتی متکی بر توهم کارگران، و دیگری "بنیاد مستضعفین" متکی بر قدرت دولتی، برای کسب قدرت در کارخانه، به رقابت با یکدیگر پرداختند و در این میان چیزی که اصلاً برایشان مطرح نبود، خواسته‌ها و منافع کارگران بود. به همین دلیل کارخانه‌نژاد که شده کارگران بین این دنیوی ارتجاعی سرگردان مانده و نمی‌دانستند چگونه باید برای مطالباتشان مبارزه کنند. بنا بر این تا کنیک صحیح کمونیستها و نیروهای انقلابی در این شرایط اهمیت بسیاری داشت و اما تا کنیک صحیح چه بود؟

یگانه شعار صحیح و اصولی تحت شرایط مذکور، شعار: "نه شورای قلابی، نه بنیاد دولتی، یک شورای واقعی" بود که از جانب رفقای ما طرح و تبلیغ میگردید. این شعار علاوه بر آنکه به افشای هر دو نیروی ضدکارگری کارخانه می پرداخت، راه اصولی ادامه مبارزه کارگران و در واقع شق سوم مطرح میکرد، که همانا ایجاد تشکیلات مستقل و واقعی کارگران (شورای واقعی) بود. ما برخلاف رویزونیستهای "اکثریت"، استثمارگران را به بدو "خوب" تقسیم نمی‌کنیم، تا آنکه از استثمارگر "خوب" در مقابل استثمارگر بد، دفاع کنیم! این شیوه رویزونیستها و تمامی خائنین به طبقه کارگر

خدماتی را بعد از قیام برای رژیم جمهوری اسلامی انجام داده اند... سرانجام بدون آنکه شخص دیگری بتواند صحبت کند، مفیدی جلسه را تمام کرده و کارگران را به سرکار بازگرداند. بعداً معلوم شد که به نفرای خراجی هم به سرکار بازگشتند.

روی کار آمدن هیئت مدیره جدید که وابسته به کارفرما و اردوستان حزب جمهوری اسلامی هستند و بمنظور سرکوب هر چه بیشتر کارگران آمده‌اند، چند درس مهم برای کارگران کارخانه متبادر: نخست آنکه کارگران همواره باید به نیروی خود متکی باشند و تشکیلات واقعی خود را ایجاد نمایند دوم اینکه بنا به فریب لیبرالهایی چون هیئت مدیره قبلی را بخورند. آنها نیز ما هیتا ضد کارگرواحی سرمایه داران هستند، و با لایحه باید کارگران را بکشند تا آگاهی و اتحاد خود را هر چه بیشتر و مستحکمتر سازند تا بتوانند حمله‌ها و حملات سرمایه داران و مزدورانشان را خنثی کنند

کلی مدعاه وارد میشود! و بعد از خواندن چند آیه و مدتی کلی بافی دربار جنگ و... گفتند که میخواهد به سواالات احتمالی کارگران پاسخ گوید و سپس با اشاره به تالیفات کتب گویا در کارخانه بحث شده اند مبنی بر اینکه آنها میخواهند خسروهای را سرگردانند، یکی گویی راجع به مالکیت در اسلام پرداخت و با لایحه معلوم شد که این "تالیفات" درست هستند یا نه! در مورد "شورا" هم نظردا که گویا فقط مباحثات مثنوی با توده‌ها بلکه در کارخانه دخالت کند. او اشاره کرده است که شورای کارمندان "خوراک" چون در کارخانه دخالت محدود و غیر قانونی (!) بود متخل، گردیده است، "مفیدی" بر ضرورت تشکیل انجمن اسلامی تاکید نموده و وعده با لایحه سطح "آگاهی مکتبی کارگران" را میداد. آنگاه شروع به شهیدکار کردن نمود و گفت که هرگونه توطئه‌ای (در واقع هر مبارزه‌ای را بشدت سرکوب خواهد کرد. سپس به معرفی سابقه خود و همکارانش پرداخت که چندسال در خارج بوده اند و چگونه

بقیه از صفحه ۲ گزارشی...

آنجا شبکه اخراج این سه مزدور کارفرما همرا با افشای آنها و ارائه مدرک و سند نبود، بخشی از کارگران تحت تاثیر مزدوران کارفرما قرار گرفته و خواهان بازگشت این سه تن بودند هیئت مدیره با اخراج چند تن از ساواکی‌های شناخته شده توانست موقتا قضیه را فسلده دهد. اما عمل هیئت مدیره (قبلاً این هیئت مدیره ما هیئت ضدکارگری خود را با رهبران داده بود) که فقط بیان تک‌رقابت دو دسته ضدکارگری بود، موجب بیرون روهم در میان کارگران مبارز و مترقی گردید که در نتیجه مدتی از هیئت مدیره حمایت کردند و این امر خود موجب به تعویق افتادن انتخابات شورا و کم شدن نفوذ کارگران مبارز در میان سایر کارگران گردید.

از طرف دیگر افراد اخراجی با متوسل شدن به حزب جمهوری اسلامی، تدارک حمله به هیئت مدیره را میدیدند. با آغاز زدن تالیفات "بنیاد" ایران و عراق، ذهن کارگران از مبارزات صنفی - سیاسی شان دورگشته و توهمنان نسبت به رژیم افزایش یافت. هیئت مدیره اگر چه با جمع آوری کمک و روبروی جبهه سعی کرد از این فرصت پیش آمده حداکثر استفاده را در جهت تبعیت خود بکند، ولی دیری نپایید که خود طعمه جنگ شد! هفته اول آبان شخص شد که از طرف وزارت صنایع ملی ظاهر بدون هیچ دلیلی، هیئت مدیره جدیدی برای کارخانه تعیین میشود. بعداً معلوم میشود که عناصر اخراجی بکمک حزب و اجتماعا شجونی نماینده کرج در مجلس و آیت الله موسوی اردبیلی که با خسروهای روابط خوبی دارد، موفق به انجام اینکار میشوند. البته انتخاب "نعمت زاده" (ما حب کارخانه با تیموس) بعنوان وزیر صنایع و معادن، که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است، در پیشبرد این امر و کلا قدرتیابی عناصر وابسته به حزب در کارخانه توجیهات، موثر بوده است.

کارگران هر چند از هیئت مدیره قبلی دل خوشی نداشتند ولی از اینکه میدیدند آشکارا دست آورد مبارزاتی آنها یعنی حق انتخاب به نفرای هیئت مدیره را از آنها میگیرند، خشمگین بودند. هیئت مدیره قبلی با ردیگر ما هیئت لیبرالی خود را نشان داد و بدون هیچ گونه اعتراضی بزودی وترس خود را نشان داد و رفت.

هیئت مدیره جدید برای تثبیت موقعیت خود روزیکشنبه ۱۱ آبان یک مجمع عمومی تشکیل داد. البته قبلاً مجمعی از کلیه سرپرستان تشکیل داده و آنها را دلگرم کرده و بحمايتشان را جلب نموده بود.

در مجمع عمومی "تراب مفیدی" بعنوان رئیس و سخنگوی هیئت مدیره جدید تریبون رفته و از همان ابتدا ما هیئت ضدکارگری خود را با انتقاد از مدیران کارگران، نشان داد. او گفت: این تاخیرها اگر موقع نماز جماعت که میخواهیم برگزای کنیم تکرار شوند، به تولید

رفقای ما "شورا" را خطر عمده تشخیص داده و آنرا بیشتر افضا میکردند، تا نیا هما نظور که گفتیم. مسئله مهم اینست که اتکاء ما به توده ها با شدو از منافع آنها دفاع کنیم نه اینکه ما ننند "فدائیان اکثریت" متکی بر سرما به داران و مدافع منافع آنها باشیم، برای طبقه کارگر و فداوت نمیکند که بوسیله "گورسها" استثمار میشود یا بوسیله "بنیاد" مهمانست که بعد از به اصطلاح "ملی" شدن کارخانه و آمدن "بنیاد"، با زهم ما ننند سابق کارگران استثمار میشوند و حتی اگر شدت استثمارشان بیشتر نشده باشد، کمتر هم نشده است اینکه رژیم جمهوری اسلامی برای فریب توده ها و مواجهه جلوه دادن خود، تصاحب موسسات و کارخانجات را "ملی" کردن جا میزند، در اصل مسئله هیچگونه تغییری نداشته است. با دیدیم که لکیت کارخانه در دست چه طبقه ای است اینک شکل این مالکیت چگونه باشد اهمیت ندارد. بنابرین "ملی" کردن کارخانه (یعنی دولت کردن آن) توسط دولت سرما به داری، ما هیت استثمار کارگران را نمی-پوشاند و به همین دلیل "مما دره و ملی کردن" کارخانه توسط "بنیاد" به هیچوجه جنبه انقلابی نداشته و ندارد.

ما رویزونیستهای "اکثریت" ادعا میکنند: "این اقدام" (مما دره و ملی کردن) از آنجا که منطبق بر منافع و تمایلات توده کارگران کارخانه بود (!؟) با استقبال آنان مواجه شد. (کا رسراری شماره ۸، صفحه ۶). و با زمی - نویسد: "مما دره و ملی کردن کارخانه و اعلام انحلال شورا توسط "بنیاد مستضعفین" بود که مبارزات پیگیرانه کارگران چیت در حفظ و تثبیت این دستاورد انقلابی (خلع ید از سرمایه دار در کارخانه) از مهمترین تجارب مبارزاتی در جنبش کارگری ایران محسوب میشود. (همانجا) رویزونیستهای "اکثریت" که واقعبینت بر خلاف منافشان (که همان منافع سرما به داران و رژیم است)، حکم میرانند، تصمیم به انکار واقعبینت و تحریف آن میگیرند:

اولا - گفتیم که عمل "مما دره و ملی کردن" کارخانه فقط در جهت عوامفریبی و کسب مالکیت کارخانه توسط "بنیاد" بوده و هیچگونه تغییری در استثمار کارگران نداشته و آنها کما کسان و حسیانها استثمار میشوند. بنابرین روشن است که این عمل نه "منطبق بر منافع" کارگران بوده و نه منطبق بر "تمایلات" آنها. ثانیا - بعد از دستگیری "سماواتی" و انتصاب ساواکی به او، "بنیاد" برای یکدوره به سرکوب طرفداران "شورا" پرداخت، تا جایی که آنها را مایوس و ساکت کرد. بعد از این زمان "بنیاد" با اتکا بر روشهایی که هدفش نفوذ در میان کارگران بود، توانست بتدریج پایسه کسب کند. البته در این شرایط، کارگران که طی یکدوره مبارزه تجربیات بسیاری کسب کرده بودند، بسیار محتاطانه با "بنیاد" برخورد میکردند. بخشی از کارگران که تحت تاثیر

ها بهوی مهندس ترجمان (رئیس بنیاد) قرار گرفته بودند، مدتی دجا را این توهمنده ننگند که ننگند این آقای ترجمان که آنقدر با کورسها مخالف است، طرفدار کارگر باشد. اما خیلی زود دریا فتند که این یکی هم در استثمار کارگران دست کمی از آن یکی ندارد و بقول معروف، "سگ زرد برادر شغال است!" کارگران در مبارزات بعدیشان بخوبی این واقعبینت را نشان دادند (و ما به آنها اشاره خواهیم کرد). اما رویزونیستهای "اکثریت" مدعی "استقبال" کارگران از امر "مما دره و ملی کردن" میشوند، آنها به اینهم اکتفا نکرده و کلا مبارزات کارگران را در جهت "حفظ و تثبیت این دستاورد انقلابی" (!) وانمود کرده و "ملی" کردن کارخانه توسط "بنیاد" را "خلع ید از سرما به دار" مینامند! اینگونه تحریفها فقط از عهده رویزونیستهای برمی آید. آنها برای دفاع از منافع سرما به داران (و در اینجا دفاع از "بنیاد" و رژیم) و مواجهه جلوه دادن خیانت خود به کارگران، به آنچنان شیوه های شبا دانه و دغلکاری را متوسل میشوند که روز را شب و شب را روز جلوه میدهند. اگر آقایان "اکثریتی" در کارخانه با کارگران صحبت میکردند، به خوبی میفهمیدند که کارگران تا چه حد از "بنیاد" و رئیس در کارخانه مهندس ترجمان، متنفرند. لابد بخاطر آنکه وقت تلف نشود و تولیدکاهش پیدا نکند، آقایان رویزونیست، فرصت پیدا نکرده اند با کارگران صحبت کنند؟! و لسی لاقل میتوانستند در سرویسهای کارخانه هنگام گفتگو با کارگران واقعبینت را دریا بند. اما مسئله این نیست که "اکثریتی" ها خواسته ها و گفته های کارگران را نمی دانند، بلکه مسئله اینست که منافع طبقاتی این "آقایان" ایجاب میکند که از منافع سرما به داران (بنیاد) و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، دفاع نما یند. رویزونیستهای "اکثریت" که "بنیاد" را مترقی و مما دره کارخانه توسط آنرا "اقدام انقلابی" جلوه میدهند، با بد برای کارگران روشن کنند که "بنیاد" چه نوع مناسباتی را در کارخانه پاسداری میکند؟ و چه نوع مالکیتی بر کارخانه اعمال میشود؟ آیا بجای مالکیت سرما به داران و مناسبات سرما به داری در کارخانه وجود دارد؟ از این گذشته آیا "بنیاد" حتی قدمی همد جهت کاهش استثمار کارگران برداشته است؟! که تا زه برداشتن چنین گامهایی هم جز انجام پاره ای اطلاعات نخواهد بود تا چه رسد به "اقدام انقلابی"! روشن است که غیر! ضد

کارگری بودن "بنیاد" و پاسداری آن از مناسبات سرما به داری چنان واضح است که حتی کارگران نا آگاه که ما هیت امرکاملا برایشان روشن نیست، از روی اقدامات ضد کارگری فراوانی که در این مدت توسط "بنیاد" انجام گرفته، بهی به ما هیت ضد کارگری و سرما به داران نهان برده اند. برای نمونه به چند مورد از این اقدامات که موجب خشم و نفرت توده کارگران گردیده اشاره میکنیم:

۱- برای انداختن دعا و واچا رو چنگال قبل از عید، بمنظور لفرسود و بویزه  
۲- انتشار اعلامیه ها و بیخشانیه های ضد کارگری که در آنجا کارگران را جهت استثمار بیشتر، تحت فشار قرار داده اند (از جمله مقرارات انضباطی شدید در مورد غیبت، خسار شدن از سالی برای نها روشا مویا گرفتن اجازه برای رفتن به شرکت تعاونی یا مرخصی که میبایست موجبات رضایت سرکارگر، سرپرست و رئیس سالی را فراهم نمود...)

۳- برگرداندن افراد خاشنی چون "خرابی" و خان محمدی که قبلا با مبارزه کارگران اخراج شده بودند  
۴- جلوگیری از تعطیل کارخانه حتی در اوقات تعطیلات رسمی، بعنوان نمونه: یکی از افتخارات مهندس ترجمان اینست که در روز ۱۷ شهریور که ۹۹٪ کارخانجات تعطیل بود، کارخانه چیت ری همچنان کار میکرد. با در روزهای ماه رمضان که ساعت کار همه کارخانجات نیم ساعت کم شده بود و حتی بعضی جاها دپوروز در هفته تعطیل میکردند، کارخانه به روال سابق کار میکرد. همچنین در ایام جنگ که ساعات کار شبا نه کارخانه ها کم شده بود، کارگران این کارخانه مطابق معمول کار میکردند. و زمانیکه کارگران دست به اعتصاب زده و ساعت ۶ بعد از ظهر کارخانه را تعطیل کرده و به خانه هایشان رفته بودند، ترجمان به اخراج عده ای از آنها پرداخت که بعلت مقاومت کارگران مجبور به برگرداندن آنها به سرکار گردید.

آری، اقدامات ضد کارگری "بنیاد" که ناشی از ما هیت ضد کارگری آنست، بقدری زیاد است که حتی توده کارگران راه به مخالفت با آن سوق داده است و این علی رغم تمامی تبلیغات و عوامفریبی های است که "بنیاد" بکمک رژیم پهلوی انداخته و در این امر (یعنی تطهیر بنیاد) رویزونیستهای "اکثریت" نیز سنگ تمام گذاشته اند.

رویزونیستها که حرفه شان خیانت به خلق و چا کری بورژوازی است، برای پیشبرد مقاصدشان به چنان شیوه های تحریف آمیز و وقیحانه ای متوسل میشوند که بقول آموزگار کبیر طبقه کارگر، رفیق لنین:

"در دفاع از منافع سرما به داران از خود بورژوازی هم بهتر عمل میکنند" و با پدا خافه کرد که بعلت پیوند تنگاتی که بین رویزونیستها و بورژوازی وجود دارد، سر نوشت واحدی هم در انتظار هر دو است و آنهم افکنده شدن آنها توسط زحمتکشان به زباله دانی تاریخ! ■



## آوارگان جنگ: از دیروز تا امروز چه فرقی کرده‌اند؟

جنگی ارتجاعی در گرفت و سرمایه‌داران عراقی و ایرانی جهنمی برافروختند و توده‌های زحمتکش را با صد حیل و ترفند و وعده بهشت، همچون هیزم به درون آن کوره جنایتکارانه ریختند و جسه خسارت‌های هنگفت که بی‌آرامی ده‌ها هزار تن از توده‌ها بقیمت آوارگی جان خود را خریدند و راهی شهرها و بیابانهای دیگر شدند.

سران رژیم جمهوری اسلامی که گوش فلک را مزورانه با فریادهای حمایت از مستضعفین کمر کرده بودند، زحمتکشان آواره و مصیبت‌زده را، "فدا انقلاب" خواندند و فتوا دادند که کسی بسا آنها معا مله نکند، به آنها مسکن ندهد، به آنها تن توهمین کردند و سرگرفت زندان را بیت‌الله دستگیر شایر ازبکیرتا اما مجمع تهران و با لایحه آیت - الله خمینی موضعشان همین بود.

اما کمونیستهای راستین بیگانه نبودند. آنها ما هیت ارتجاعی جنگ را افشا کردند، برده - های توهم را دریدند و از موضع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، جنگ افروزان و هدفهای ضد - خلقی آنها را افشا کردند و "مح جنابتکاران را در حین ارتکاب جرم گرفتند. سازمان مدارس این موضع فعالترین نیرو بود. رفقای مادرخوستان در حمایت از جنگ زدگان، و رفقای مادر شیراز و لرستان فعالانه به حمایت از آوارگان بیخاستند رژیم‌عده‌ای از رفقای ما را در خوستان تیسر - باران کردند و فرارس به زندان انداخت و شکنجه کرد و حالا بر ضد رفقای ما سازمان ما خط و نشان میکشد، دندان قروچه می‌رود، ما را "آمریکائی (!)" میخواند و فردی بنا مدکترا حتی که فرما نشده سپاه پاسداران فارس است بنحو مضحکی از تصفیه آوارگان "سخن میگویی و برای رفقای اسیر

(هواداران سازمان در شیراز)، دادگاه انقلاب زمان جنگ را تدارک می‌بیند (کسیان ۴ آذرماه) برآستی چرا چنین میکنند؟

مشات این آقا با نوسرگردگان نشان بیش توده‌ها با زنده‌رفقای کمونیست ما توانسته‌اند اولین ضربه‌ها فشاگران را در این رابطه به آنها بزینند و با افشای "دستغیب" و امثال او رژیم جمهوری اسلامی دشمنان خلق را رسوا کرده‌اند. رفقای ما با آوارگان نوجوش خورده‌اند، چرا که خود را از آنها میدانند و آوارگان هم فرزندان انقلابی خود را خوب میشناسند.

هم‌اکنون در نتیجه مبارزات مردم ما هیت ارتجاعی جنگ و نقش آگاه‌ها که کمونیستهای راستین، بویژه رفقای ما، رژیم "غلطی" که کرده بود آگاهی یافته می‌گوشد خیا تنهای عربان خود را مخفی بنما بد. امروز دیگر همه حضرات تکوار می‌کنند که: "آزاد سب دیدگان و آوارگان بخوبی با بدحیایت شود. در اینجا دو نکته وجود دارد: اولاً سیاست جدید رژیم جزعوا مفریبی چیز دیگری نیست. ما هیت رژیم عوض نشده این رژیم همان رژیم است که توده‌های جنگ زده را ضد - انقلابی خواند. این رژیم بنا به ما هیت خودنسه دیروز برای آوارگان کار می‌کرد و نه امروز -ی - تواند کاری انجام دهد. برآستی آوارگان از دیروز تا امروز چه فرقی کرده‌اند که دیروز با بد "مجازات" میشدند، ولی امروز با بد از آنها حمایت کرد؟ دیگر اینکه از نظر آقا با ن رهبران رژیم جمهوری اسلامی، جنایت را اگر "درجا" افشا کردی "آمریکائی" هستی و اگر پس از هزاران مرگ - و میروتا بودی و خانه‌خرابی به "غلط کردم" افتادی، آنوقت میثوی "مکتبی" "دوآتشه! زهی بشیرمی!

★ ★ ★

## آوارگان در مبارزه

### نظا هرات جنگ زدگان در تهران

"کمت به آوارگان همش دروغه - گوستگی، بی - مکتبی اینست شعا ر جنگزده" و...

راهیما بیثی این توده‌های جنگ زده - با پشتیما بیثی و استقبال مردم مغا زده‌داران طول مسیر ما چه بود یکی از دگان دران با اشاره به اتومبیل بزرگ و آمریکائی پاسداران گفت: "چطور برای اینها بنزین فراوان است؟" آوارگان جنگ بهنگام گذشتن از کنار "چادر امداد" میدان حسن آباد با مشت‌های گره‌کرده به سوی چادر و فریادهای رسا، نفرت و بیستزاری خود را از جنگ ارتجاعی و خانمان براندازگونی نشان دادند.

ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر سه شنبه ۲۴ آبان‌ماه جمعی از آوارگان جنگ زده که افراد من هم در میان آنها دیده میشد پس از عدم رسیدگی مسئولین وزارت کشور به خواسته‌های آنها دست به یک راهیما بیثی زدند و از طریق خیابان حافظ بسوی شمال حرکت کردند. اغلب آنها جنگ - زدگان خوستان بی بودند و دوسوی نظا هراتندگان اتومبیل‌های پاسداران حرکت میکردند و با بلند - گوازانها میخواندند که بیا بکنده بشوند و لسی نعره‌های گوشخراش این مزدوران سرمایه‌در فریادهای خشم‌توده‌های آواره جنگ ارتجاعی کنونی، کم میشد. آنها با قدرت زبا دشمار میدانند که:

## سرمقاله

نقیبه از صفحه ۲  
چگونه میتوانند مذاکره خود با عراق را - برای توده‌ها توجیه سازد؟ بهمین ترتیب رژیم عراق که جنگ را با باخاطر برهم زدن قرارداد ۱۹۷۵ او کسب موضع فویتر در دهانه خلیج و شط العرب آغا ز نموده و هم‌اکنون نه تنها بر این نقاط بلکه به مناطق استراتژیک دیگری نیز دست یافته است، چگونه میتواند، بدون آنکه ظرف مقابل را وادار به پذیرش خواسته‌های خود نماید، جنگ و عوارض مصیبت‌بار آن را برای مردم عراق توجیه نماید.

اما در تفاطمیان خواسته‌های طرفین و حیات سیاسی هر دو رژیم که در صورت ادامه دراز - مدت جنگ ورشدنا رضائی توده‌ها به مخاطره جدی خواهد افتاد آنها کوشش دارند که بهر ترتیب که شده و با عقب نشینی طرفین از هدفها و مواضعی که در ابتدای جنگ از آن دم میزدند، تن به مذاکره داده و حیات سیاسی رژیم خود را حفظ نمایند. امیریا لیستها نیز چنین هدفی را دنبال میکنند و منافع آنها ایجاب میکند که از گسترش و ادامه جنگ ایران و عراق و سقوط رژیمهای هر دو کشور جلوگیری و آنها را به مذاکره "شرافتمندانه" فراخوانند.

اما کارگران، زحمتکشان و خلقهای هر دو کشور ایران و عراق، که تحت ستم و استعمار این رژیمها و امیریا لیستها بسر میبرند و در خلال جنگ تمامی فشار و مصائب آن را بر دوش خود حمل کرده‌اند، فارغ از آنچه که امیریا لیستها و رژیمهای حاکم بر دو کشور ایران و عراق برای آنها تدارک دیده‌اند، به مبارزه خود علیه این رژیمها و امیریا لیستها ادامه میدهند. بسیاری از توده‌ها از هم‌اکنون روشن است و در آینده با زهم روشن تر میشد که بورژوازی این کشورها، از آنجا که در مقابل انقلاب توده‌ها قرار میگیرند، بناگزی برای حفظ خود علیه رژیم‌ها می اختلافاتی که با یکدیگر دارند، تن به مصالحه و سازش داده و قاطعانه سرکوب توده‌ها را در پیش میگیرند.

این روند احتساب ناپذیر است و تا آنجا که به ایران سر میگردد هم‌اکنون بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه و مشکلات و مصائب ناشی از جنگ که بر شدت این بحران افزوده است، زمینه را برای رشد هر چه بیشتر نا رضائی‌ها و فرو ریختن توهم توده‌ها فراهم‌ساخته و جنبش وسیع اعتراضی توده‌ها را که هم‌اکنون شاهد طلایه‌های آن هستیم بدنبال خواهد ساخت. در عراق نیز کم و بیش وضع از همین قرار است. در این میسان، وظیفه کمونیستهاست که با فعالیت و کار وسیع آگاه‌ها در خود و با دامن زدن به حرکت اعتراضی توده‌ها و هدایت، ارتقاء و تشکل مبارزات آنها نقش خود را در رشد و گسترش جنبش توده‌ای و سر - انحامنا بودی رژیمهای حاکم بر هر دو کشور ایران و عراق تحت رهبری پرولتاریا ایفا نموده و پرچم شکوهمند جمهوری دمکراتیک خلق را در هر دو کشور به اهتزاز در آورند.





### رویزونیستهای چینی و سیاستهای جدید آنان

ما در بیکار ۷۹ در مقاله "در چین رویزونیستی چه میگذرد؟" نوشتیم:

"البته بر اساس تغییر و تحولات در جهان سرمایه داری و ایجاد تناسب تئوری نویسن در عرصه بین المللی این احتمال وجود دارد که چین در پی یک بلوک بندی جدید بر آید و از جمله برای تامین منافع خود در کناره روسیا ل امپریالیسم نیز قرار گیرد. به بیان دیگر تفاق چین با شوروی از مقوله تفاق دیک کشور سوسیالیستی با شوروی بطور قطع پایان پذیرفته و تفاق دکنونی ماهیتی بورژوازی دارد. بر این اساس رابطه چین معنا به یک کشور بورژوازی یا دیگر کشور - های سرمایه داری در چها چوب جهان امپریالیستی تغییر پذیر است."

تغییر و تحولات چین در جهت تاشیدگفته ما سیر نمود. اخیرا دبیرکل رویزونیستهای چینی با "کاریلو" دبیرکل رویزونیستهای اسپانیا در یک ملاقات نمود. این دیدار، اگرچه یکبار دیگر بیان نزدیکی روز افزون رویزونیستهای سه جها تی با رویزونیستهای خروشیفی اروپائی بود، اما در عین حال مبین یک رخداد جدید نیز بود. دبیرکل رویزونیستهای مرتدچینی در حضور "کاریلو" خیا ننگار مطرح نمود که جنگ جهانی سوم اجتناب پذیر است. (نقل به معنی).

هما نظور که میدا نیم رویزونیستهای سه جها تی بر اساس تز رویزونیستی سه جها ن، جنگ جهانی سوم را امری حتمی و اجتناب نا پذیر دانسته و آنرا قریب الوقوع ارزیابی مینمایند آنها بویژه سوسیا ل امپریالیسم شوروی را نیروی اصلی جنگ افروز بشمار می آورند. اما در گفتار اخیر دبیرکل رویزونیستهای چینی بطور ضمنی تحلیل فوق را زیر علامت سؤال میکشاند. هما نظور که قبلا بدرستی مطرح ساختیم حاکمیت رویزونیستها در چین تفاق چین با شوروی ماهیتی بورژوازی یافته و بنا بر این امکان سازش و نزدیکی های بیشتر بین چین و شوروی وجود دارد. بورژوازی چین بر اساس نیازهای طبقاتی خود و تحولات بین المللی در پی سازش

با بورژوازی شوروی مینماید. این رویدادها یکبار دیگر نشان میدهد که رویزونیستهای سه جها تی بر پایه ما هیست بورژوازی خود هرگز نمیتوانند علیه سوسیا ل امپریالیسم شوروی مبارزه نمایند. اما نکته جالبتر اینست که بدنبال تغییرات جدید در سیاست یکن، سه جها تی های نوگرمش و عدا تقلابی وطنی در حال زمینه سازی مینمایند تا با سایر دیگری به رخنه درآیند.

### چین: رویزونیستها کمونیستها را به محاکمه کشیده اند

در گذشته کمونیستهای چینی بدلیل انحرافات خود با رویزونیستها و بورژونیستهای چینی به مماشات رفتار کردند. اگرچه در گذشته مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک در خفا تی علیه رویزونیستها تی ما ننندتنگ سیا شوپینگ خا شن صورت گرفت، اما این مبارزه تا نهایت یعنی طرد و اخراج کامل رویزونیستها از صفوف حزبسی انجمن گرفت. لیکن اگر کمونیستها پیگیری لازم را در مبارزه علیه نما بندگان بورژوازی به خرج ندادند، ما رویزونیستهای خیا ننگار پس از تصرف قدرت در چین، در قبال کمونیستها به جنا بنگارانه ترین اقدامات دست زدند. آنها نه تنها کمونیستها را از حزب اخراج کرده و مورد وقیح ترین تهمت ها قرار دادند، بلکه تا آنجا پیش رفتند که در دادگاهها عدا تقلابی خود کمونیست - ها را به محاکمه کشیدند. آری امروز در چین رویزونیستها این نما بندگان فاسد و مرتجع بورژوازی ما رکیستها را بحرم مبارزه علیه رویزونیستها به محاکمه کشیده اند. از جمله کسانی که محاکمه میشوند "جیانگ جینگ" (همسر رفیق ماو)، "وان هون وان"، "وان بان" و "چان جونگ جیا شو" میباشد. اینان در گذشته از رهبران برجسته جناح انقلابی حزب کمونیست چین بوده و در انقلاب فرهنگی و مبارزه علیه رویزونیستهای مرتد از جمله "تنگ" و "هو" نقش فعالی بازی نمودند. این رهبران اگرچه دارای سرخی انحرافات چپ روانه بودند، اما ندرستی مبارزه قاطعی را علیه دارودسته "تنگ" - "هو" به پیش بردند. منجمله در ۱۹۷۴، زمانی که رویزونیستها از جمله "تنگ" در حزب پله - های صعود ا طی کردند، اینان از جمله کسانی بودند که در افشادن و سقوط "تنگ" نقش ایفا کردند و او را به مثابه یک عنصر عدا تقلابی و نما بنده بورژوازی دردرون حزب مورد تصفی قرار دادند و امروز اینان "نجم" توطئه برای جلوگیری از روی کار آمدن تنگ در سال ۱۹۷۴" محاکمه شده و چه بسا تیرباران گردند. اگرچه مبارزه علیه رویزونیستها، این خا شنین به طبعه کارگرچرمن نیست و بلکه افتخار بزرگی برای کمونیستها بحساب میآید، اما این محاکمات ضد انقلابی درس بزرگی به کمونیستهای جهان می دهد و آن اینکه در مبارزه علیه رویزونیستها و

بورژونیستهای اشتی نا پذیر باشد. بنحسب آلمان پرولتاریا بدون مبارزه ای خادواتی - نا پذیر علیه رویزونیسم ممکن نخواهد بود. بورژوا - رویزونیستهای ما ننندتنگ و "تنگ" نما بندگان حاکمیتک ر طبقه ای هستند که در جنات و سرکوب توده ها و کمونیستها سیرجما ست. کمونیستها با بدبیا موزند که در مبارزه علیه بورژوا - رویزونیستها سیرجما شد. این قانون مبارزه عقباتی است.

### فلسطین اشغالی: دانشجویان می رزمند

جنش نوده ای علمه صهیونیستهای اشغالگر افزایش جمعگری یافته و توده ها ممما شده در برابر توطئه های دشمن و عمال خیا ننگار آن مقاومت میکنند. اعصاب دانشجویان دانشگاه عربی بیروت واقع در ساحل غربی و سیرافراشتن بحرم فلسطین سیرافرا زدا نشگاه و کرامباد است هفته فلسطین و بدنبال آن به گلوله بستن دانشجویان توسط نیروهای اسرائیلی حمایت وسیع از نظارات محصلین و دانشجویان را در شهرهای دیگر نیز بدنبال داشته است. از دو هفته پیش این نظارات صدها صهیونیستی و عدا امریکائی ادا شده و سیرخوردهای خونینی بین دانشجویان و پلیس فاشیستی صهیونیستها بوجود آمده که منجر به زخمی شدن تعداد زیادی از دانشجویان و دستگیری عده قابل توجهی از آنان شده است. دانشجویان فلسطینی علمرغم کلیه تشبثات صهیونیستهای آلمان ازادببخش خود را فراموش نکرده و تا آزادی کامل فلسطین مبارزه خواهند کرد. آنان بر دیوارهای دانشگاه نوشتند: "فلسطین تا آخرمی جنگد" و "فلسطین، سرزمین ما" و در خبا بیا نها برای آزادی فلسطین فریاد زدند. فریاد اینان، فریاد ما می خلق فلسطین است.

یک خبر دو هفته پیش انقلابیون فلسطینی یکی از افراد خا شن را که طرفدار طرح خودگردانی فلسطینی ها در ساحل غربی رود اردن بود و سا دشمن همکاری میکرد ادا انقلابی کردند. خلق فلسطین میهن خود را هرگز به دشمنان خود نخواهد فروخت.

### حمایت امپریالیسم از کودتاچیان ترکیه

رژیم کودتاچی ترکیه در حالی که همچنان به سرکوب کارگران، کمونیستها و سایر مبارزین ادا می دهد، از طرف کلیه امپریالیستها مورد حمایت قرار گرفته است. چندی پیش امپریالیسم آمریکا قرارداد جدیدی با دولت ترکیه منعقد

## روحانیون بزرگ مورد تأیید آیت الله خمینی چه کسانی بودند؟

قرار گرفته اند می افتند. سیدی از خاندان ها شمیان بنام میرفتمیل را بعنوان پادشاه تحت الحمایه انگلیس در عراق بر سر کار میاورند و سید محمد صدر را که از چهره های معروف شیعیان عراق بوده به نخست وزیری می نشانند و سبازش ارتجاع محلی با امیرالایسم انگلستان، قیام داده ای و ضد امیرالایستی مردم عراق را نسا تمام می گذارد.

طی این قیام، در حالیکه رحمتکشان عراق، این سرزمین را تبدیل به جهنمی علیه اشغال - گران انگلیسی کرده بودند، میرزا محمدتقی شیرازی، طی نامه ای به سفیر ایالات متحده آمریکا در تهران از او دادخواهی میکنند و از دست انگلیس ها پیش او شکایت میبرد به سند توجه کنید:

"طهران، جناب مستطاب سفیر ایالات متحده آمریکا مدت رافته (که مهربانی او پاینده باد)

پس از احترامات فائقه و شایسته:

لازم میداند در شرایط حاضر مطالب زیر را به شما بنویسم:

نظر به اینکه دولت محترم آمریکا (که عدالت پروریش پاینده باد) ندای حقوق بشر و آزادی ملل را بلند کرده است، از طریق شما که نماینده امین آن دولت محترم هستید و بیخاطر تکمیل و تحکیم حقوق اسلامی که در تشکیل یک دولت عربی باید منظور گردد (۱) لازم است به دولت محترم خود (که عدالتش پاینده باد) مراجعه فرمائید.

بر شما پوشیده نیست که هر ملتی اگر در معاصر نهروهای نظامی باشد نمی تواند از آزادی بیان برخوردار باشد. هر چند همه از آزادی عقیده دم میزنند ولی به این شایعه نمی توان دلخوش بود و بسیاری از مردم می ترسند که آزادانه مکتوبات قلبی خود را فاش سازند. نمودها هم وجود دارد که این ترس را بوضوح نشان میدهد. بنابراین

- این مردم عراق از دولت محترم آمریکا تقاضا دارند آنها را در این امر مهم پشتیبانی نموده و حقوق آنان را استیفا

نمایند. (۲)

امضاء محمدتقی شیرازی (۳)



(۱) - اشاره است به مقدمات تشکیل پادشاهی دست نشانده انگلیس در عراق.

(۲) - تاکیدات در این اسناد دهه جا از ماست.

(۳) - اصل اسناد در "موزه انقلاب ۱۹۲۰ عراق" در موزه ملی بغداد موجود است (بنقل از مجله آفاق عربیه آوریل ۷۹)

آیت الله خمینی در سخنرانی خطاب به

با زاریان قم که در روزنامه های اول آذر ماه ۵۹ منتشر شده از یکی از شخصیت های بزرگ روحانی بنام میرزا محمدتقی شیرازی، بعنوان کسی که "جلوی انگلیس ها" را در عراق گرفت، یاد کرد. ما در پی تحقیق برآمدیم که این شخصیت کیست و چه مواضعی از لحاظ سیاسی داشته است. در یک پی جویی سریع معلوم شد که میرزا محمدتقی شیرازی مجتهد بزرگ نجف در حدود ۶۰ سال پیش بوده. مرجعیت او همزمان با جنگ اول جهانی اول، از همپاشیدگی امیراطوری عثمانی و اشغال عراق توسط انگلیس ها و سپس شورش توده های ۱۹۲۰ عراق، بوده است.

اسنادی هست داثر به روابط حسنه بین این مجتهد بزرگ و رژیم ارتجاعی ایران در اواخر دوره قاجاریه و با کسانی مانند شوق الدوله خاش که عاقد قرارداد تنگین ۱۹۱۹ بود. دو سده هست مربوط به برخورد آیت الله میرزا - محمدتقی شیرازی با امیرالایستهای انگلیسی و آمریکا.

او که بزرگترین مجتهد نجف در آن سالها بود و در جریان شورش توده های ۱۹۲۰ عراق سوار بر این موج شد و بعنوان "رهبرانقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق" لقب گرفت، در تلگرافی به "سرپرستی کاکس" نماینده مکارا امیرالایسم انگلستان و فرما نروای عراق در تاریخ ۲۷ رمضان ۱۳۳۶ هجری قمری (۱۹۱۸ میلادی) چنین می نویسد:

"از شهر مقدس سا مرا که هزاران دروید بر اهل آن شهر باد.

به جناب مستطاب فرما نروای سیاسی کل عراق، سرپرستی کاکس، که شان و عزت او بلند باد نامه گرامی شما مورخه ۳ رمضان در ۲۴ آن ماه دریاقت شد. اینکه پس از شنیدن خبروفات آقا میرزا محسن مجتهد... شدیداً اسدو هگین و متاسف شده اید، نشانه ای است اراحاسات انسانی شما و مقام بلندپایه جبرت عالی در حفظ حقوق انسانی که وجود این دولت کبیر (بریتانیا) و نیز مقامات

فرماندها و بلکه آحاد افراد انگلیسی با آن سرشته شده اند. امیدقا طعانه ما برای این است که مقدمات اسلامی را حفظ نمائید و جاننان بیس را گرامی بدارید و بدین ترتیب نهایت کوشش را بکار برید تا در تاریخ نام نیک از شما بیادگار بماند که این بهترین خدمت به دولت عظمای بریتانیا است. روزگار عزت شما پاینده باد. مورخه ۲۷ رمضان ۱۳۳۶ ه. ق.

انگلیس ها بدنبال قیام سراسری مردم عراق بغیر سبازش با رهبرانی که در اس جنیش

کرد. طبق این قرارداد بانک مرکزی ترکیه یک قرارداد دو ساله برای دریافت یک و ام ۹۵ میلیون دلاری با پنج موزه مالی امریکایی امضا نمود پس از این قرارداد، امیرالایستهای ایتالیا بی یک و ام به میزان ۲۵ میلیون دلار به ترکیه داده اند. بر اساس این و ام ترکیه مجبور است بمیزان مبلغ این و ام، از ایتالیا کالا وارد کند و بلاخره اخیراً قرارداد جدیدی بین ترکیه و آلمان غربی منعقد گردید. این قرارداد عبارت از کمک نظامی ۳۰۰ میلیون دلاری آلمان به ترکیه میباشد برپایه این قرارداد در رژیم نظامی ترکیه طی سه سال، تانکهای "لئوپارد" و ۲۵۰۰ دستگاه موکداتنک دریافت کرده و علاوه تانکهای "ام ۴۷" و "ام ۴۸" رتیش مزدور خود را مدرنیزه خواهد کرد.

آخرین خبر اینکه، حیرانیک قرارداد ۱۰۰۰ میلیون دلاری میان ترکیه و امیرالایسم آمریکا به امضا رسید. این قرارداد یک قرارداد نظامی بوده و قرار است مبلغ این و ام در راه توسعه آموزش نظامی ترکیه استفاده شود. در مقابل، امیرالایسم آمریکا اجازه پیدا میکند تا از تمام پایگاههای خود در خاک ترکیه استفاده نماید.

### اخبار کوتاه جهانی

■ امیرالایسم آمریکا ۲ هواپیمای جاسوسی آواکس به مصر تحویل داد. بدین ترتیب - جنایتکاران یانکی با زهم رژیم سرسپرده سادات را صلح نمودند تا در منطقه موقعیت خود را در قبال انقلاب توده ها و رقابت شوروی تحکیم نمایند.

■ هزاران کشاورز هندی در شمال شرقی بمبئی دست به تظاهرات خونین زدند. مورد اعتراض کشاورزان تورم شدید و پایین بودن سطح قیمت - های تعیین شده در مورد مواد کشاورزی از طرف دولت ارتجاعی حاکم بوده است. پلیس رژیم مرتجع ایندرا گاندی به سرکوب وحشیانه دست زده، ۹ هزار کشاورز زخمی شد و دستگیر کرده صدها نفر را زخمی نموده و حداقل ۳ نفر از کشاورزان را به شهادت رساند.

■ هزار و هشتصد تن از کارگران شرکت هواپیماسازی لاکهید در کالیفرنیا دست به اعتصاب زدند کارگران که توسط انحصارات استثمار میشوند خواستار افزایش حقوق خود بودند.

■ امسال از شوروی ۲۰ هزار یهودی صهیونیست به اسرائیل مهاجرت کردند. امیرالایسم آمریکا به اسرائیل اسلحه میدهد و سوسیال امیرالایسم شوروی متخصصین و مهندسین دولت اشغالگر را تامین مینماید.





### يك نمونه خوب از كار تبليغي يك رفيق

گزارش زبیرا زرفیق "ش" دانش آموز هوادار سازمان در لالی، نمونه ای مناسب از کار تبلیغی بموقع و بجا در میان توده ها است. رفیق با درک روحیات توده ها به با سخگوشی به مسئله اساسی آنها دست میزند و تحلیل سازمان در مورد جنگ را بر میان توده ها میبرد. رفیق در درآ میخستن تبلیغ فدجنگ با توده ها موفق است و توانسته است فلاکت جنگهای غیرعا دلانه را برای توده ها توضیح دهد، ضمن آنکه شجاعت و فداکاری توده ها در جنگهای عادلانه را مورد تأکید قرار میدهد. رفیق موفق میشود، نشان دهد که سرما به داران از این جنگ سود میبرند و توده ها به گوشت دم توب بدل میشوند. از این گذشته این نمونه نشان میدهد که توده ها چگونه آما ده پذیرش تبلیغات کمونیستی سازمان در محکوم کردن جنگ هستند پیروزی و موفقیت رفیق مبلغ "ش" و همه پیکارگران آزادی طبقه کارگر را در انجام وظایف انقلابیشان آرزو مندیم!

اینک متن گزارش:

### جنگ ایران و عراق و برخورد توده های جنگ زده به آن

مواضع پیکار در مورد جنگ خواست توده ها با خلاف خواست توده ها است.

مسئله جنگ از دیدگاه "پرولتری" یعنی چه؟! حال ببینیم خود توده های زحمتکش در مورد

سوالات مطرح شده چه جوابی میدهند...

در پی یک وظیفه تکنیکال قدر رفتن به "مسجد سلیمان" را داشتیم. ساعت ۴ بعد از ظهر روز سه شنبه ۵۹/۷/۲۲ بود، یعنی درست هنگامیکه فوج زحمتکشان از شهرهای جنگی ما ننسند اهو از زور مشهور و ذمول... به جاهای نسبتا

امنی روانه میشدند مینی یوس از جا کنده شد و به قدم مسجد سلیمان بر راه افتادیم. قیافه های تمام مسافرین زرد و حالی کسل داشتند و با بقول یکی از خودا "زحمتکشان که در ما شین بود و میگفت: "حال که ندا کشیم، حال که بدستش سر

کردند "براستی که او از جنگ "نا عا دلانه" تنفر داشت و اگر او آتما جنگی عا دلانه بود، نه تنها او از آن تنفر نداشته، بلکه با دل و جان در جنگ

عا دلانه ای که به نفع شان تمام شود شرکت می - جستند وقتی که دیدم هو اقا جودرون ماشین و روحیه مسافرین طوری میباش که تبلیغ مواضع

سازمان و مخصوصا روشن کردن مسئله جنگ امکان پذیر است، اعلامیه ای که در حیم بود، در -

آوردم و شروع کردم از همان اولش بخواندن: "میهن مال کیست؟! "یکی از مسافرین دیگر فرصت خواندن بقیه اعلامیه را ندا دوزود گفت: "خوب معلومه که میهن مال کیه؟ میهن مال اونائی به که خرشون میره "واقعا که راست می - گفت، میهنی که سرما به داران کارگران را به بدترین شیوه ها استثما رمیکند، میهنی که فقر درش پیدا دمیکند، هیچوقت نمی تونه میهن زحمتکشان با شه میهن مال زاغه نشینها نیست، میهن مال دهقانی که از ما تا ما مهیل برسر دوش میبازد، نیست این میهن مال کسی است که منا فعش را، شروتش را تصاحب میکند، میهن مال آن سرما به داری است که در بهترین میلیها لم داده و دیوانه او را برای حفظ منا فعش داد می - کشد: "بزوبد، بکشید، و پمیرید تا میهن! در مان ن باشد. "آری میهن آنها کدام است؟! (میهن آنها کیف پول آنها ست)

در اینجا ست که ما یک تجربه عینی و واقعا غنی پی میبریم که مواضع پیکار در مورد جنگ، به تمام معنا با نگر خواسته های زحمتکشان است که سرما به داران زالوصفت آنها را بی ارزش به حساب می آورند...

### مسئله جنگ از دیدگاه

### پرولتری یعنی چه ؟

شروع به خواندن بقیه اعلامیه کردم: "جنگ ایران و عراق جنگی است که ز فلاکت و بدبختی، برای توده های زحمتکش و دشو ر چیزی بسیار

نمی آورد مسافری از ته ما شین آهی کشید و گفت: "والله به خدا راست میگه، تنها ما بدبخت - ها هستیم که آواره شدیم، با و رکنید جنگ با لا -

شیاها سرما پائینی هاست "براستی که چه گفته قشنگ و چه حقیقت روشنی است. سرما به داران

با آن میگه و فانتومهای امپریالیستی شان بر سر منافع خلق جنگ راه انداخته اند راستی مگر همین رژیم جمهوری اسلامی نبود که کارگران

را بجرم کمونیست و انقلابی اخراج میکرد (و میکند). مگر همین جمهوری اسلامی نبود که خلق عرب را سرکوب کرد (و میکند) مگر... پس چطور

شده که می خواهد از منافع آنان دفاع نماید. زهی خیال باطل، توده ها خود تصمیم خواهند گرفت، از جنگ ایران و عراق چه نفعی عا بد زحمتکشان دو کشور میشود!؟

همه سکوت کرده و منتظر شنیدن بقیه اعلامیه بودند، اما بر راستی مگر در درون آن ورق چه بود؟ جز خواسته های توده های زحمتکش؟! من هم شروع به خواندن کردم.

"در جنگ دولت ایران و عراق زحمتکشان به گوشت دم توب سرما به داران میدل میشوند" من کمی مکث کردم تا ببینم در مورد این

گفته نظر آنها چیست؟ مسافر بل دستی فرصت را مناسب دید و گفت: "ای دست هونا که اینسو، نوشتن درد نکنه (رو به مسافرین کرده و ادا مسه

میدهد): و الله ما شدم! آلت دست به منت سرما به - از زبون نفهم، هی ما شیم که با بد صد -

ببینیم، خلاصه هر چی هست ما فقیرا با بد جور شو - بکشیم...

آری، این یک حقیقت محض و روشن است که زحمتکشان نمی خواهند گوشت دم توب سرما به - داران شوند و خود آنها آگا هند که در یک جنگ نا عا دلانه زحمتکش، فلاکت و مصیبت چیزی عاید - شان نخواهد شد و این هم همان موضعی است که پیکار را سخا ذکرده اینجا ست که از خوشحالی بر سر خود میباید که واقعا تحلیل مارکسیست - لنینیستی تر از "پیکار" و همگا ما خواست توده ها از هیچ سازمانی تا بحال درج نشده، اینک می خواهم با تمام قوا فریاد زدم "درد بر آرمان مقدس زحمتکشان" "درد بر سر آلمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

تا شکر گذاری:

مسافرین مینی یوس وقتی که به آخر یوسن ایستگا رسیدیم می خواستم پیاده شوم با گرمی دستم را فشردند و حتی یک جوانی هم که در میان آنها بود، وقتی دستم را فشرد گفت: "موفق باشی... آری موفقیت من و رفقای من همسان موفقیت آنها ست.

"زند به یاد پیکار توده ها" رفقا! با تمام نیروی خود به میان توده ها برویم و ما هیت این جنگ ارتجاعی را برای آنان روشن سازیم.

گزارشی از "ش" دانش آموز هوادار سازمان - لالی -

### رفیق مسئول دانشجویی ش

از توجه کمونیستی تان به امر هنر و نقاشی که ادبیات م. ل و انقلابی در عرصه مبارزه طبقاتی دارد، بسیار ما هم معتقدیم که وظایف سنگینی در این زمینه به عهده جنبش کمونیستی عموما و سازمان بالاخر قرار دارد اما در رابطه با مسئله "مفحه هنر ما و مت - هنر پرولتری" باید به اطلاع تان برسانیم که این مفحه کاملا تعطیل شده است اما دو مسئله اصولی در کار آن وقفه ایجا دکرده است:

۱ - در برخورد به فعالیت هنری همچون دیگر عرصه ها در گذشته انحرافات وجود داشته است، بهاء ندادن به کار بر بنا مریزی شده، نقشه مند و همیشه کم توجهی به وظایف تفکیک شده تبلیغی و ترویجی در این زمینه، و عدم یک سازماندهی کمونیستی و برخورد پراگماتیستی به فعالیت عملی و... در عمل موجب شده بود که این مفحه وظایفی را که بر عهده دارد بدرستی پاسخ گوید.

به همین جهت سازمان هم اکنون مشغول یک تجدید نظر اساسی در این زمینه است که البته چنین امری بهیچوجه به معنی تعطیل مفحه نام - برده نبوده است.

۲ - با توجه به مبارزه د طبقاتی و مسائل گوناگونی که ضرورت پاسخگویی به آن در ارگان سیاسی - تبلیغی درد ستور قرار میگیرد، سیب

"استخلاص سیاسی از بندهای امپریالیستی و تشکیل حکومت مستقل ملی" (صفحه ۹۲).

این کشورها را جزئی از اردوگاه انقلاب جهانی قرار میدهد. پس لازم است رزمندگان و راهکارگر استقلال رژیم جمهوری اسلامی را از امپریالیسم در اساسی ترین سیاستهایش بماندند و پس از آن نیز دست از انقطاع بردارند و به رژیم "مستقل" جمهوری اسلامی لفظ ارتجاعی را اطلاق نکنند! ولی اگر نه، سیاست رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز حفظ و حراست سرمایه داری وابسته (این پایگاه داخلی امپریالیسم) نیست. بدین ترتیب نیز "استقلال سیاسی" رزمندگان و راهکارگر یک تزویزیونیستی است، چرا که به یک رژیم وابسته، امپریالیسم جهانی، رژیم می که فقط و فقط در جهت حفظ سرمایه داری وابسته به سرکوب و کشتار توده‌ها می‌پردازد، رژیم می. مستقل و جدا امپریالیست اطلاق میکند. شاید راهکارگر رزمندگان بگویند ما که گفتیم این رژیم سرکوب میکند، پاسخ ما اینست که لیبرالها سیاست حقوق بشرکارتر، سوسیالیستهای اروپائی این مزدوران امپریالیسم نیز از سرکوب رژیمهای دست نشانده سخن میگویند. سخن گفتن از سرکوب تا زمانی که مشخص نشود این سرکوب توسط کدام طبقات و به چه خاطر انجام میگیرد، نشانده موضع کمونیستی یک سازمان نیست.

با دیده توده‌ها گفت که دولت آرگانی سرکوب طبقاتی است و سرکوب توده‌ها در جهت منافع طبقات مشخص است و در شرایط کنونی ایران، این سرکوب توده، تنها و تنها در جهت منافع امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار ایران قرار دارد. رزمندگان و راهکارگر شاید بگویند اگر سیاستهای جمهوری اسلامی مستقل نیست و وابسته به امپریالیسم جهانی است، چرا رژیم ایده‌آل برای امپریالیسم محسوب نمیگردد؟ پاسخ روشن است، چه سیاست حکومت - ها که توده‌ها و وابسته به امپریالیسم جهانی بلکه حتی یک زنجیری امپریالیسم مشخص محسوب میشوند. اما برای امپریالیسم حکومت ایده‌آل نبوده و بی‌اعتنا نتوانیهای مشخصان، امپریالیسم دست به تعویض میزند. کودتای اخیر ترکیه بر علیه دولت وابسته سلیمان دمیرل، کشتن پارک چوئک‌هی یک زنجیری آمریکا در کره توسط خود امپریالیسم و کودتاهای متعدد کارگزاران امپریالیسم بر علیه توکران خودی در آمریکا لاتین شاهدان مدعا است.

برای اینکه بیشتر نشان دهیم اطلاق ارتجاعی حاکم به رژیم جمهوری اسلامی از سوی رزمندگان و راهکارگر بصورت پرچمی دروغین برای پوشاندن تزلیلاتشان به ارتجاعی حاکم است به برخوردشان در مورد پذیرش یا عدم پذیرش سرنگونی ارتجاعی حاکم در روند مبارزه طبقاتی آثار می‌کنیم. ادا مه دارد.

### رفقای دانشکده ۳۳

برسیده بودید که چرا ما در رابطه با جنگ تنها با رزمندگان برخورد کرده ایم، ملاک ما در اینبار چیست؟  
اولا اگر رفقا، بیگانه زتئوریک را خواننده باشند، متوجه خواهند شد که ما تقریباً با مواضع کلیه نیروهای جنبش برخورد نموده ایم. ما تنها آنچه باعث شده است که ما به رفقای رزمندگان برخورد بیشتری نمائیم، از آنست که این رفقا جزو نیروهای بنیست پیگیر جنبش کمونیستی بودند که اینچنین به سرعت سقوط کرده اند و ما می‌المثال در برخورد به راهکارگر رزمندگان طبعاً به رزمندگان ن بهای بسیار بیشتری میدهم و می‌کوشیم تا لاقبل بخش اعظم آن به صف کمونیست‌های پیگیر بپیوندند.

### رفیق س-ب

در مورد نظراتی که طبق مدارکی بدست آورده بودی و روش آنرا برای ما نوشتی، هرچه سریعتر آنرا برای هشیت تحریریه ارسال کن

■ نامه‌های زیادی بدستمان رسیده است که ما ضمن تشکر از کلیه رفقا و دوستان، بدلیل محدودیت جا، تنها به ذکر اسم نویسندگان نامه بسنده می‌کنیم.

رفقا محمد از مشهرم، ح- محمد- رسول- شاهین - پ- م، ط، د، از آمل - فهمیه از کمیته معلمین - م، ن، دانش آموزان تهران - فرزانه از قزوین - ح - خ، ر از ارومیه - م، از تبریز - رفقای مرند - ش، م، م، از کرمانشاه، م، پرو - ن، - سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیگانه غرب تهران - مسئول سازمان دانشجویان و دانش آموزان - بیگانه - گزج - ط، ف - ع، برس از زفول، م، ع - ط از اصفهان - آ، د، دانش آموزان - از بروجرد - الف از اصفهان - ی - ف از اسلامشهر

بقیه از صفحه ۱۰

### رزمندگان...

طبقه‌های تحت سلطه و کشور سوسیالیستی تقسیم میشود. هر دولتی که بر علیه امپریالیسم (و بیگانه‌ها) ارتجاعی (داخلی) مبارزه بکند، به اردوگاه جهانی سوسیالیسم تعلق دارد. ما به ترها تزویزیونیستی سه‌جانبه، یعنی "استقلال" جهان سوم اعتقاد نداریم. راهکارگر رزمندگان با دیده این سوال پاسخ گویند که اگر تقسیم جهان را به دو اردوگاه جهانی انقلاب و ضد انقلاب یا سوسیالیسم و امپریالیسم واردانند، جایگاه جمهوری اسلامی در کجاست اگر جمهوری اسلامی مستقل از امپریالیسم است و اقداماتش سدی در جهت منافع امپریالیسم، پس جزو اردوگاه انقلاب است و اگر کشوری است ارتجاعی بنا بر این به اردوگاه امپریالیسم و ضد انقلاب جهانی تعلق دارد و همچنان که ستالین در مسایل لنینیسم معتقد است:

مینود در باره‌ای مواقع انتشار مطالب این معده همچون دیگر مطالب به تنوع بی‌فقد طبیعی است که عدم توجه به این امر و قائل شدن نقد م برای انتشار مطالب ضروری تر خود بر خورد درستی نخواهد بود.

در آخر، امیدواریم با کار همه‌جانبه در زمینه هنر نقش آگاهانه‌ای در پاسخ به وظایف کمونیستی در این عرصه به عهده گیریم و همچنان از استنادات و پیشنهادات و مشارکت فعالانه رفقا بهره‌مند شویم.

موفق باشید!

### رفیق طراح

طرح‌هایی که تحت نام: "روزیونیسم" فقط منافع بورژوازی در جنبش کارگری "آنترونا سونالیسم پرولتاریائی ارتجاع روسی" و... فرستاده بودید رسید. لازم دیدیم چند نکته را با شما در میان بگذاریم. دیدگاه سیاسی و سیاست هنری تا آن قابل تحسین است، ولی رفیق اگر در خود علاقه‌ای در رابطه با طراحی می‌باید بدون شعار، بسیار جدی تر به کار بپردازید. یک هنرمند ما رکسیست - لنینیست اگر چه باید در درجه اول به مضمون آگاهانسه و کمونیستی آثارش توجه کند و این خصوصیت همه کمونیستهاست، ولی آنچه که کار او را از فعالیت - های دیگر متمایز می‌سازد، همان توانایی او برای انتقال آگاهی سوسیالیستی به توده‌ها به زبان هنر است. به همین جهت برای آفرینش آثار هنری بواقع خلاقانه و پرتوان، ضروری است که هنرمند کمونیست به آموزش جدی در زمینه فعالیت خاص خود، توجهی جدی مبذول دارد. ما امیدواریم با کار شما در مشکل در این زمینه به شما کمک کنیم که بتوانید هر چه بهتر افکار و احساسات انقلابی‌تان را در قالب طرح ارائه دهید. ما بیش از همه این شما هستیم که باید بطور منظم و بسیار برنامه‌معی کنید طراحی را بطور علمی بیاموزید و با کار فراوان، آثاری که به روی بیننده تاثیر تکان دهنده برجای بگذارید فریبند دست شما را بکرمی می‌گذاریم

### رفیق م-خرم آباد

مضمون اشعارتان نشان دهنده، آگاهی طبقاتی، کینه و نفرت فراوان شما از بنیادگری و ستمی است که در سیستم سرمایه داری وابسته بر توده‌های زحمتکش می‌رود. همچنین در اشعارتان بخصوص شعر "درفش شهیدان" قطعاً وجود دارد که بسیار نگر و خبیثانه است و شاعری است، لیکن باید بتوانید احساسات پر شور و تان را به بهترین صورت بیان کنید. اگر به عنوان عرصه‌ای از فعالیت انقلابی، شعرا انتخاب کرده‌اید باید فراوان اشعار انقلابی بخوانید، بگوئید فنون شعرا را بیاموزید و به کار خستگی ناپذیر در این زمینه بپردازید. از شما می‌خواهیم تا اشعار تازه‌تان را برای ما بفرستید.

پیروز باشید!

### بازهم تفتیش عقاید بازهم اخراج و... بازهم مبارزه

اخراج و مبارزه فارغ و التحصیلان دانش -  
سراهای مقدماتی و معلمین انقلابی :  
**خراسان** - رژیم جمهوری اسلامی با وحشت  
از آگاه شدن دانش آموزان، دروا و خرابی‌سور  
دست به اخراج ۷۰۰ نفر از معلمین مبارز میزند  
معلمین اخراج شده و ایل مهرداد را در آموزش  
و پرورش خراسان با خواست بازگشتن بسرکار  
دست به تحصن میزنند.

معلمین متحصن، پس از شنیدن جواب سر -  
بالا از طرف معاون آموزش و پرورش خراسان،  
نمایندگان از میان خود انتخاب کرده و به  
"اداره گزینش و ارشاد" تهران میفرستند و  
آنها پس از مذاکره با موسوی گرما رودی، رضا  
افشاری و موسوی خراسانی (نماینده مشهد  
در مجلس) دست خالی برمیگردند. با ردیگر رژیم  
استیصال خود را در پاسخ دادن به خواستهای  
دموکراتیک مردم نشان داد.

نمایندگان به علت داشتن مواضع سازش -  
کارانه و توهما تلبیرالی، وعده رژیم در مورد  
تجدیدنظر در پاکسازی "اخراجیها" را قبول  
کرده و حتی برای حضور نماینده بنی صدر! در  
هئیت تجدیدنظر "پاکسازی" طومار جمع می-  
کنند. در همین رابطه "بخش معلمین هوادار سازمان  
بیکار در مشهد" اعلامیه ای منتشر نموده و در آن  
ما هیت "کل رژیم" موضع ارتجاعی هردو جناح  
رژیم را در سرکوب جنبش های دموکراتیک (از جمله  
جنبش معلمین) افشای نماید.

پس از به سازش کشیدن تحصن از طرف  
نمایندگان، رژیم دست به تقسیم معلمان اخراجی  
زده و استفاده مجدد آنها را منوط به جواب دادن  
به پرسشنامه ای که در حقیقت تفتیش عقاید  
اخراجیان بوده، میکند. ما در زیر نمونه هایی  
از این پرسشنامه به سبک ساواک را میآوریم:  
- علت اصلی مخالفت برخی گروههای سیاسی  
با جمهوری اسلامی چیست؟  
- نظراتان راجع به کومهله، بیکار، فدائیان،  
حزب دموکرات و... چیست؟  
- طرفدار کدام گروه هستید؟  
- رجوع یا بختیار چه فرقی دارد؟  
...

**سازی** - ۱۴۸ نفر از معلمین ساری که  
بدلیل عضو نبودن در انجمن اسلامی اخراج شده  
بودند در تاریخ ۵۹/۷/۸ نمایندگان برای  
مذاکره به تهران میفرستند و آنها قول میدهند

### رسا تر چون شود، فریاد می گردد !!

کنند، چه معنی داره؟ "بکنفر جواب داد: "این  
معنی را دارد که تا آن خوردن برای "مستضعفین"  
حرام است!" خنده مردم، مرد چاق را بیشتر  
عصبانی میکرد. دستفروشی که کشتن کشتن بطرف  
ماشین برده میشد با خواهش میگفت "والا کار  
نیست"، بعدا دیگر اینطرفها پیدا نمیشد...  
دستفروشی از بالای تاکسی بار داد زد: "چسرا  
اینظوری به اینها التماس میکنی" و یکی از  
پا شین جواش را داد که: "تو هم زیبا شجاع نبود  
که بدون اعتراض سوار شدی!" این حرف باعث  
بلند شدن اعتراض دستفروش ها شد ولی چساق  
سرکوب این بار قوی تر بود، مرد چاق به راننده  
گفت "سرو"، راننده جواب داد: "برادر! عقب  
ماشین کم مانده به زمین بخوره، یک سرما به دار  
همینا و رید جلوسینند که میزان شود!" "من  
گفتم: "نه داداش! آنوقت جلوما شین میخوابه!"  
... "حتی هزار نفر اینها تا یک سرما به دار براب  
نیستند" مردم با هلهله تا شید میکردند. -  
خیلو که از خم سرخ شده بود ترمیزد و گفت: "شما  
دارید از انقلاب سوا ستفا ده میکنید!" "شاگرد  
مکانیک جواب داد که: "پس چرا مثل شما چساق  
نشده ایم!" تاکسی بار راه افتاد ولی مردم  
هنوز بخت میکردند. مدهای آرام مردم آهنگ  
خوشی داشت، بیاد قبل از قیام افتادم:

زمنه، ناله، فریاد، همه، سرود، سرودی  
به زیباتی فریادهای ختم مردمیکه به تخیل  
با غشاه می رفتند!!



**تبریز** - اول بازاریا ستاده بودم، بپیرمردی  
با دوزنبیل پرازا ستکان و نمک دان ... در  
دستهایش وحشت زده به اینور نور میدوید. مثل  
شکارچی که از دست شکارچی دررفته باشد. مسرد  
میانسال دیگری تا تعدادی جوراب و پیراهن و...  
در پشت چندتا سبد پنهان شده بود. پسر جوانی  
بساط خود را که مدام دود فتر بود در زیر ما شینسی  
پنهان میکرد. مردم دور تاگی ساری که چنبد  
دستفروش سوارش بودند طبقه زده بودند، یک مرد  
عینکی چاق دستفروشی را بطرف ماشین هل می-  
داد و به دوپاسان حاضر در آنجا میگفت "سیندازید  
تو"، داشتند دستفروش ها را میگریختند. -  
زحمتکشی با نیشخند زهر آگینی میگفت: "دارند  
سرما به دارها را میگیرند!" "شاگرد مکانیکی  
جواب داد "نه! دارند مزاحمین برادران سرخابه  
- دارا میگیرند"، "آخه این بیکارها جلو  
جره و مغازه تجار محترم را به منظره میکنند!"  
مردم با خنده از این صحبت ها استقبال میکردند  
مردک چاق دستفروشی را کشتن کشتن بطرف  
ماشین میبرد، دست فروش زحمتکش با طعنه  
گفت: "برادر! میخوای مرا سرکار بربری؟" این  
محنه ها مردم را به حرف در آورد:

"پس چرا از این سرما به دارهای بازار نمی-  
گیرند که خون ما را نوشیده میکنند" صدائی با سخ  
داد: "کفرنگو! آنها خمس و ذکوة خوبی  
میدهند!!"، رهگذری میگفت: "آخه، ما اینها  
هم زن وجه دارند، چه کار کنند؟، دزدی که نمی -

هشتی از طرف رئیس جمهوری برای بررسی به  
آن شهر برود که وعده ای تو خالی بیشتر نبوده و  
یکبار دیگر ساواکاری نمایندگان لیبرال،  
مبارزه معلمین را به انحراف میکشاند.

**خمین** - مسئولین دولتی ۱۶ تن از معلمین  
مبارز را به جرم آگاهی دادن به دانش آموزان  
در اوایل خرداد ماه اخراج میکنند. قابل توجه است  
که رژیم با پرونده سازی ساواک ما بانه ای در  
پرونده یکی از معلمین مبارز اعلامیه ای از بیکار  
راضی نموده و او را به فعالیت کمونیستی و  
آگاهگرانه "متهم" نموده است.

**اسدآباد** - در تاریخ ۵۹/۸/۸ معلمین  
اخراجی اسدآباد در پیدا دگانه با مطلع انقلاب  
فرهنگی رژیم ارتجاعی محاکمه شدند. **جرم آنها**  
**یکی** "آشنی زدن پرچم آمریکا" و دیگر فعالیت  
آگاهگرانه در میان دانش آموزان بوده است!  
باز هم بگویند رژیم ضد امیرالست است!

بقیه از صفحه ۲۷  
میکند دختر است یا پسر، زیباست یا...؟! انگشتان یاد!  
در روزنامه میزان مورخه ۶ آذر آمده بود  
که بعضی از قایمان لیبرالها "میزانی" برای  
با مطلع "حفظ و حراست اینگونه موجودات معصوم  
و مظلوم از آسیب های جنگی" پیش وزیر بهداشت و  
مکتبی جمهوری اسلامی میروند و او پس از مشورت  
با "کمیسیون مخصوص ایدئولوژیکی وزارتخانه"  
وحشت خود را از اینکه حتی یکی از کودکان به  
دست نیروهای انقلابی کمونیستی سفتند نشان  
میدهد و سرانجام اجازه نمی دهد که حتی کودک به  
این مراجعین تحویل گردد!

اگر توده های زحمتکش و کودکان نشان نمیرند  
در نظر وزرای مکتبی بهتر از این است که  
احتمالا نسیم انقلاب کمونیسم بر آنها بوزد  
سرما به داران و مرتجعین حق دارند اینچنین  
از انقلاب و کمونیسم بترسند. ■

### جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!

با فروش کمکهای جنسی به آوارگان، نتواند از این نمدم کلاه برای خود بردارد. از اینرو شوراها و آوارگان میتوانند ایجا دکمیتها را نمایه‌نگی در شهرهای مختلف، این کمکها را مستقیماً جمع آوری نماید. همچنین میتوانند با زکردن شماره حساب بانکی، کمکهای مردم را از این طریق تحویل بگیرند.

### ۵ - اختناق و خفقان، میان آوارگان افشا باید گردد!

تمرکز آوارگان در شرایط مکانی بسیار سخت و پرمشقت و معضلات گوناگون آنان، سبب شده که آوارگان بدرستی ناراضی و اعتراض خود را علیه رژیم حاکم ابراز نمایند. رژیمی که مسئول تمام بدبختیها و فلاکتها، توده‌هاست. توده‌های آواره‌آنجان از این رژیم و این جنگ ضد مردمی بسته شده اند. آنکه جرقه‌ای میتواند ندختم آنان را به انفجار رگاند. رژیم برای اینکه از حرکت در آمدن آوارگان و از فعالیت نیروهای کمونیستی و انقلابی جلوگیری نماید، عموماً خود را میان آوارگان فرستاده است. این عوامل سعی دارند با ارباب، سرکوب دستگیری، مدای توده‌ها را خفه کرده و نیروهای آگاه را سرکوب کنند. به این لحاظ وظیفه نیروهای آگاه است که در این مورد هوشیارانه لازم را بخرج داده و با سازماندهی هرچه منضبط تر فعالیت خود، توطئه‌های ارتجاع را خنثی نماید و در عین حال به اعتراضات توده‌ها علیه خفقان پلیسی دامن بزنند.

### ۶ - ستاد تبلیغاتی، میان آوارگان، ایجاد باید گردد!

شورای آوارگان باید با بدبختی‌های ستاد تبلیغاتی در میان ساير توده‌ها و همچنین در میان خود آوارگان، به افشای ماهیت جنگ و اعمال رژیم در مقابل آوارگان جنگی بپردازند و علل این آوارگی و ضرورت همبستگی میان آنان و سایر توده‌ها را توضیح دهند. در این شورا کمونیست‌ها می‌بایست هرچه بیشتر در جهت افشای رژیم و مجموعه جنایات او فعالیت کرده و توده‌های آواره را با روحیه‌ای مبارزه‌جویانه و انقلابی پرورش داده تا بدین طریق بتوان هرچه بیشتر دامن این جنبش را گسترده نمود. کمونیست‌ها باید با بردن آگاه‌های انقلابی میان آوارگان، مبارزات آنان را در زمینه‌های فوق بسوی یک مبارزه انقلابی جهت داده و این مبارزه را با مبارزات زحمتکشان علیه گران‌تلفیق کرده و بالاخره به سکوئی برای گسترش انقلاب تبدیل سازند.

★ ★ ★

داد. تبلیغ شماره‌ها در اماکن خالی و بی‌استفاده، اماکن لوکس مانند هتلها، اماکن سرمایه‌داران و... به منظور تأمین مسکن مناسب برای آوارگان، یکی از شعارهای مهم تبلیغاتی است. برای داشتن مسکن مناسب باید آوارگان را دعوت به برپایی اعتراضات گوناگون از قبیل تحصن، نظاهرات و... نمود. این مبارزه صرفاً از طریق مبارزه انقلابی اماکن نامبرده نبوده، بلکه با ایجا دفا در برابر آوارگان دولتی نیز میتواند صورت گیرد. لذا تبلیغ شعار همبستگی نمودن مسکن مناسب برای آوارگان، یکی دیگر از مهمترین شعارهای تبلیغاتی است که رفقا باید در میان آوارگان تبلیغ کرده و برای سه اجرا درآوردن آن، بکوشند.

### ۳ - هزینه زندگی، تا موقع بیکاری، برای آوارگان، پرداخت باید گردد!

آوارگان جنگی نه تنها خانه و کاشانه خود را از دست داده اند، بلکه کار و شغل خویش و نتیجتاً درآمد خویش را نیز از دست داده اند. به همین علت، آنها قادر به تأمین مخارج خویش نیستند و برای گذران زندگی از کمترین امکانات رفاهی برخوردارند. رژیم نیز در ستیاری از مواقع کمکهای جنسی مردم برای آوارگان را، به اینمان میفروشد. برای پرداخت هزینه زندگی از طرف رژیم به آوارگان، باید تبلیغات وسیع برآه انداخت. این حق آوارگان است که در این زمینه تا مین گردند و تنها زمانی که رژیم برای آنان شغل و کار تأمین کند، آوارگان خود هزینه زندگی خود را می‌پردازند. بنا بر این برای تأمین کار برای آوارگان و پرداخت هزینه زندگی در موقع بیکاری، بشدت باید تبلیغ نمود و جنبش اعتراضی آوارگان را با زهم گسترده تر ساخت و رژیم را به استیصال بیشتری کشاند.

### ۴ - کمکهای ارسالی، برای آوارگان، بصورت مستقیم، ارسال باید گردد!

باید ضمن توضیح ماهیت جنگ، علل آواره شدن جنگ زدگان و ضرورت همبستگی مردم مناطق که آوارگان بدجا کوچ کرده اند، از بهره‌برداران ارتجاع جهت جلب حمایت توده‌ها حتی المقدور جلوگیری کرد و مبارزات آوارگان را بصورت مستقل به پیش برد.

بنا بر این در عین حال که باید رژیم را از طریق افشاکاری مجبور نمود تا کمکهای ارسالی برای آوارگان بدون کم و کاست بدست آوارگان برسد، باید با تشویق توده‌های زحمتکش برای کمک بدجک زدگان، ستادی برپا نمود تا کمکها بصورت مستقیم بدست آوارگان برسد و رژیم

نقشه از صفحه ۱ رهنمود ...

به اینکار نشود و آوارگان حاضر نکشند "گوشت دم نوب" این رژیم بشوند و فریب داده‌های غیوش را بر علیه ارتجاع و جنگ بلند نمودند، تا حدی که رژیم محبوسه عقب نشینی و با مطلق "حمایت" از آوارگان جنگی شد. اما جنبش زحمتکشان آواره خوزستانی با او جگیری خود، رژیم را بیش از پیش و ناگزیر بر روی آنها قرار میدهد اما وظیفه کمونیست‌ها در این میان چیست؟ کمونیست‌ها می‌بایست با حمایت از این جنبش توده‌ای و با بسیج سازماندهی آن، در جهت گسترش انقلاب بکوشند. به تائیل جنبش آوارگان زحمتکش بسیار بالاست و فقر و فلاکتشان، حتی ممکن است آنها را به حرکت‌های شورشی بکشاند. از اینرو هدهایت و ارتقاء این جنبش امری بسیار مهم و ضروری است. در اینجا می‌کوشیم شعارهای تبلیغاتی برای آوارگان را که حول آن باید مبارزات آنان را سازمان داد، بطور مختصر با زکوک کنیم:

### ۱ - شوراها واقعی، میان آوارگان، ایجاد باید گردد!

سازماندهی و هدهایت مبارزات زحمتکشان آواره جنگ، تنها میتواند با یک تشکیلات واقعی و مترقی که در میان خودشان ایجاد شده باشد، امکان پذیر گردد. باید در تبلیغات بر روی این شعار تکیه نمود و ضرورت تشکیل آن را برای آوارگان جنگ زده توضیح داد. باید توضیح داد که آوارگان نمی‌توانند خواستهای خویش را از این رژیم بدست آورند مگر با مبارزه و نهمی - توانند این مبارزه را با موفقیت انجام دهند مگر با تشکیلات، تشکیلاتی که بتوانند وظایف کواکون مربوط به مسئله آوارگان را انجام دهد. تشکیلاتی که بتوانند آوارگان را سازمان دهد. روحیه انقلابی را در آنان گسترش داده و علل آوارگی و سبب رژیم نسبت به آن را توضیح دهد. تشکیلاتی که بتوانند رابطه بین آوارگان متفرق بوجود آورد و از این طریق مبارزه آوارگان هر منطقه را به منطقه دیگر متصل نموده و با تشکیل "شوراهای سراسری آوارگان جنگ"، قدرت و اتحاد و همبستگی خود را افزایش دهد. از اینرو تبلیغ ضرورت ایجا دشوراهای آوارگان و تلاش برای ایجا دآن یکی از وظایف بسیار مهم و فکاسته

### ۲ - مسکن برای آوارگان، تأمین باید گردد!

آوارگان جنگی خانه و زندگی خود را از دست داده اند و عموماً در جا درها و در شرایط بسیار سخت زندگی میکنند. با فرارسیدن فصل زمستان، زندگی در این جا درها به مراتب سخت تر شده و ناراضی در میان آوارگان را گسترش خواهد

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

## بقیه از صفحه ۲۸ تخصص ۴۰۰

حزب جمهوری بخاطر تعلق به یک جناح بورژوازی غالب و خرده بورژوازی مرعنه ستی، علیرغم تمام تلاشی که در برکات رگبری متخصصین برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته دارد، اما نتایج آن هادین سکا رگبری، موجب تضعیف او در حاکمیت شود. او فریاد میزند که منم بسیار چیز خوبی است. منتها اول مکتب بعد تخصص. و با بقول هادی غفاری (ایس ایمان) "است که حاکم است بر تخصص" (کیهان ۳ شنبه ۴ آذر) و چون حزب خود را مظهر ایمان میدانند حکومت را مستمعین شوربیزه میکنند و میخواهد از لیبرالها از تخصص امیرالایستی استفاده کند، اما خودش در حکومت بماند. او وظیفه جعلی مذاخه است. یا ایس برادرش بگریزید امیرالایستی، میخواهد سیستم سرمایه داری وابسته بازسازی شود، بدون آنکه قدرت او در حاکمیت ضربه ببیند و البته قدرت بیشتری را نیز با سرمایه کف آورد. حزب می-خواهد "مکتبیها" تکلیفشان را منافع امیرالایست با شنیده "متخصصین" چرا که سودا بین "نگهبانی" را میخواهد بخود اختصاص دهد.

## ثانیاً - لیبرالها و تخصص شان!

لیبرالها نیز در بی سخنان نشان در دفاع از "تخصص"، "علم" و... کوشش برای کسب هر چه بیشتر قدرت نهفته است.

۱- لیبرالها در بازسازی سرمایه داری وابسته، "متخصص" تراز "حزبیهها" هستند. سیاستها و پروتا مه ها نشان در این زمینه متضمانه تراست تکنوکراتها و متخصصین نیز در پشت سر لیبرالها هستند. بدین ترتیب دعوی بر سر تخصص، برای این است که لیبرالها، قدرت بیشتری را در حکومت به کف آورند. آنها همواره به بی دانتی و حماقت - های جناح رقیب اشاره میکنند. انقلاب اسلامی برای مسخره کردن جناح رقیب، اعلامیه "بیدارگاه انقلاب" خرم آباد را چاپ میکنند که سر و تا ش معلوم نیست و پرا ز غلط افلائی و انشائی است و بیسواد دی جناح رقیب را معیاری برای حقا نیت بخشیدن به خود میکند. آنها نقطه ضعف جناح رقیب را که "ندانم کاری" است را بر رخ می - کشند و میخواهند بگویند، این ما لیبرالها - هستیم که با بد حکومت کنیم، شما بلد نیستید خوبی سیستم را بازسازی کنید و کارها را خراب میکنند لیبرالها حمله جناح مقابل به تخصص را در خط آمریکا میدانند. یعنی صدر در کارنا مه رئیس جمهوری مینویسد:

"آنها ش که علم ندارند و از ارزش علم خیر ندارند و چون علم ندارند علم و تخصص را تخطئه میکنند، کسانی هستند که آگاهانه با نا آگاهان در خط سلطه قدرتهای حاکم بر این جهانند. چرا که ما همان تخصص و علم را که سرمایه بزرگ موجودیت کشور ما و پیشرفت کشورند با بیجا دعوی اجتماعی خطرناک می - گریزانند." (انقلاب اسلامی ۲ آذر).

لیبرالها میکنند چون تنها ما میتوانیم

کشور را بخوبی اداره کنیم، چون علم و تخصصی داریم، هر کس با "متخصصین" حرفه کند، آمریکائی است. و "حزب" هم نمیکوید طرفداران تخصص آمریکائی هستند. (ما کمونیستها میگوئیم - دعوی لازم نیست هر دو ش شما علیرغم اختلاف در شیوه ها، در حفظ منافع امیرالایست هم هستید!) جان کلام لیبرالها این است. حکومت را بد ما واگذارند. ما میدانیم چگونه انقلاب را سرکوب کنیم و چگونه سیستم را بخوبی بازسازی کنیم.

۲ - دعوی تخصص یک بعد دیگر نیز زدارد. لیبرالها معنی دند که متخصص اموزیایستی - افمنادی - فرهنگی و نظامی هستند و روحا نیست طرفدار حزب منظم اموزیایستی. پس بهتر است هر کس کار خود را انجام دهد. سردی میگوید:

"اسلام دقیقاً به تخصص اعتقاد دارد. وقتی هم میگوئیم تخصص صرفاً در مسائل فنی نیست بلکه به این معناست که اگر من متخصص علوم اسلامی نیستم حتی اظهار نظر نباید داشته باشم... همه نظوری که شما میدانید در زمینه مسائل اسلامی دقیقاً گریزخواهید حکم شرعی را در یک مورد پیدا کنید یا بدیهه منحصی که علمای اسلامی هستند، رجوع نکنیم." (کیهان ۴ آذر).

بدین ترتیب لیبرالها که می بینند بخش اعظم روحا نیت، طرفدار جناح بورژوازی حزب جمهوری اسلامی است، میگویند او را به حرحه های حوزه علمیه برگردانند، تا مشغول تخصصان باشد و کارهای دیگر را به بزیدها و قطب زاده ها و بنی - مدرها و... بسپارند. (ما کمونیستها البته خواهم گفت، هر دو بتان به کار را زحمتکشان به پیش!)

۳ - دعوی تخصص یا مکتب یک جنبه دیگر نیز دارد و آن این است که با رجحان بخشیدن به تخصص لیبرالها میتوانند، روابط حسنه تری با "ما در متخصصین از نظر لیبرالها" یعنی امیرالایست - لیست برقرار کنند. لیبرالها با تعاریف "امیرالایست بندی"، وابستگی را آنجنگسان تعریف میکنند که بتوان بهترین روابط را با امیرالایست برای امکان "مدور تخصص ها" یعنی سرمایه گذارهای امیرالایستی برقرار سازند منصور فرهنگ یکی از شوربیزه های "انقلاب اسلامی" می نویسد:

"سباید" وابستگی "یک کشور را با نیاز سه دنیای خارج یکسان تلقی نمود. در جهان معاصر هیچ کشوری نیست که به خارج از مرزهاش محتاج نباشد... "وابستگی" ارتباطی به سرمایه گذاری یک کشور در کشور دیگر ندارد... سباین میتوان گفت که "وابستگی" در اصل یک رابطه قدرتی است." (انقلاب اسلامی - ۴ آذر)

بدین ترتیب دم خروس تخصص عربان منبود وابستگی ربطی به سرمایه گذارهای امیرالایست نیست و نیاز کشورهای تحت سلطه به امیرالایست (که از طریق استغرا رسما به داری وابسته الزامی شده است) ندارد. وابستگی یک رابطه

قدرتی است. بدین ترتیب امیرالایست سرمایه ستی است نه اجتماعی. پس چون بهترین تخصص ها در کشورهای امیرالایستی است، پس باید بهترین روابط میان امیرالایست و متخصص های ایرانی یعنی لیبرالها وجود داشته باشد. اما فاسد است که چون حکومت ایران وابسته نیست! جمع اسکانی ندارد که میباید از آنها ترسان امیرالایست در ایران سرمایه گذاری کند! شما دشمنان سرمایه داری وابسته ایران! امیرالایست سرمایه داری وابسته با شد، اینکه وابستگی نیست! دعوی تخصص امیرالایست را ترا میگوئیم و آرزوی سرمایه داران ایران را که بازسازی کامل سرمایه داری وابسته است بر می آوریم.

این است واقعت تریا درنده با تخصص لیبرالها! آنها در بی شمارهای علم و تخصص می-خواهد روابط خود را با امیرالایست توجیه کنند چرا که چنین کوششی البته بقول آقای فرهنگ "وابستگی" نمی آورد. حال اگر سرمایه گذارهای امیرالایستی در ایران وابستگی نیست. پس چیست؟ لیبرالها به پای نسیان می سپارندش!

## کمونیستها و

## "مکتب" حزب و تخصص لیبرالها

کمونیستها معتقدند این واژه ها کوششی برای بیوشان دادن جدالهای میان دو جناح ارتجاعی حکومت است. هر دو خواهان سرکوب انقلابند (با شیوه های مختلف، آزاد حیواهی نمائی دروغین لیبرالها که برخی نیروها چون سجاد هدین را نیز فریفته است، نمیتوانند جدا بتهایشان را در کردستان، ترکمن صحرا و سایر ایران بیوشانند). هر دو خواهان بازسازی کامل سرمایه داری وابسته اند. (نمایشهای دروغین صدا میرسا - لیستی حزبیهها، نمیتوانند دفاع همه جا نند آنها را از سرمایه داری وابسته و حفظ و حراست منافع امیرالایست ببینانند. دعوی دو طرف فقط بر سر شیوه های مختلف این بازسازی است، نه آنطور که نیروهای ناپیکر جنبش کمونیستی چون رزندگان و راه گارگری می پندارند و در نتیجه سوی رویزونیستهای فدائی (اکثریت) کشیده میشوند. بدین ترتیب ما نه خواهان حکومت "مکتبی ها" هستیم و نه حکومت "تخصص ها" را در هر دو حالت امیرالایست به غارت و استثمار زحمتکشان ما می بردارند و زحمتکشان ما را کشتار و سرکوب میکنند. ما خواهان حکومت زحمتکشان هستیم ما میخواهیم سرمایه داری را و همینطور با سد آران را به نیروی توده ها درهم بکوبیم و این راه گرا ز مردم بینان نمی کنیم یا بدیهه توده ها بگوئیم که چه حکومتی بسود زحمتکشان است. اما در آن حکومت زحمتکشان، ما چه اعتقادی داریم، چه اصلی حاکم است. "مکتب" یا "تخصص"؟

در این زمینه باید بگوئیم که برای امیرالایست "مکتب" مطرح است و در درجه اول هم مطرح است. اما کدام "مکتب"؟ اگر "مکتب" حزب جمهوری عقب گرا و در جهت منافع استثمارگران است، باید شولوزی ما کمونیست

کمکهای مالی دریافت شده

تهران	۷۷۰۰	ش	۲۹۰۰	ع	۴۵۰۰
الف	۷۰۰۰	ط	۱۲۰۶۰	م	۱۲۰۶۰
ب	۴۵۰۰	ف	۳۰۰۰	ع-س	۵۶۰۰
ج	۴۵۰۰	ز	۱۳۷۷۰	م-م	۲۹۰۰
د	۳۵۰۰	س	۱۵۰۰۰	م	۵۵۰۰
هـ	۲۵۰۰	ن	۶۰۰۰	آفاجاری:	۱۶۰۰۰
و	۱۰۱۰۰	ی	۹۴۰۰	پ	۱۲۷۰۰
ز	۱۰۱۰۰	ق	۶۹۰۰	ع-س	۱۳۰۰۰
ح	۱۰۵۰۰	ص	۷۵۰۰	ع	۳۶۰۰
ط	۱۰۵۰۰	س	۷۰۰۰	ج	۳۲۰۰۰
ی	۵۸۰۰	ف	۱۶۱۰۰	ج	۱۶۱۰۰
ک	۸۳۰۰	ب	۵۹۲۰	بوشهر:	۶۰۰۰
ل	۲۰۰۰	ت	۲۸۲۰	ع	۶۰۰۰
م	۱۳۰۰	ث	۷۱۰۰	ع	۶۰۰۰
ن	۶۰۰۰	ج	۸۵۰۰	ک	۶۰۰۰
ی	۶۰۰۰	د	۷۸۰۰	م	۶۰۰۰
ح	۶۰۰۰	ر	۷۹۰۰	م	۶۹۲۰
ط	۵۲۴۷۰	ز	۴۳۰۰	م	۲۰۰۰
ی	۱۷۰۰	س	۳۳۰۰۰	ح-ا	۶۹۰۰
ب	۱۲۵۰	ن	۲۰۰۰	بوشهر:	۴۳۰۰
ج	۱۵۱۱۰۰	ی	۷۵۰۰	ش-م	۵۰۰۰
د	۲۲۳۰	ق	۲۳۰۰۰	را-م	۱۰۰۰۰
هـ	۱۱۹۹۰	ص	۱۱۵۰	ل-ب	۵۰۰۰
و	۷۳۹۰	س	۱۴۰۰۰	رفقای	۵۰۰۰
ز	۵۷۰۰	ت	۶۷۰۰	شهریه تان رسید	۱۰۰۰
ح	۱۲۲۰۰	ث	۵۷۰۰	سقز:	۱۰۰۰
ط	۶۹۰۰	ج	۱۱۵۲۰	رفیق و کارگر	۱۰۰۰
ی	۶۹۰۰	د	۱۵۰۰	هواداران جنبش مقاومت	۲۵۰۰
ح	۱۲۸۰۰	ر	۶۳۰۰	رفیق مادر	۱۵۰۰
ط	۱۲۹۰۰	ز	۲۶۰۰	رفیق کارگر	۳۰۰
ی	۶۹۰۰	س	۱۸۴۲۰	رفیق طبیب هدیه بسیار ارزنده ات رسید	۳۶۰۰
ب	۷۹۰۰	ن	۱۴۰۰۰	زنگان:	۱۲۷۷۰
ج	۷۰۰۰	ی	۱۰۸۰۰	ت-ق	۱۰۰۰
د	۷۲۰۰	ق	۱۴۰۰۰	ع-ک	۱۰۰۰
هـ	۷۲۰۰	ص	۱۰۸۰۰	رفقای دانش آموز	۵۲۰۰۰
و	۷۶۰۰	س	۱۲۳۰۰	رفیق ش-خانه دار اسکله طلای شما رسید	۵۰۰
ز	۷۶۰۰	ت	۲۷۰۰	اصفهان:	۵۰۰
ح	۸۱۰۰	ث	۱۱۰۰۰	رفیق مادر	۳۴۵۰۰
ط	۱۱۰۰۰	ج	۱۱۰۰۰	رفیق هوادار	۳۵۰۰

تهران: الف-الف ۱۱۸۰۰ ک-م ۶۷۰۰ ش و مادر ۶۵۰۰ ک-س ۷۱۰۰ ف-ب ۱۰۴۰۰ م-معلم ۶۰۰۰ ک-م ۴۰۰۰ م-ز ۱۰۲۰۰ ه-ه ۵۰۰۰ ریال ن-ش ۷۰۰۰۰ " ۳-م ۳۰۰۰ " س-ف ۲۰۰۰ " ع-ن ۱۵۰۰ " ب-آرام ۵۰۰ دلار ب-ب کارگر کشاف ۲۰۰۰ ریال علی مرزگار ۱۰۰۰ " دانش آموزی جنوب ۵۰۰ " محلات شرق ۱۴۰۰۰ " محلات شرق ۱۴۰۰۰ " کارگردا روساز ۵۰۰ " رفیق رخی ۲۰۰۰ " کمیته تهران ۱۵۰۰۰۰ " ها بده و فرشته برای بیشترگان ۱۲۰۰۰ ریال رفقا الف- ۵۰ و ن- ۱۷۰۰۰ ریال رفیق ف- ۱۲۰۰ هدیه ات رسید رفقای د- د غرب هدیه تان رسید

رفیق مادر ۱۰۰۰۰ ریال و لباسها دریافت شد. رفیق موشی ۲۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید. رفقای هسته کارگری سنگ ۲۰۰۰۰ ریال همراه با نامه رفیقانه تان دریافت شد به امید پیروزی و آزادی طبقه کارگر. رفیق ع- ۵ اطلاعات بیشتری را برای ما بنویس.

تبریز: ر- کارمند ۳۰۰۰ ریال مادر پیرا کبر ۳۰۰۰ الف کارگر ترکتور سازی ۳۰۰۰ ریال کارگر لوله کش ۱۰۰۰ " ر- ص (با طریساز) ۲۹۰۰ " ر- ح (با طریساز) ۹۰۰۰ " " الف صفاکار ماشین ۸۰۰ " راننده تاکسی بار ۱۲۷۰۰ " رفقای دانش آموز ۱۳۰۰۰ " " " ۳۶۰۰ " ر- ناهید (دانش آموز) ۵۰۰۰ " اراک: ج- الف ۷۰۰ ریال ر- ع-م ۱۱۰۰ " رفیق مادر ۱۵۰۰ " رفیق ع مادر ۱۵۰۰ " رفیق معلم ۵۰۰ " رفقای کارگر ۳۰۰۰ " م- دانش آموز ۱۰۰۰ " ناهید ۵۰۰ " تامی ۲۱۰۰ " بوشهر: ب- ج ۵۰۰ ریال ش-م ۵۰۰۰ " ر-م ۱۰۰۰۰ " ع-م (کارگر) ۵۰۰۰ " ل-ب ۵۰۰۰ " رفقای بوشهر هدیه تان رسید

سقز: رفیق و کارگر ۱۰۰۰ ریال هواداران جنبش مقاومت ۲۵۰۰ ریال رفیق مادر جمال برای بیشترگان سازمان ۵۰۰۰ ریال میندوآب: ع-د ۱۵۰۰ ریال د- برفکار ۱۰۰۰ " دورفیک کارگر خنما ۳۰۰ ریال رفیق طبیب هدیه بسیار ارزنده ات رسید. زنگان: ت-ق ۱۲۷۷۰ ریال ع-ک کارمند ۱۰۰۰ " رفقای دانش آموز ۵۲۰۰۰ " رفیق ش-خانه دار اسکله طلای شما رسید. اصفهان: رفیق مادر ۵۰۰ ریال رفیق هوادار ۳۴۵۰۰ " " ۳۵۰۰ " آفاجاری: رفیق کارگر ۱۰۰۰ ریال رفیق دانش آموز ۱۰۰۰ " رامهرمز: پ ۲۱۲۰۰ رفقای هوادار ۱۰۰۰۰ ریال فیروزآباد: الف-ب ۵۰۰ ریال رفقای هوادار ۱۰۰۰۰۰ ریال شهرکرد: بیژن ۲۰۰۰ ریال رفیق برای کومه ۱۰۰۰۰ " کمکهای مالی رفقای خارج کشور به دلار: خ ۱۷۷۰-۲۰۵۵ م ۶۸۰۰ W-SU-۱۲۹۰ " رفقای هوادار در سمینار واشنگتن ۲۶۲۳ دلار شما رسید. رفیق هوادار در کلاهما ۱۲۴ دلار کمک مالی ات رسید

رفیق م- ۲۳۰۰ مبلغ ۱۴۰۰۰۰ ریال کمک مالی برای کومه دریافت شد. مبلغ مذکور به رفقای کومه تحویل داده خواهد شد.

بقیه از صفحه ۲۳: تخصص

است. ما به مارکسیسم-لنینیسم اعتقاد داریم و این ایدئولوژی مترقی ترین و انقلابی ترین ایدئولوژی عصر ما است. تنها این ایدئولوژی است که برای کارگران و خلفای آزادی واقعی بدست میآورد. تنها این ایدئولوژی است که دشمن سرخست و آشتی ناپذیر استعمارگران و مستعمران است. این ایدئولوژی، ایدئولوژی طبقه کارگر است و راهنمای مبارزه طبقاتی تا استقرار جامعه کمونیستی میباشد. علاوه بر این معتقدیم آن اصلی که بیش برنده و تکامل بخش تاریخ است، مبارزه طبقاتی است. رویزونیستها معتقدند که اصل تکامل نیروهای مولده یعنی تا کیدرکجا نبه بر اقتصاد، اصل اساسی حکومت زحمتکشان است. گرچه کمونیستها با تلائمی فوق العاده و عظیم یک اقتصاد دستمختمکنی به توده ها ایجاد میکنند و با خودکفائی جامعه را متکی به با زوان نیرومند کارگران و زحمتکشان با رمیا ورنند. اما همواره این پیشرفت اقتصادی و انقلاب فنی و تولیدی تحت الشعاع منافع تاریخی کارگران و زحمتکشان قرار دارد. اصل مهمترین بودی طبقات استمگرو سرما به ادا راست. حکومت زحمتکشان هرگز حکومت متخصصین و تکنو-کراتهای بورژوا نخواهد بود. حکومت زحمتکشان در عین تاکید بر برتری عظیم تکنیک، تخصص و فن سرما به داری جدید را قالب سیردن حکومت به متخصصین بورژوا که حتی لباس مارکسیسم را نیز بخود پوشانده اند، احیا نخواهد کرد. این همان جنابیتی است که در چین، شوروی و همه کشورهای رویزونیستی و سوسیال امپریالیستی که در آن سرمایه داری احیا کرده است انجام گرفته است. همواره در حکومت زحمتکشان، کارگران در قالب حزب کمونیست حکومت خواهد کرد. در طبقات را بطور کامل تا بردا زند. آنها تخصص را بسود خویش بکار خواهد گرفت. آنها علم و دانش بشری را در جهت اهداف کارگران مورد استفاده قرار خواهد داد. در چند قرن حکومت سرما به داری خط سلطان خواهد کشید که همواره از علم، تکنیک و تخصص برای سرکوب و استعمار زحمتکشان بسود جسته است. کمونیستها به حاکمیت طبقات معتقدند و در حکومت کارگران همه چیز را در خدمت منافع تاریخی - طبقاتی آنان قرار خواهند داد. ما نند بورژوازی رسوای کنونی که مدعی سوازی قدرتش یعنی حاکمیت طبقاتی اش را عوام فریبانه در بی الفاظ مکتب با تخصص بیوشانه

آبادان - بیک آواره جنگ ۱۰۰۰ ریال اردبیل - ب-ت ۵۰۰ " سورجود - مرصه خانه دار ۵۰۰ " بندر عباس - رفیق م- ع- ۱۱ - ۲۵۰۰۰ ریال همراه با نامه صمیمانه ات رسید. شیراز - رفقای دانش آموز ۱۳۰۰۰ ریال شهری - الف. ک (دانش آموز) ۵۰۰ " کازرون - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰ " مشهد - ه-د-د ۱۰۰ " ورامین - رفیق کشاورز - الف ۱۰۰۰ " نظرآباد - رفقای هوادار ۲۰۰۰۰ " یزد - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰۰ " کرج - مادر رط ۲۰۰ " بدون کد ۵۰۰



### دانشجویان کمونیست و انقلابی، تشبثات باندهای مزدور بختیار و اویسی را در خارج از کشور درهم می شکنند!

مدتی است که دارنده های ارتجاعی و مزدور امپریالیسم نظیر باندهای اویسی، بلیزبان، بختیار و... با استفاده از امکاناتی که امپریالیستهای غربی در اختیار آنان می گذارند فعلاً تر شده اند. آنان میکوشند با فریبکاری توده های ناآگاه را که در اثر سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی از این رژیم میبرند به خود جذب نمایند. این باندهای مزدور برای نیل به هدفهای ضد انقلابی خویش پس از مدتها فعالیت مخفی، دست به فعالیتهای علنی زده اند و در کشورهای مختلف اقدام به تشکیل جلسه و پراکنش تظاهرات می نمایند. آنان غافل از این هستند که دانشجویان مبارز ایرانی، این صدای رسای خلقهای انقلابی مادر خارج از کشور، پاسخی دندان شکن برای توطئه ها و دسیسه های آنان تدارک دیده اند. فرزندان راستین خلق در کشورهای اروپایی و آمریکایی با پشتوانه غنی مبارزه که از رودر روشی دانشجویان انقلابی با رژیم شاه جلا و امپریالیسم جهانی کسب کرده اند، هرگاه که این عناوین فرودخته در زیر لوای "مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی به توطئه علیه خلقهای زحمتکش دست زده اند، قاطعانه فعالیتهای خائضانه آنها را درهم شکسته اند. در آمریکا دانشجویان کمونیست انقلابی در مقابل تظاهرات عوامی سرسپرده امپریالیسم، خشم انقلابی خلق را به نمایش گزارده اند و پلیس فاشیستی آمریکا به حمایت از مزدوران خود به ضرب و شتم دانشجویان مبارز و انقلابی پرداخت.

در هامبورگ، نیز تشبثات این باندهای مرتجع برای فروش نشریات خویش در محیط دانشگاهها به برخورد مبارزهجویانه رفقای عضو اتحادیه دانشجویان ایرانی (هوادار سازمان ما) و دیگر سازمانهای دانشجویی مترقی مواجه گشت.

در برلین غربی، همزمان با "تاجگذاری" "ولیعهد" تاکام، باندهای مزدور سلطنت طلبان فراری با عنوان "جبهه ناسیونالیستهای ایرانی مقیم برلین غربی" با شعار ارتجاعی "جنبش مبارزان (!) و پشیمانان ایران (!) در مدار جا ذب قانون اساسی مشروطه سلطنتی" برای شرکت در تظاهراتی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی درین، ایرانیان این شهر را بیک "مجمع عمومی دعوت میکنند.

در همین روز جلسه مشترک کمیته هماهنگی سازمانهای دانشجویان مبارز ایرانی (مشکل از دانشجویان هوادار سازمان پیکار و جنبش سازمان دیگر) در مورد جنگ ایران و عراق تشکیل گردید که در آغاز جلسه دانشجویان مبارز و انقلابی تصمیم گرفتند متحدانه به درهم شکستن جلسه باندهای مزدور و فراری اقدام نمایند. دانشجویان انقلابی

مقیم برلین قاطعانه تجمع این فریبکاران مرتجع را برهم زدند که منجر به زد و خورد و دخالت پلیس گردید: مزدوران که از تشبثات انقلابی دانشجویان مبارز گنج شده بودند برای گرفتن انتقام تماوت خود را (که از دوران شکنجه انقلابیون در زمان شاه با غدا شدند) به نمایش گزارده و اقدام به زیر گرفتن یکی از رفقا بوسیله اتومبیل کردند که با هشجاری و مقاومت فرزندان انقلابی خلق درهم شکست. پلیس برلین با محاصره محل و بستن خیابانهای اطراف ۴ دانشجویی انقلابی و ۲ مزدور بناهای "سید حسن خراسانی" و "منصور حسین خانی" را دستگیر کرد که رفقای دانشجویی و زوربوسعد از آشدند و مزدور فوق بعلت شروع به قتل و ضرب و جرح زندانی شدند. در این فعالیت مبارزهجویانه هواداران سازمان مجاهدین خلق نیز متحدان نیروهای کمونیست فعالانه شرکت داشتند.

نکته جالب توجه این جریان شرکت افراد حزب توده در این "مجمع" ارتجاعی و وابسته با امپریالیسم و انتخاب یکی از اعضای شناخته شده شان بعنوان یکی از نفر مسئولین مجمع فاشیستی سلطنت طلب میباشد. حزب توده هنوز همسکاریش را با ساواکیهای مزدور (در آنجا که ممکن و میسر باشد) از دست نداد و است به حفظ "اصول" ارتجاعی اش کما ملا وفادار مانده است (۳)

نکته مهم دیگر عدم شرکت و وابستگی بهتر خلقان گرفتن هواداران رژیم جمهوری اسلامی (دانشجویان انجمنهای اسلامی هوادار "قدس" و طرفداران "حزب جمهوری اسلامی" بود. این مرتجعین که همیشه برای خرابکاری در فعالیت -

های دانشجویان انقلابی حاضر و آماده هستند، بز دلانه در مقابل مزدوران ساواک و باندهای وابسته با امپریالیسم سکوت پیشه کرده و به سوراخهای خود خزیده بودند (همان راهی که در مقابل خلقان و فاشیسم آریا مهری برگزیده بودند). سفاکانه ها و کنسولگریهای رژیم نیز مهر سکوت بر لب زده و عملاً به تشبثات این فعالیتها می پردازند و در این حالت طبیعی است که روزی نامه های رژیم جمهوری اسلامی که با "نما خواندن" فالانژها در مقابل کاخ سفید صفحه ها سیاه میکنند و ساحتها خرابتر از ارباب تلویزیون بخش مینمایند در مقابل دانشجویان انقلابی سکوت اختیار نمایند. در تظاهرات "سلطنت طلبان" مرتجع در سن (روزیکشنه ۱۱ آبان ماه) رفقای هوادار ما با تفاق و نیروهای مترقی دیگر با تظاهرات ۷۰ نفره خود بصاف ضد انقلابیون فراری شتافتند و پلیس جمع کمتر از صد نفر مزدوران بختیاری را در میان خود گرفت و ۱۲ نفر از دانشجویان مبارز را دستگیر نمود. با آغاز درگیری جمع مزدوران ترسو از هم پاشیدند و آنها مجبور به ترک محل شدند. پلیس در مقابل تحمیل چند ساعته دانشجویان مبارز و انقلابی در ساعت ده شب مجبور به آزادی رفقا شدند.

### رفقا! دانشجویان کمونیست، انقلابی و مبارزان خارج از کشور

اینک که بخاطر شرایط موجود در داخل کشور سلطنت طلبان مرتجع و باندهای وابسته با امپریالیسم میکوشند در کشورهای غربی به جولان بپردازند و توطئه انقلابی شماست که به موازات مبارزه بیگرو قاطع علیه رژیم جمهوری اسلامی و افشای جنایات آن در میان افکار عمومی جهان، در هر کجا که باندهای مزدور دست به عملی زدند، بهمانها، نمایندگان انقلابی خلقهای ایران بساط آنها را بر سرشان خراب کرده و میثاق خود را با زحمتکشان میهن محکمتر سازید.

(۳) - دارنده مرتجع "حزب توده" وقتی اساسی عده ای از اعضا و هواداران نشان بعنوان عضو ساواک افشا شد در اطلاعیه ای در مرداد ۵۸ (برلین غربی) اعلام نمودند که "رفیق قیروز شیخ زاده (فروشنده کتابهای حزب توده در برلین غربی) طی مدت کوتاهی به دستور "حزب" با تظاهرات همکار با ساواک سعی کرده اطلاعاتی بیامون نحوه نفوذ این دستگاه سفاک در سازمانهای ضد رژیم دست و پا با استفاده از آنها سازمان "مخفی" حزب آسپب نابذیر گردد! لاسد امروز خواهند گفت که حزب توده می خواهد با "تفوق" در جریان ضد خلقی سلطنت طلبان از کم و کیف کارشان مطلع شود. شاید هم آنها هنوز نفوذ خود را در "حزب توده" همچنان حفظ کرده اند! اطلاعیه حزب خاشن توده که در این صفحه آمده بیکبار دیگر چهره فریبکاران را نور متحانه روی میز نیستیهای حزب توده را بر ملا میسازد. جزئیاتی که ساواکیها و سلطنت طلبان بسیاری را در خود جای داده است.

انقلابی  
در جلسه ای با نام لیست انقلابی و اعضای آن در تهران از خبر جهان بزرگوارانه در خان از کشور از انتشارات کتبخانه که چند روز پیش در آنجا مینشرده نام چند تن از اعضای کون و سابق هواداران حزب توده ایران نیز آمده است.

وانده حزب توده ایران در برلین غربی، مضاف دستور مرکز حزب در ایران عبارتست از: تعیین راه اعلام گشت:

رفیق میرزا فتح راده من "تاجگذاری" با اطلاع و دستور حزب با توطئه است با تظاهر به تبادل به همکاری با ساواک اطلاعاتی بپردازد. این دستگاه ماسکار در سازمانهای فاسد رژیم دست آورد تا استفاده از آنها سازمان مخفی جنبش آسپب نابذیر گردد.

رفیق حواله دستور به موازات سازمانها از حزب توده تکلیف کرده و دستور حزب را می برود همکاری با رفقا اجرا کرده است.

فاز او خالی از از هنگام سلطنت شدن میباشند در چند سال پیش حزب نیز نظر داشته و به منظور در ایران به تأسیس سازمانها در ایران در راه مبارزه با رژیم توده بوده است. باید یاد آور شد که اطلاعاتی به انگلیس همکاری او با ساواک از چند سال پیش حزب رسیده و حزب با توطئه کردن در سفر از امور سازمانها استفاده را در عمل آورده.

در مورد سایر تشبثات در ارتباط با حزب نشان در لیست آمده مرکز حزب در ایران بشمول رسیده که میبایست:

انتظار میبرود شده در لیست خبر محمود حسینی، ناصر ماری، بهمناله حدادی، داغ - حضرت اله میباشند و حسین مرتضی و محمد طامس از اساتید پیشاز حزب توده ایران بوده اند و هیچگونه ارتباطی با حزب ندارند.

کسانی هم هستند مانند محمد کران شمیرانی که نامور حسینی در حزب توده ایران بوده اند و لیستی حزب آنها حسینی است.

در این لیست به نام کسانی که هواداران از خطا حزب توده ایران فاش شده اند است. بعضی از افراد در حزب سازمانهای حزب با این انتقام ابرار به دربار، جوان کاشفان برای محسوس علی حسینی.

واحد حزب توده ایران - ایسبران در برلین غربی  
آبهره ۱۳۸۸

# هنرمقاومت هنرپرولتری



با دآورد: "از این نمونه های خشن که یک جانی  
ویک دردشیر و به یک بورژوازی خوب تبدیل  
میشود در ادبیات بورژوازی فراوان است  
بورژوازی و زرتنگی دزد و حیلگری جانی را مثل  
نا فلاحی کارگاه، با نوق و ذوق میساید، امروزه  
رمانهای پلیسی هنوز بهترین غذای روحی  
مردم سیرا رویاست. این ادبیات راه خود را در  
صف کارگران نیمه گرسنه نیز باز کرده و... پس  
ادبیات تمایلی نسبت به افراد زلز زرتنگ  
بوجود می آورد." ادبیات از نظر گورکی

اینست تفاوت ۱۸۰ درجه نظرات مارکسیستی  
و رویزیونیستی در زمینه هنر، هنری که حـسـب  
توده خائن و بعد رویزیونیستها مبلغ آئند هنری  
که آقای طبری آنرا آموزش میدهد، هنری است  
که هیچ نشانی از آموزشهای لنینی در آن یافت  
نمیشود. لنین خود مینویسد:

"هنر بطور خاص با بدرو حیه نبرد طبقاتی،  
با تلاشهای پرولتاریا برای دستیابی موفقیت  
آمیز به هدفهای دیکتاتوریش در هم آمیخته شود"  
(در سارافرنک پرولتری)

واجان طبری رویزیونیست میگوید لازم  
نیست به خودمان درد سربدهید با روحیه فاسد  
بورژوازی و مطابق همین روحیه برای کارگران  
داستان بنویسید، داستانهای نظیر رمانهای  
پلیسی شلویک هلمز!

آری، آنان به موازین مارکسیستی -  
لنینیستی به عنوان تعصبات و دگمهای خشک  
مینگردند و اساسی ترین اصول هنر انقلابی  
بشت پا میزنند. هنری که میساید بازاری برای  
انتقال آگاهی و حقایق و جزئی حدانندی از  
مبارزه طبقاتی توده های رحمتکن با شد و در راه  
هدفهای دیکتاتوریشان به آنان باری رساند  
اما احسان طبری به زبان دیگری حرف میزند.  
اونه تنها خواستار انتقال آگاهی ها و حقایق  
مارکسیستی به توده های بسا خاسته نیست و نمی-  
تواند با تبدیلگری برعکس، بطور عربان میگوید:  
"دشواری کار اینجاست که داستان نویسی در  
حقیقت نوعی دروغگویی است ولی باید سعی  
کرد به جهت یک "دروغ زیبا را تحویل داد."  
آقای طبری بعنوان شاهد برای اثبات  
حرفش شعری ارتجاعی مثال میزند که:

"در شعر میباید و در فن او  
چون اکذب اوست احسان او"  
ملاحظه میکنید که تفکر ارتجاعی به عربان ترین  
شکل، خود را به نمایش میکشاند. سالهاست که  
رئالیسم سوسیالیستی در واقعیات زندگی جاری  
میکردد و دروازه های فردی روشن را به روی خواننده  
میگشاید. سالهاست که رئالیسم سوسیالیستی در  
برابر هنر نیست و منحن بورژوازی استاده و  
فرا د حقیقت خواهی طبقه کارگر را سردا داده است  
و اکنون ببینید که این رویزیونیستهای خائن

به این ترتیب طبری رویزیونیست رمان  
انقلابی را با رمان پلیسی و جنایی در یک ردیف  
قرار میدهد و نشان میدهد که رویزیونیستها در  
عرصه هنر دارای نظراتی هستند که تنها با منحن-  
ترین نوع هنر بورژوازی، هنر تجارستانی هنسری  
که به آخرین درجه فساد سقوط کرده است همخوانی  
دارد.

او خود منظورش را بدون ابهام تشریح میکند  
در مورد داستانهای عشقی مینویسد: "تمام ما پس  
ناسا آنها شرح این است که مردی است، زنی است  
عاشق هم میشوند و آخرش به ازدواج منجر میشود  
با نمیشود" و در باره رمانهای پلیسی هم توضیح  
میدهد: "گمان و بیل، نویسنده ای که سر "شلویک  
- هلمز" را نوشت یکی از بنیان گذاران این  
سبک است"

آری کارگران سوسال امیرالیم به  
داستان نویسان جوان توصیه میکنند که هر شروع  
داستانی میتوان نوشت حتی داستانهایی از  
نوع پست ترین تفاله های هنر امپریالیستی.  
دشمنی این نظرات رویزیونیستی با دیدگاههای  
مارکسیستی در هنر و فنی آشکارتر میشود که آنرا  
با نظرگاههای صاحب نظران مارکسیست - لنینیست  
در زمینه هنر مقایسه کنیم، به عنوان مثال گورکی  
تاکید میکند: "چنان که ظهورت انقلاب، در یک  
نموده است و ادبیات وظیفه دارد که به قیام کنندگان  
کمک نماید." صفحه ۱۶۷ - ادبیات از نظر گورکی.

آری هنر پرولتاریا، هنر مارکسیستی، به  
نویسندگان خود توصیه میکند که هنرشان را به  
خدمت انقلاب درآوردند و رویزیونیستی، هنر  
بورژوازی به نویسندگان جوان رهنمود میدهد  
که مطابق روحیه فردیشان اگر مایل بودند  
داستانهایی در مورد خائیان، پلیس رومانهای  
مبتذل عشقی بنویسند. و بدینگونه میراث شلویک  
منحن ترین و بیشرمانه ترین آثار رهبری  
بورژوازی میرسد. به زعم اینان یک داستان نویس  
جوان میتواند (البته اگر مطابق روحیه اش  
باشد!) او را به همچون "یا فلیمینگ" خاللق  
جیمز بنامند "گمان و بیل" خالق شلویک هلمز کار-  
گران مزدور امپریالیستها، وظیفه نقدیسی  
و منزه کردن پلیس کشورهای امپریالیستی و  
سرما به داری را به عهده گیرند. اما اگر میخواهد  
با نظر نویسندگان کمونیست نسبت به این نوع  
آثار آشنا شود خوب است حرفهای گورکی را به

## "احسان طبری" مورد علیه هنر مارکسیستی رهنمود می دهد

رویزیونیستهای "توده ای" همچون تمام  
رویزیونیستها، بدون پرده پوشی، هنر فاسد  
مارکسیستی را تبلیغ و ترویج میکنند. صفات  
نشریاتشان از منحن ترین و پست ترین آثار  
"هنری" پر شده است و حاشی هنر مبتذل و دروغین  
- اند... و اکنون آقای احسان طبری، بورژوا  
- رویزیونیستی که مویش را در راه خدمت بسسه  
سوسال امیرالیم و بورژوازی خودی سفید  
کرده است، یک قدم در نظریه پردازی های وقیحانه  
بورژوازی به پیش برداشته و طی مباحثه ای در  
یکی از نشریات حزب توده (۱) ضمن صحبت در  
باره داستان نویسی رهنمودهایی به قلم نویسان  
جوان عرضه کرده است رهنمودهایی که از نظر فساد  
و انحطاط کم نظیر است و میتواند نمونه عربانی  
ارگندیدگی معیارهای بورژوا - رویزیونیستها  
در عرصه هنر شمارا بد.

احسان طبری در این مباحثه گفته است:  
"یکی از توصیه هایی که میشود کرد این است که  
نوع قصه ای را که در جهت روحیه خودتان هستند  
انتخاب کنید... "روحیه خودتان"، "خودتان"  
و... در واقع رهنمودهای این رویزیونیست پیر  
نکار جویده های گندیده نویسندگان و منتقدین  
و رشکته هنر امپریالیستی است. اهمیت گفته -  
های طبری در اینست که نشان میدهد هیچ تفاوتی  
بین رویزیونیستهای هنرمند و هنرمندان  
بورژوازی وجود ندارد. وجه مشترک همه اینان  
ناکید بر جنبه فردی آفرینش هنری است. و هنر  
مارکسیستی از ابتدای پیدایش خود را تا چا ر  
دیده است که در سبزی آشتی نا پذیر با هنر فرد -  
گرای بورژوازی سر بر دوزیرا خواستار هنسری  
است که روحیات فرد هنرمند در آن به بگانه گسی  
با آرمانهای جمعی پرولتاریا برسد  
احسان طبری با ابتدالی گفتگ و آنرا موزن  
میدهد؛ ممکن است مثلا فرض کنید دلتان بخواد  
رمانهای تاریخی یا پلیسی یا جنایی بنویسید  
با اجتماعی انقلابی بنویسید یا روانی عشقی  
بنویسید"

(۱) - مجله جوانان حزب توده شماره های ۲۰۱

# رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

## ملاحظات کوتاه

### شکجه‌های مشروع و مکتبی!

همه چیز مشروع و مکتبی شنیده بودیم الا شکجه مشروع و مکتبی، که با بنهم بلطف مباحیبه مطبوعاتی آقای کجوشی ریش زندان او این سر ما روشن شد. کجوشی که چیزی است شبیه همان "استوار"ی دوره گذشته، ناگزیر بود برای روشن کردن "ملت مسلمان و قهرمان و متمتع" در باره زندان های جمهوری اسلامی توضیحاتی بدهد. اما علت "ناگزیری" این نبود که کارگران و کمونیست ها را (دختر یا پسر) شلاق می زنند، و بحریم بخش چندا علامه چندین بار "صحنه های اعدام" بنمایش در می آورند و یا در یک "بیدارگاه" در بسته نیمه عتبه یا چند دقیقه ای افرادی انقلابی و کمونیست را به همین حرم به زندان های ۱۵-۱۰ ساله یا اعدام محکوم میکنند، بلکه علت کلی "مهمتر" از اینها بوده! آنها دستگیری قطب - زاده را با بد برای لیبیرالها، این همکاسه های حزب جمهوری اسلامی توضیح میدادند. با بدیه انتقادات "مزورانه" سنی صدر که راجع به انواع زندان صحبت کرده بود یا سخ میدادند! آقای کجوشی در توجیه کاری و در ماستمالی قضیه شکجه (که البته بصورت حدالهی و شرعی اجرا میشود) کما شرم تعداد شلاقها را هم معلوم میکند (شان داد که نیروهای ضد خلقی در هر لباس و پوششی که با شنند ما هیتان یکی است فقط زبان توجیه گری آنها فرقی میکند، و مگر توقع غیر از این است؟ در شهری که شیخ الاسلام - زاده ها نفسی ها و امثال آنان از محازات نعت یا بند و آخوندهای درباری در "دادگاه و بیسزه معصمن" فقط محکوم به پوشیدن کت و شلوار شوند و احمد رضا کریمی های خاش و دیگرها و اکیهای با تجربه برای با زحوشی انقلابیون با زسازی ما واک جدید (با واما) بکار گرفته شوند و حجات ریش زندان او این آقای کجوشی البته هیچ تعجبی بر نمیانگیزد. او وظیفه خود را در خدمت به بورژوازی انجام میدهد، همین بس!

### وحشت از انقلاب و کمونیسم رژیم رانمی لرزاند

در جنگ ارتجاعی و حنا بنکارانه ای که بسویله دورژیم ایران و عراق جریان دارد، مساله آوارگان ابعاد سفرخی به خود گرفتار است. سرما به داران که با یک دست در تنور جنگ، مید خندم و با دست دیگر برای با صلح و حمایت از آوارگان و نگهداری اطفال بیگناه آنان در آورده اند. سرم آور است که برخی همانند دوران برده داری فزون وینتی کودکاتی را که ظاهرا برای نگهداری پیش خود میبرند انتخاب

شده در صفحه ۲۱

## در شصتمین سالروز شهادت

### میرزا کوچک خان

### "سردار جنگل"

### یاد او و مبارزاتش را

### گرامی میداریم

میرزا کوچک خان بنیان گذار جنبش جنگل در سیزده آذرماه ۱۳۰۰ بدست مزدوران جگمه پوش رضا خان قلدربشادت رسید. کوچک خان و باران او در باگیری نهضت جنگل و برقراری جمهوری گیلان نقش اساسی داشت او و مشا به یک دموکرات انقلابی منعکس کننده تما یلات مترقیانه هفتان در مبارزه علیه فئودالها و رژیم استبدادی و دست - نشاندگان استعمار بود و در انقلاب مشروطه و مبارزات با لهای نخست زما مداری "رضا خا" مبارزه بخش مهمی از توده های گیلانی را رهبری میکرد. رژیم جمهوری اسلامی بسیار رکوشش دارد که زنا مو آ و ازه میرزا کوچک خان و نهضت جنگل به سود خود استفا ده کند، در حالیکه "میرزا" علی رغم اشتباهاتی که اغلب آنها به پیش اجتماعی و طبقاتی او بر میگشتند، توانست با تبلیغ دموکراتیسم انقلابی و با برداشتهای انقلابی از مذهب، زحمتکشان گیلان را در یک مبارزه - ملحانه توده ای بسیج نماید، او معتقد به انقلاب بود و در این راه نیز قدم بر میداشت. کسانیکه در طوفانی ترین لحظات قیام بر شگوه بهمن ۵۷ با تمام نیرو به خلع سلاح مردمی پرداختند نمی - توانستند خود را با مردی که قدم در راه مبارزه - ملحانه توده ای گذاشته و از رهبران مدیست انقلاب بود مقابله نمایند. بزرگداشت مبارزات جنگل و میرزا کوچک خان نباید مانع از یادآوری اشتباهات او گردد. برخورد های نادرست "میرزا" بویژه در مناسبات با کمونیست ها (که به شهادت حیدرخان عموا و غلی منحرفند)، تمایل به برخی مستشاران مشکوک و گرایش به سمت بازاریبان و... صدمات جدی بر تبریک جنبش ضد ارتجاعی - ضد استعماری مردم ایران وارد کرد ما ضمن درگیری از فرار و فریب های مبارزات میرزا کوچک خان، با یاد او گرامی میداریم. ■

رضا لیسیم سوسیالیستی آثار او را رزق مندی به کارگران و زحمتکشان شما جهان عرضه کرده است یک به یک این داستانها و زمانها و اشعار و... را ورق بزنید. سطر سطرشان سرشار از صدای بیروان زندگی است. رضا لیسیم سوسیالیستی بصورت این معلمین مرتجع داستان نویسی تف میکنند و نشان خواهد داد که احازه نمیدهد دلگان فریوتی نظیر احسان طبری بیش از این سرگرم مسوم کردن ذهن بیولتا را باشند، بیولتا را بی که بحریم سرخ اغلاش در امتزاز است. ■

ویراستی خاشن، چگونه تفاله های بورژوازی را در صفحات تنگین نامه هایشان درج میکنند و علیه هنر بیولتا را به ستیزی خصمانه می پردازد البته احسان طبری رویزونیست پریبرال هم نمیگوید! اگر ما با دید طبقاتی به رویزونیستها و بخصوص به این کارگزاران سوسیال امپریالیسم نگاه کنیم، فی الواقع ایشان مانند تمام نیرو - های ارتجاعی تاریخ، به دروغهای زیبا "و به تخیلهای واهی احتیاج مبرمی دارند - ایشان میخواهند با دروغها ایشان و با هنر دور از واقعیتشان، واقعیات کنونی را وارونه جلوه داده و حاکمیت ضد انقلاب و ارتجاع را از چشم توده ها پنهان کنند و این طبیعی است که به هنرمند بگویند که باید "دروغ زیبا" بگویند "هر چه دروغتر بهتر". این کاملاً با هیت طبقاتی این کارگزاران سوسیال امپریالیسم جور در می آید که هنری را تبلیغ و ترویج نمایند که اساسش بر واقع گرایی است. ایشان به چنین هنری برای تبلیغ سازش طبقاتی و بردن طبقه کارگر به مسلخ بورژوازی احتیاج دارند. مثلاً ایشان امروز نیا زدن به کارگران بگویند: "کارگران ایران در جنگ کنونی شرکت کنید". بنا بر این باید در هنرشان تبلیغ روحیات آشتی - جویانه، تسلیم پذیری و چاکرمنشی نسبت به بورژوازی خودی و دروغ بردازی و شیرنگ بازی باشد. ایشان باید در همه حال رواج دهنده خرافات و ایده آلیم باشند.

احسان طبری میگوید نویسنده جوانان را آنچنان تربیت کند که در داستانها و شعرها و خلاصه در تمام رشته های هنر، کمر همت بیندند تا در انقلابی ترین بخش جامعه یعنی طبقه کارگر، هر آنچه روح بیکار رجوسی و کین خواهی و بیداری است از میان بردارد. داستان نویسی که رویزونیستها تربیت میکنند، با بیدار ستانهایی بنویسد تا کینه طبقاتی و هیجانهای یک کارگر را به سوی احساسات و هیجانان مبتذل بورژوازی کانالیزه کند: "... بخصوص با خواننده نوعی لاج بازی کنند. چون خواننده مرتباً سعی میکند حدس بزند که نویسنده چکار خواهد کرد که مثلاً سرنوشت این خاتم بطور میشود، آن آقا بطور میشود... شما لاج کنید بروید برخلاف آن مسیری که او فکر میکند" (مجله جوانان حزب توده شماره ۲۰۱)

کمونیستها هنر را نه در خدمت شکم سیران بورژوا و نه برای سرگرمی و انحراف توجه توده ها از اساسی ترین مسائلشان، بلکه در خدمت میلیونها کارگر "این گلیبا، این عاقلان به توان و نیروی آینده" (لنین) قرار میدهند. کار و مبارزه هر آنچه که زندگی است در هنر بیولتری جاری میگردد.

هما بگونه که مبارزه بر علیه مسموم استعمار زیباست، هما بگونه که عشق به خلق و آرمان والای طبقه کارگر زیباست، هما بگونه که هنر بیولتری زیباست، چون آئینه مبارزه با زنا ب رنجها، مبارزه ها و کینه ها و عقیهای توده های خلق است

### تخصص با مکتب پوششی برای جنگ قدرت

جنگ قدرت در میان هردو جناح رقیب هیات خاکمه شدت جریان دارد. ما در این باره بسیار سخن گفته ایم، اینک می‌گویند نشان دهم‌گسه چکونه در پشت سر "واژه"‌ها شئی که به جناح پیکار می‌برند منافع طبقاتی خود را پنهان می‌دارند و چگونه در هر کلامشان گوش برای کسب بیشترین قدرت نهفته است. یکی از این واژه‌ها که بی‌ظا هر از اصولی ترین مقوله‌های مورد اختلاف دو جناح است، دعوا بر سر تخصص یا مکتب می‌باشد. ما ثابت خواهم کرد که کدامین اهداف خاشانه، در پشت این الفاظ نهفته است و در واقع این دعواها پوششی برای جدال اصلی یعنی "همه قدرت برای کدام جناح" است.

### اولاً حزب جمهوری اسلامی و مکتب اش

دعوی اصلی نیروی این است که بر ماسا غل حاس حکومتی "مکتبی"‌ها باشند، با "تخصص"‌ها بهشتی می‌کوند:

"نمی‌شود در جاس معا اسلامی یک جوان درس خوانده مومن، متقی، سیکار برگردد و یک آدم بی نفوا و بی درس خوانده بجای او سرکار باشد".

و با:

"در انتخاب افراد برای مساعل و کارها سوال اول از پاسبندی این افراد سبب مکتب الی است و سوال دوم از تخصص و مهارت". (جمهوری اسلامی، ۳ آذر).

بسی دعوا بر سر حکومت بوده‌ها و حکومت مستضعفان" (و... نیست و بنا بر ماسا طبقاتی نورزوانی بنی مدرها و بهشتی‌ها، نمیتواند هم باشد. دعوا بر سر این است که چه کسانی حکومت کنند، بهشتی درس خراشی تخصص با مکتب و در دیگر سخنرا نیایش و بنا می سردمداران حزب

## یادداشت‌های سیاسی هفته

جمهوری نیندرنوینته‌ها و کخته‌ها نشان می‌کوند در جمهوری اسلامی باید "مکتبی"‌ها و "خطاباتی"‌ها حکومت کنند، و منظور از مکتبی‌ها هم مشخص است. حزب جمهوری اسلامی و "روحانیت و نیروهای طرفدار این حزب". بهشتی درس خراشی روزنابونا قدرت را در درجه اول در اختیار ولایت فقیه و فقیهای شورای نگهبان (که طرفدار حزب جمهوری هستند) داده‌است و در درجه دوم مجلس، شورابعالی قضائی - نخست وزیر و روزرا! (طرفداران حزب) و رئیس جمهور را عنوان کرده‌بود، مکتب یعنی این! بهشتی در حکومت مکتبی‌ها معتقد است نه تنها مشاغل حاس با بیدردست حزب با شدنیگه "مکتبی"‌ها "حق نظارت بر همه شئون حاسه را نیندرارند و با قاطعیت می‌کوند:

"من این را در اینجا اینجا عرض می‌کنم روحانیت آگاه متعهد حاسل در حد نظارت همه حاسه تمام عیار به عنوان معتمدان مکتب در جریان کارهای کشور برای همیشه نظارت خواهد کرد. (تکسیر دوم) کسانی در جمهوری اسلامی مسئولیت‌های خرد و کلان را قبول میکنند که با این نظارت مراجعان سازگار باشد. آنها نیگه این نظارت را نمیتوانند تحمل بکنند، لطفاً خاشان را به کسانی بدهند که از این نظارت صمیمانه استقبال میکنند". (جمهوری اسلامی، اول آذر).

جان تا به حرف حزبی‌ها را بهشتی بخویش بیان میکنند: حکومت "جمهوری اسلامی" است و این حکومت هم چیزی نیست مگر حاکمیت کسانی که واقعا مکتب اسلام را درک می‌کنند و اینها کسانی نیستند مگر طرفداران ولایت فقیه و فقیه‌ها و روحانیون طرفدار حزب و اصولا حزبینها!

بفید در صفحه ۲۳

### ارتجاع حتی از آوردن نام "کار"، "درو"، "نیشه" و "نان" وحشت دارد

اخیرا بی خشمتهای از ادارات بخش و ضبط رادیو-تلویزیون خواسته شده است که سرود "جها دسا زندگی" که در آن "کار، درو، نیشه" کوبیدن و نان مطرح گردیده بعلت نداشتن محتوای اسلامی از طرف نماینده ما مرمدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، حجت الاسلام محتشمی، از رده سرودهای قابل بخش حذف گردیده است "را بهیوجه مورد استفاده قرار ندهند".

ارتجاع از بزبان آوردن کلماتی که برای فریب زحمتکشان و سرودهای تبلیغاتی حاس داده‌اند، هراس دارد. اینان خودنیک می‌دانند که "کار"، "درو"، "نیشه" و "نان" و نظایر آنها کلماتی هستند که با بزوان پرتشوان زحمتکشان مینمایستکی ناگشتنی دارند، ارتجاع "کار" و "کارگران، نیشه و زحمتکشان و خرین هر" داین" برای "درو" و... ستم‌طیقاتی را به بهترین شکلی برای کارگران و دهقانان زحمتکش ایران جسم می‌بخشد. تخمیی که اگر با آگاهی طبقاتی بیامیزد (که آمیختن محتوم است) مرکز رژیم‌هایی چون جمهوری اسلامی را بسیار خواهد آورد و امروز حتی تصور چنین فردای برخی برای سردمداران رژیم وحشی مرگزار می‌آفریند. چه دلنشین است دیدن این وحشت سر چهره مرتجعین!

### جنایات پاسداران مردم را بیدار جنایات ساواک می‌اندازد!

سازی - در شب تنه ۱۷ آبانماه اتومبیل حبیب‌ساداران همراه ساواک اتومبیل بیگان سرعت بطرف دریا حرکت می‌کردند. پس از یک ساعت مردم آن ناحیه با چهره‌خوین جوان سست ساله‌ای مواجه شدند که پس از کتبه در بسان رها شده بود. وی که یک دانشجوی انقلابی بود همراه با رفقا پس دستگیر شده بود و از سرنوشته دیگران اطلاع نداشت. مردم زحمتکش جومه‌سازی با انجرا از جنایات پاسداران سرمانس، بیدا و ای دانشجوی مجروح سرداختند.

آری، پاسداران رژیم جمهوری اسلامی، روشهای ساواک را خیلی خوب آموخته‌اند.

می‌کند. اعتراض مردم زیادتر میشود و پاسداران ارتش خشم مردم، پاسدار زخمی را در میان فریاد - تایی "مرک بر پاسدار" مردم زحمتکش، فراری می‌دهند.

### گلوله بجای بنزین

در تاریخ ۱۷ آبانماه ساعت ۸/۳۰ صبح (بین دومنورسوار پاسداران مستقر در سبب - بنزین "شیربنا سوزیه" آحاده قدیم کرج) سر - تحویل بنزین به آنها مشا جراهی پیش می‌آید. مردم به بهشتیانی از خواست حق موتورسواران در می‌آیند و این بر پاسداران کران می‌آید و طبق معمول همیشه دست به سیراندازی می‌زنند که یک تیر به کتف یکی از پاسداران و گلوله دیگری به پهلوی یکی از موتورسواران اصابت

### تسلیمت به کارگران وزحمتکشان اینتالیا

رگله در انتالیا چندین هزار نفر راکت و هزاران نفر را آواره کرد مانند همیشه با رماس و کتبه‌ها بردوش کارگران وزحمتکشان قرار دارد.

ما همصدا با نمای زحمتکشان جهان به طیفه کارگرو زحمتکشان اینتالیا، تسلیمت می‌کوشیم.

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست